

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت اسلامی

پستی؟

چگونه؟

تالیف: حسن مٹھانی

مشکاتی، حسن، ۱۳۳۸ -	:	
عنوان و نام پدیدآور	:	تعلیم و تربیت اسلامی، چیستی؟ چگونه؟/ تالیف حسن مشکاتی.
مشخصات نشر	:	اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۴ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۱۸-۳۵۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	اسلام و آموزش و پرورش
موضوع	:	Islamic education
موضوع	:	اسلام و آموزش و پرورش -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	:	Islamic education -- Study and teaching (Higher)
رده بندی کنگره	:	۱۸/۲۳۰-BP
رده بندی دیویی	:	۴۸۳۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۸۳۳۴۸۰



تعلیم و تربیت اسلامی: چیستی؟

چگونه؟ نویسنده: حسن مشکاتی

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۸ / اول

تعداد صفحه: ۱۶۴ ص

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۳

فصل اول: کلیات

۱. تعاریف تعلیم.....	۱۹
۱-۱. ایجاد زمینه‌ها و عوامل برای اینکه فراگیر دانشی را واجد شود.....	۱۹
۱-۲. انتقال اطلاعات، علوم و تجربیات از مرجعی به مرجع دیگر به طوری که فهمیده و ادراک شده و بر مبنای هدفی مشخص باشد.....	۱۹
۲. تعاریف تربیت.....	۲۰
۲-۱. از نظر لغوی.....	۲۰
۲-۲. معنای اصطلاحی.....	۲۰
۲-۳. از دیدگاه روانشناسی.....	۲۱
۲-۴. از دیدگاه معارف اسلامی.....	۲۲
۳. مفهوم شناسی تعلیم و تربیت.....	۲۵
۳-۱. تعلیم و تربیت چیست؟.....	۲۵
۳-۲. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت.....	۲۶
۴. اجزاء تعلیم و تربیت.....	۲۷
۴-۱. جزء اول: تربیت کننده (= مربی، والدین و ...)	۲۸
۴-۲. جزء دوم: تربیت شونده (= فراگیر، فرزند، همسر و ...)	۲۸
۴-۳. جزء سوم: جریان و روند تربیت (بر مبنای برنامه تربیتی)	۲۹

فصل دوم: اهداف تعلیم و تربیت

۱. اهداف «تعلیم و تربیت».....	۳۳
۱-۱. اهداف کلی.....	۳۳
۱-۱-۱. رسیدن انسان به مقام عبودیت و تحقق اهداف آفرینش و خلقت وی.....	۳۳
۱-۱-۲. کسب رضای خداوند.....	۳۴

- ۱-۲. اهداف مرحله‌ای..... ۳۵
- ۱-۲-۱. بهتر بودن اعمال یعنی اعمال به صورت مطلوب و هنجار باقی بمانند..... ۳۵
- ۱-۲-۲. برای خداوند زیست نمودن..... ۳۶
- ۱-۲-۳. رسیدن به شناخت خود و در نتیجه معرفت و شناخت خداوند..... ۳۷
- ۱-۳. اهداف رفتاری..... ۳۷
- ۱-۳-۱. آگاهی از نیازها، خواسته‌ها، استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای درون و بالفعل نمودن آنها و رشد و تکامل ابعاد مختلف وجودی انسان..... ۳۷
- ۱-۳-۲. بهره‌مندی از مواهب طبیعی و نیازهای مادی همراه با آسوده زیستن و امنیت فردی و اجتماعی..... ۳۸

فصل سوم: اصول تعلیم و تربیت

- اصول تعلیم و تربیت..... ۴۱
۱. سیر تعلیم و تربیت..... ۴۳
- ۱-۱. مرحله اول: پذیرش (جذب)..... ۴۳
- ۱-۲. مرحله دوم: حفظ فراگیر..... ۴۴
- ۱-۳. مرحله سوم: سازندگی (ساخت)..... ۴۵
- ۱-۴. مرحله چهارم: کارآیی..... ۴۵
۲. انواع تربیت از نظر زمانی..... ۴۶
- ۲-۱. کوتاه‌مدت یا مقطعی:..... ۴۶
- ۲-۲. بلندمدت یا دوره‌ای:..... ۴۶
۳. تأمین «هویت» و «تشکیل شخصیت»..... ۴۷
- ۳-۱. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟ و یا هر دو بر هم تأثیر یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟..... ۴۸
- ۳-۲. تربیت اسلامی چه می‌گوید؟..... ۴۸
- ۳-۳. آسیب‌شناسی هویت و شخصیت..... ۴۹
- ۳-۳-۱. پیشگیری..... ۵۰
- ۳-۳-۲. درمان..... ۵۱

۴. تربیت در ابعاد انسانی..... ۵۲

۴-۲. تربیت جسمی..... ۵۲

۴-۲. تربیت اجتماعی (تشکیل شخصیت):..... ۵۳

۴-۳. تربیت اخلاقی (تأمین هویت)..... ۵۵

۴-۴. تربیت عاطفی..... ۵۶

۴-۵. تربیت عقلانی (ساخت هویت مطلوب)..... ۵۶

۵. اصول دیگر..... ۵۷

فصل چهارم: روش های تعلیم و تربیت

روش های تعلیم و تربیت..... ۵۹

۱. توان تربیتی..... ۶۱

۱-۱. تعریف:..... ۶۱

۱-۲. عوامل مؤثر در توان تربیتی:..... ۶۱

۲. روش های تربیتی..... ۶۱

۲-۱. مفهوم..... ۶۱

۲-۲. روش های مبنایی یا دینی..... ۶۲

۲-۲-۱. روش «تشکیل نگرش»:..... ۶۲

۲-۲-۱-۱. تعریف «نگرش»:..... ۶۲

۲-۲-۱-۲. تعریف و معنای «تشکیل نگرش»:..... ۶۳

۲-۲-۱-۳. تحلیل تشکیل نگرش:..... ۶۴

۲-۲-۱-۴. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر..... ۶۵

۱. تشکیل نگرش نسبت به خود..... ۶۶

۲. تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی..... ۶۹

۳. تشکیل نگرش نسبت به خداوند..... ۶۹

۴. تشکیل نگرش نسبت به مرگ و پس از آن..... ۷۰

۲-۲-۲. روش «تشکیل عقیده»..... ۷۲

- ۲-۲-۲-۱. تعریف «عقیده»:..... ۷۲
- ۲-۲-۲-۲. تعریف و معنای «تشکیل عقیده»..... ۷۲
- ۲-۲-۲-۳. تحلیل «تشکیل عقیده»..... ۷۳
- ۲-۲-۲-۴. کاربرد «تشکیل عقیده» در تعلیم و تربیت فراگیر..... ۷۶
- ۲-۲-۲-۵. مثال‌هایی از قرآن در مورد «تشکیل نگرش» و «تشکیل عقیده»..... ۷۷
- ۲-۲-۳. روش «ایجاد شاکله ایمان»..... ۷۹
- ۲-۲-۳-۱. تعریف لغوی..... ۷۹
- ۲-۲-۳-۲. تشکیل شاکله ایمان..... ۷۹
- ۲-۲-۳-۳. شکل‌یابی ایمان و تعلیم و تربیت فراگیر..... ۸۰
- ۲-۲-۳-۴. نشانه‌ حصول یا تکمیل ایمان..... ۸۱
- ۲-۲-۳-۵. نقش دعا در تثبیت ایمان..... ۸۲
- ۲-۲-۳-۶. آیات تشکیل ایمان:..... ۸۴
- ۲-۲-۳-۷. رفتارهای تربیت‌شده بر اثر ایمان:..... ۸۴
- ۲-۲-۴. روش تشکیل اخلاق حسنه..... ۸۵
- ۲-۲-۴-۱. مفهوم‌شناسی اخلاق..... ۸۵
- ۲-۲-۴-۲. شکل‌یابی اخلاق حسنه در تعلیم و تربیت فراگیر..... ۸۶
- ۲-۲-۴-۳. نقشه‌های استعمارگران..... ۸۷
- ۲-۲-۵. روش «ایجاد هدف»..... ۸۸
- ۲-۲-۵-۱. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر..... ۸۸
- ۲-۲-۵-۲. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)..... ۸۹
- ۲-۲-۶. روش ارزش‌گذاری..... ۹۰
- ۲-۲-۶-۱. تعریف..... ۹۰
- ۲-۲-۶-۲. ارزش‌شناسی..... ۹۰
- ۲-۲-۶-۳. ارزش‌گذاری و تعلیم و تربیت فراگیر..... ۹۲
- ۲-۲-۶-۴. ارزش‌گذاری و ارزش‌شناسی در قرآن..... ۹۲

- ۹۴ دست‌یافته‌گان به ارزش‌ها. ۲-۲-۶-۵
- ۹۵ ارزشگذاری در نماز. ۲-۲-۶-۶
- ۹۵ روش محبت نمودن. ۲-۲-۷
- ۹۶ نکات کاربردی روش محبت. ۲-۲-۷-۱
- ۹۸ محبت در قرآن و روایات. ۲-۲-۷-۲
- ۱۰۰ روش «ایجاد جو حُسن و قبح». ۲-۲-۸
- ۱۰۰ روش «ایجاد شرایط و محیط». ۲-۲-۹
- ۱۰۰ مفهوم‌شناسی. ۲-۲-۹-۱
- ۱۰۱ انواع شرایط و محیط. ۲-۲-۹-۲
- ۱۰۲ عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب. ۲-۲-۹-۳
- ۱۰۳ کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر. ۲-۲-۹-۴
- ۱۰۶ عوامل مؤثر بر شرایط و محیط تعلیم و تربیت. ۲-۲-۹-۵
- ۱۰۷ موضع تربیتی. ۲-۲-۹-۶
- ۱۰۸ روش «ایجاد شاکله تفکر صحیح». ۲-۲-۱۰
- ۱۰۸ مفهوم‌شناسی «تفکر صحیح». ۲-۲-۱۰-۱
- ۱۰۹ فواید تفکر صحیح. ۲-۲-۱۰-۲
- ۱۱۰ کاربرد ایجاد تفکر صحیح در تعلیم و تربیت فراگیر. ۲-۲-۱۰-۳
- ۱۱۲ منشأ تفکر صحیح. ۲-۲-۱۰-۴
- ۱۱۳ تفکر صحیح در متون اسلامی. ۲-۲-۱۰-۵
- ۱۱۷ روش تربیت دینی. ۲-۲-۱۱
- ۱۱۷ مفهوم. ۲-۲-۱۱-۱
- ۱۱۷ تربیت دینی چگونه حاصل می‌شود؟. ۲-۲-۱۱-۲
- ۱۱۸ روش‌های تربیتی عام. ۲-۳
- ۱۱۸ روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش». ۲-۳-۱
- ۱۱۹ روش «استفاده از مقررات». ۲-۳-۲

- ۱۲۰ ۲-۳-۳. روش «ایجاد رفتار تازه».....
- ۱۲۱ ۲-۳-۴. روش «افزایش رفتار موجود»:.....
- ۱۲۱ ۲-۳-۵. روش «نگهداری رفتارهای مطلوب».....
- ۱۲۳ ۲-۳-۶. روش «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب».....
- ۱۲۵ ۲-۳-۷. روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب».....
- ۱۲۷ ۲-۴. روشهای خاص تربیتی.....
- ۱۲۷ ۲-۴-۱. روش «ساختن ظاهر».....
- ۱۳۱ ۲-۴-۲. روش «ساختن درون و باطن».....
- ۱۳۲ ۲-۴-۳. روش «فریضه‌سازی».....
- ۱۳۳ ۲-۲-۴. روش «محاسبهٔ نفس».....
- ۱۳۴ ۲-۴-۵. روش «آراستن ظاهر».....
- ۱۳۵ ۲-۴-۶. روش «تزیین کلام».....
- ۱۳۵ ۲-۴-۷. روش «توبه».....
- ۱۳۶ ۲-۴-۸. روش «تبشیر».....
- ۱۳۷ ۲-۴-۹. روش «تعلیم حکمت».....
- ۱۳۷ ۲-۴-۱۰. روش «موعظه حسنه».....
- ۱۳۸ ۲-۴-۱۱. روش «یادآوری نعمتها».....
- ۱۳۸ ۲-۴-۱۲. روش «عبرت‌آموزی».....
- ۱۳۸ ۲-۴-۱۳. روش «تزکیه».....
- ۱۳۹ ۲-۴-۱۴. روش «ابراز توانایی‌ها».....
- ۱۳۹ ۲-۴-۱۵. روش «انذار».....
- ۱۳۹ ۲-۴-۱۶. روش‌های دیگر.....
- ۱۴۰ ۲-۵. نحوه و شیوه بکارگیری یک روش تربیتی.....

فصل پنجم: مراحل تربیت

- ۱۴۴ ۱. مراحل تربیت.....

- ۱-۱-۱. تقسیم بندی مراحل سنی..... ۱۴۴
- ۱-۱-۱. تقسیم بندی سنی از نظر تحصیلات رسمی..... ۱۴۴
- ۱-۱-۲. ادوار سنی از نظر رشد..... ۱۴۵
- ۱-۱-۳. تقسیم بندی مراحل سنی از نظر تعلیم و تربیت اسلامی..... ۱۴۶
۲. خطوط کلی «مراحل تربیت»..... ۱۴۷
- ۲-۱. خودسازی و تعلیم و تربیت..... ۱۴۷
- ۲-۱-۱. تعریف خودسازی..... ۱۴۷
- ۲-۱-۲. اهمیت خودسازی..... ۱۴۷
- ۲-۱-۲-۱. خودسازی اوجب واجبات است..... ۱۴۷
- ۲-۱-۲-۲. خودسازی غایت تعلیم و تربیت است..... ۱۴۸
- ۲-۱-۲-۳. خودسازی شرط رسیدن به ایمان حقیقی است..... ۱۴۸
- ۲-۱-۲-۴. خودسازی چه موقع و در کجا انجام پذیر است؟..... ۱۴۸
- ۲-۱-۲-۵. خودسازی وسیله به فعلیت رسیدن استعدادهاست..... ۱۴۸
- ۲-۱-۳. کاربرد و نقش خودسازی در تعلیم و تربیت فراگیر..... ۱۴۹
- ۲-۱-۴. نقش مربی در خودسازی فراگیر..... ۱۵۰
- ۲-۱-۵. ملاک و معیار خودسازی..... ۱۵۲
- ۲-۱-۶. برنامه خودسازی (برنامه تربیتی یا حداقل های خودسازی)..... ۱۵۳
- ۲-۲. برنامه تربیتی (برنامه خودسازی)..... ۱۵۵
- ۲-۲-۱. تعریف..... ۱۵۵
- ۲-۲-۲. فواید، لزوم و اهمیت..... ۱۵۵
- ۲-۲-۳. ویژگیهای برنامه تربیتی..... ۱۵۶
- ۲-۲-۴. مراحل برنامه تربیتی: (کاربرد برنامه تربیتی در مراحل مختلف زندگی)..... ۱۵۷
- ۲-۲-۴-۱. مرحله اول: انتخاب همسر (ازدواج والدین)..... ۱۵۷
- ۲-۲-۴-۲. مرحله دوم: قبل از انعقاد نطفه..... ۱۵۷
- ۲-۲-۴-۳. مرحله سوم: انعقاد نطفه (کوتاه ترین مرحله، ولی بسیار مهم)..... ۱۵۸

- ۱۵۹ ۲۴-۴-۴. مرحله چهارم: پس از انعقاد نطفه.....
- ۱۵۹ ۲-۲-۴-۴. مرحله پنجم: تولد و نوزادی (ایجاد شخصیت فردی).....
- ۱۶۰ ۲-۲-۴-۵. مرحله ششم: دوران کودکی.....
- ۱۶۱ ۲-۲-۴-۶. مرحله هفتم: پایان دوران کودکی، نوجوانی، دوره اطاعت، ۷ تا ۱۴ سالگی.....
- ۱۶۱ ۲-۲-۴-۷. مرحله هشتم: دوران بلوغ - دوران وزارت یا تولد ثانی یا دوران تحولات درونی.....
- ۱۶۲ ۲-۲-۴-۹. مرحله نهم: پس از دوران بلوغ و تا پایان عمر.....
- ۱۶۴ فهرست منابع و مآخذ.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

انسان کیست؟ از کجا آمده؟ چه باید انجام دهد؟ و بالاخره، به کجا می‌رود؟ در طول تاریخ، این سوالات، همواره برای بشر مطرح بوده است.

انسان به رشد و تکامل نیازمند است و این مهم توسط دیگر انسان‌ها و در میان جامعه انسانی انجام‌پذیر می‌باشد. حاصل زیست بشر تاکنون این بوده است که: برای تعالی یافتن، جلوگیری از هدررفتن و ضایع شدن توانایی‌ها و نیروهای عظیم و ارزشمند درونی، لازم است انسان تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد. آیا گمشده ملت‌ها، و راه حل انواع مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... را در تعلیم و تربیت، نمی‌توان جستجو کرد؟ هر چه بر مفاسد، جرم و جنایت‌ها و انواع مشکلات و ناهنجاریها افزوده شود، نیاز به تعلیم و تربیت بیشتر می‌شود.

در قرآن کریم بطور متعدد تعلیم و تربیت بعنوان هدف بعثت پیامبر اسلام ﷺ ذکر شده و اولین آیات نازل شده قرآن، آیتی بودند که تعلیم و تربیت را تعقیب می‌نمودند.

لذا بیشترین تلاش و کوشش انبیاء، اوصیای الهی و مصلحان، در طول تاریخ صرف این مهم شده، که با تعلیم و تربیت صحیح، فرد و جامعه را پرورش دهند. در این راستا کتاب حاضر که برای درس تعلیم و تربیت اسلامی، که از دروس دوره‌های دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان است تدوین شده، می‌تواند برای دانشجویان، معلمان و مربیان، والدین و عموم دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مفید، واقع گردد.

سخن آخر با والدین: بر مبنای این کتاب می‌توانید بخوبی از عهده تربیت فرزند خود، این مهم‌ترین رسالت و حق او بر شما، برآمده، به وی، سعادت، این مهم‌ترین آرزوی بشر را اهدا نمایید. عامل موفقیت والدین، توافق و همکاری بر سر موضوعات این کتاب، و عدم خنثی نمودن اقدامات یکی توسط دیگری می‌باشد.

از برادر گرامی جناب آقای قدیری و خانم دینانی و همکاران دیگر که در تألیف، تنظیم، و چاپ این کتاب تلاش نمودند کمال تشکر و سپاسگزاریم.

با تشکر

تیر ۱۳۹۸

سخنی با دانشجویان، والدین، مدرسین و اساتید گرامی:

در میان جامعه، و در هر زمان، لازم است انسان‌های تربیت شده‌ای باشند، تا انسان‌های دیگر را تحت تربیت خود قرار داده، تعالی بخشند. اینان مربیانی‌اند که به مصداق «... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْيًى وَفُرَادًى...»^۱ در راه او، به مهم‌ترین قیام‌ها، که همانا قیام به تعلیم و تربیت انسان‌هاست، دست می‌زنند. نقش حساس فرهنگ‌سازان و مربیان در جامعه به عنوان سازندگان انسان‌ها و قائمان‌الله، از آن جهت نمودار و روشن می‌گردد که کمبود یا نبود آنان در جامعه، مساوی است با سقوط ارزش‌ها، فقدان رشد و تعالی، بروز سنت‌های غلط، خرافات و انحرافات مختلف، فساد و فتنه و...
۱. در تدوین این مجموعه از منابع اصلی مانند تفاسیر معتبر (از قبیل المیزان، مجمع‌البیان، نمونه و پیام قرآن)، کتب معتبر حدیثی و دیگر منابع مهم، مانند جلد اول اخلاق در قرآن^۲ و کتب تألیف شده در زمینه تعلیم و تربیت و روانشناسی استفاده شده است.
۲. هر جا سخن از فراگیر است فقط منظور از شاگردان، آنهم در کلاس نیست بلکه به تمام افراد در هر زمان و در هر موقعیت و مکانی اطلاق می‌گردد. (بویژه، فرد، برای مربی - فرزند، برای والدین - همسر، برای همسر)
۳. همچنین هر جا سخن از مربی است، منظور کلیه افرادی هستند که بنوعی با تعلیم و تربیت سروکار دارند (هر جا که هدف تربیت‌نمودن باشد) از قبیل معلمان، مربیان، والدین، همسر و ...

۱. سبأ/۴۶

۲. تألیف آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

۴. پیرامون هر موضوع، مطالب کاربردی نیز بیان شده که آنها می‌توانند در اتخاذ روش‌های مشخص، تعیین‌کننده باشند، لذا لازم است هر مبحث مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این جنبه‌های کاربردی در متن معمولاً با علامت * مشخص گردیده‌اند و یا زیر مفاهیم آن خط کشیده شده است. این کتاب برای دوره‌های ضمن خدمت، دبیران و معلمان همه مقاطع تحصیلی، مریبان باسابقه مراکز آموزشی و تربیتی (مساجد و ...)، برنامه‌ریزان و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، همچنین برای دانشجویان سال آخر رشته‌های کارشناسی (در صورت گذراندن دروس پیش‌نیاز مربوطه) و مقطع کارشناسی ارشد، طلاب سطح دو به بالای حوزه‌های علمیه و روحانیون معززی که تعلیم و تربیت رسالت آنهاست، برای عموم دروس تعلیم و تربیت اعم از پایه، اصلی و تخصصی، قابل تدریس و بهره‌برداری می‌باشد.

در پایان از همه اساتید و مدرسین عزیز، همکاران، والدین و خوانندگان گرامی، درخواست می‌شود تجارب، اشکالات و انتقادات سازنده خود را نسبت به مطالب این مجموعه، به اینجانب بذل عنایت فرمایند.

فصل اول

کلیات

آنچه در فصل اول می‌خوانیم:

۱. تعاریف تعلیم
۲. تعاریف تربیت
 - ✓ - از نظر لغوی
 - ✓ معنای اصطلاحی
 - ✓ از دیدگاه روانشناسی
 - ✓ از دیدگاه معارف اسلامی
۳. مفهوم‌شناسی تعلیم و تربیت
۴. تعلیم و تربیت چیست؟
۵. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت
۶. اجزاء تعلیم و تربیت

۱. تعاریف تعلیم

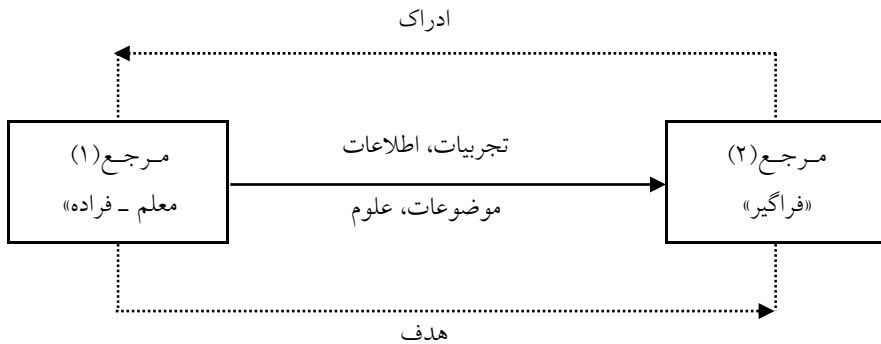
۱-۱. ایجاد زمینه‌ها و عوامل برای اینکه فراگیر دانشی را واجد شود.

۱-۲. انتقال اطلاعات، علوم و تجربیات از مرجعی به مرجع دیگر به طوری که فهمیده و

ادراک شده و بر مبنای هدفی مشخص باشد.

با بازگو نمودن صرف یک مطلب، تعلیم حاصل نمی‌شود بلکه زمانی تعلیم به صورت واقعی خود انجام شده است که همراه با ادراک مطالب باشد. منظور از اهداف در انتقال مطالب نیز معمولاً اهداف کلی، مرحله‌ای و رفتاری می‌باشند. اکتفا کردن به بیان مطلب در تعلیم و عدم وجود ادراک در نظام آموزشی حاکم بر کشور، باعث مواجه شدن با مشکلات عدیده و عقب ماندگی در عرصه‌های مختلف می‌شود.

اجزاء و فرآیند تعلیم در شکل زیر مشخص گردیده است:



علت اینکه نقطه چین روی نمودار وجود دارد این است که هدف انتقال دهنده دقیقاً معلوم

نیست و البته ادراک هم معلوم نیست بصورت کامل رخ دهد.

* می‌توان گفت: اگر ادراک رخ ندهد، تعلیم نیز رخ نداده است.^۱

بعنوان مثال آموزش چهل حدیث و تنها حفظ آن از سوی فراگیران تنها آنان را در مدار تعلیم قرار

۱. در این کتاب مواردی که با ستاره (*) مشخص گردیده و یا معمولاً زیر آن خط کشیده شده معمولاً به جنبه‌های کاربردی آن مبحث اشاره دارد و می‌تواند بعنوان یک اصل، روش یا قانون تربیتی تلقی گردد.

می‌دهد و تربیت زمانی ایجاد می‌شود که مفاهیم احادیث به فرد رشد داده و به فرد ارزش دهد.

۲. تعاریف تربیت

تعاریف ذیل، که هر کدام از زاویه‌ی یکی از علوم بیان شده است:

۱-۲. از نظر لغوی

اضافه نمودن و رشد و نمودادن

تربیت از نظر لغوی یعنی اضافه و زیادنمودن و رشد و نمودادن است.

* جنبه‌ی کاربردی مفهوم لغوی تربیت، یعنی هر روز چیزی اضافه شود و در بُعد غیر جسم و

درون، زیاد نمودن خصوصیات انسانی است.

۲-۲. معنای اصطلاحی

در مورد انسان به کار می‌رود و آن یعنی رشد، نمو و پرورش نهادهای درونی و رفتارهای

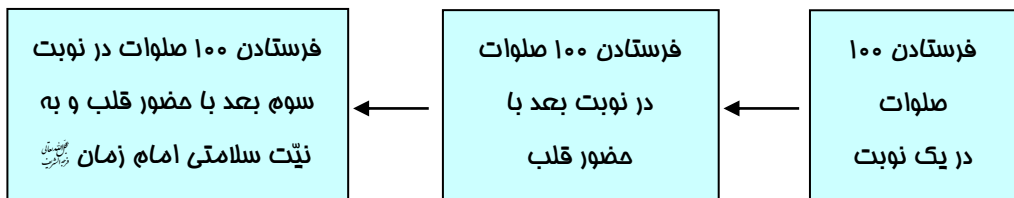
انسان است.

رشد ← نمو ← پرورش ← تربیت

رشد هم در مورد انسان صادق است، هم در مورد موجودات دیگر.

وقتی موجودی از جایی به جایی دیگر یا از وضعیتی به وضعیت دیگر حرکت کند رشد

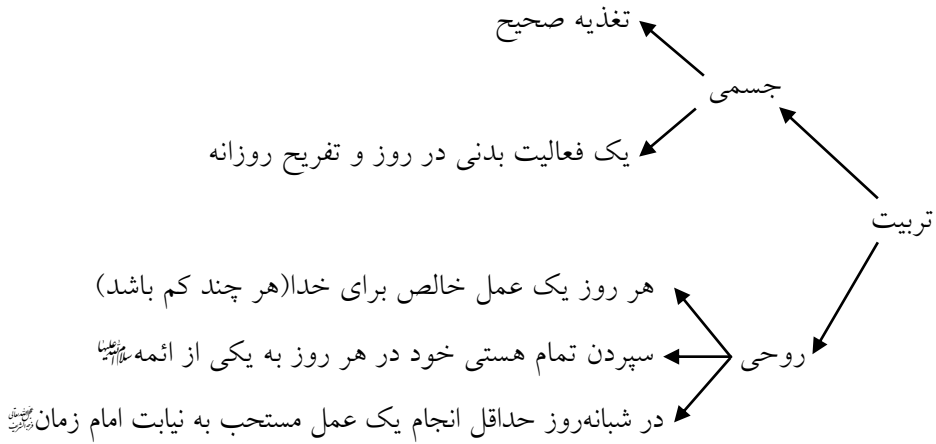
صورت گرفته است. بطور مثال در مورد انسان رشد بدین صورت انجام می‌پذیرد:



تداوم رشد، منتهی به نمو می‌شود و پرورش، تداوم نمو است (که بر مبنای هدف و برنامه

تحقق می‌یابد.) برای بسیاری از جانداران، ممکن است نمو نهایی وجود داشته باشد اما نمو انسان

را نهایی نیست.



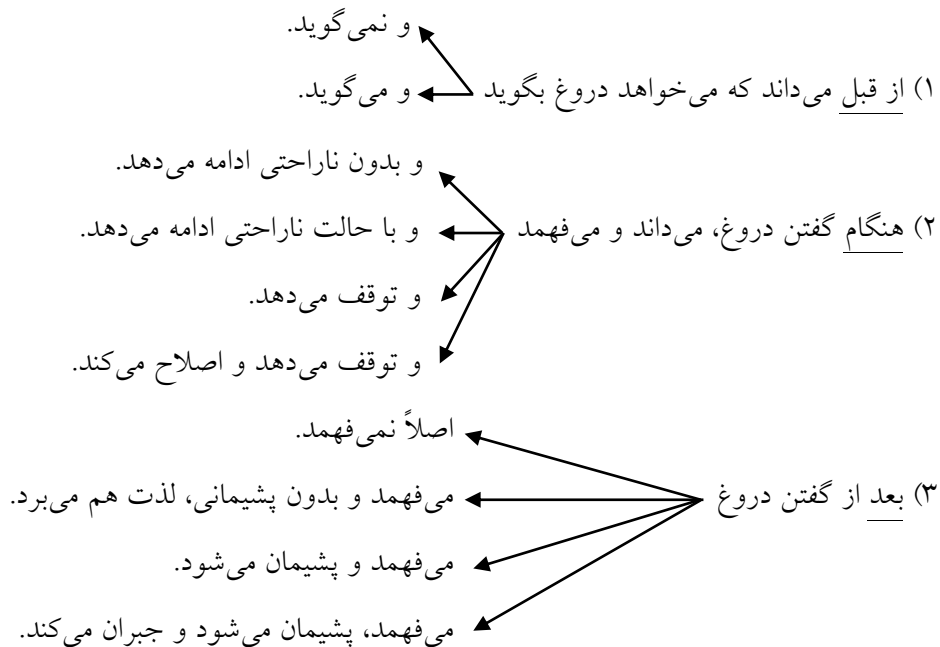
۳-۲. از دیدگاه روانشناسی

* تغییرات مثبت یعنی به وجود آوردن رفتار و عادات مطلوب و نیز ترک دادن رفتارها و عادات ناهنجار. اگر مربی بتواند تغییراتی در فراگیر ایجاد نماید و این تغییرات پابرجا بماند، تربیت انجام شده است.

به هر کاری که فرد انجام می‌دهد رفتار گفته می‌شود و رفتار تثبیت شده، عادت نامیده می‌شود. عادت، رفتار یا حالتی است تثبیت شده، که فرد بی‌اختیار مرتکب آن می‌شود.

عادات خوب: عاداتی که تحت برنامه و هدف باشند، منش و شاکله گردند، خوب هستند.

* مربی با تبدیل حالات، رفتارها و عادات ناهنجار به هنجار، فرد را در مدار تربیت قرار می‌دهد. به عنوان مثال در دروغ گفتن، ابتدا به عنوان فعل نمود می‌یابد، سپس عادت می‌شود (= تداوم فعل)، آنگاه تبدیل به یک خصلت ناهنجار می‌گردد. مربی که هدف او تربیت است برای رسیدن به این هدف لازم است بررسی نماید فراگیر از لحاظ ارزش‌ها، در کدام یک از حالات دروغ قرار دارد، پس، زمینه‌هایی به وجود آورد تا ارزش‌ها برای او مفهوم یافته، ایجاد زمینه‌ها و شرایط تربیت را محقق سازد، در مجموع ۳ حالت نسبت به دروغ وجود دارد که در ذیل مشخص شده است:

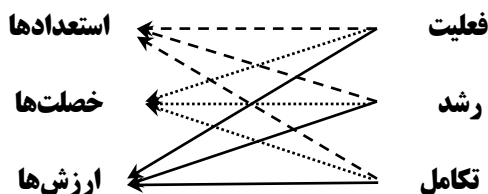


لازم به ذکر است ایجاد و یا ترک هر یک از رفتار و عادات، با روشی جداگانه انجام پذیر خواهد بود. هدف مربی باید ایجاد تغییر (ایجاد یا ترک) در افراد باشد. تشویق، اهداء جوایز، برخورد مناسب و ... که مربی در برنامه خود قرار می دهد، از جمله اقداماتی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب انجام می پذیرد.

۴-۲. از دیدگاه معارف اسلامی

الف- به فعلیت درآوردن، رشد دادن و تکامل بخشیدن به؛ استعدادها، خصلت ها و

ارزش های انسانی و درونی. (نظیر تفکر صحیح، خصوصیات فطری و ...)



ب- کسب اخلاق حسنه

اخلاق حسنه: شاکله‌ای از خصلت‌ها و صفات درونی است که می‌تواند بدون دخالت مستقیم فکر ایجاد شده و منشأ رفتار شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: "اِنَّمَا بَعِثْتُ لَاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ"^۱
«من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

ج- حاصل شدن ایمان

ایمان: ایمان معرفت و حالت قلبی است که بر اساس علم و شناخت و تهذیب و تزکیه درونی ایجاد می‌شود، شاکله ایمان نسبت به چیزی پس از ایجاد شاکله نگرش و عقیده نسبت به آن چیز حاصل می‌شود.

د- انجام کلیه اعمال و رفتارها بر اساس نگرش، عقیده، ایمان و اخلاق حسنه و بطور کلی زیستن فرد بر مبنای آنها و در نهایت واجد شدن حسن عمل.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ^۲

«آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است.»

* از نظر تعلیم و تربیت اسلامی (قرآن و دستورات ائمه علیهم‌السلام) بین فعل و عمل تفاوت وجود دارد:

۱. افعال (رفتار): انجام دادن کاری (فعلی) با اعضاء (مانند دست و پا و زبان و چشم و...) اعم از ارادی و غیرارادی بودن مانند راه رفتن، حرف زدن، نگاه کردن.

۲. اعمال (کردار): از نگرش فرد سرچشمه گرفته و عامل و علت آن عقیده بوده و به آن اجر (حداقل بهشت) تعلق گرفته و ملاک و میزان و حساب فردای قیامت بوده، باعث قرب و رضای

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲

۲. ملک/۲

الهی است (اجر والای عمل)

مانند: اصلاح ذات‌البین، بخشش مال، جهاد در راه خدا، مقابله با مفساد، فرار از غیبت و دروغ و تهمت، طاعات و فرائض، تفکر درباره خداوند و ... (اینها اگر با نیت الهی و از روی نگرش و عقیده انجام شوند، عمل محسوب شده و اجر دارند و اگر بدون هدف و نیت خدایی باشند تبدیل به نوع اول یعنی رفتار شده و چندان اجری بدنبال نخواهند داشت).

۳. یک «عمل کامل» عبارت است از:

(الف) اصل و نفس عمل (از نظر فلسفه، علت و فواید و اهداف و نتایج و تأثیر آن مانند وجود فلسفه برای نماز و روزه و حجاب و ... فریضه و واجب بودن آنها و توجه لازم داشتن به آنها).
(ب) شکل و نحوه انجام دادن آن (از نظر شرایط و نوع آن عمل مانند نحوه خواندن نماز و اینکه عمل خلاف شرع و عرف و عقل انجام نشود).
(ج) احکام، حدود و میزان عمل (از نظر مقدار و محدوده عمل) مانند تعداد رکعات و وضو داشتن و ...)

* نکته مهم: شرط صحت و قبولی یک عمل در تعلیم و تربیت اسلامی تحقق همه موارد فوق برای یک عمل است.^۱

فرد در مرحله عمل درونیات خود را به بروز و ظهور رسانده و رفتارهایش را بر اساس نگرش و عقیده استوار می‌سازد نه آنچه که خود می‌خواهد و یا می‌خواهند.
از مصادیق عینیت یافتن عقیده و ایمان در زندگی افراد، آن است که فرد اعمال، گفتار، کردار و پندارش تماماً بر اساس ایمان بوده و زیست او طبق عقیده صحیح شکل‌گیری گردد نه بر اساس علاقه و امیال و خواسته‌های خود.

۱. در بعضی مستحبات، نفس عمل مهم است، در بعضی موارد، اگر به شکل عمل توجه نگردد، باز عمل پذیرش می‌شود، مانند: نماز شب که نشسته خوانده شود.

مثلاً انتخاب مدل مو برای فراگیری که انتخاب‌های او تحت تأثیر عقیده و نگرش صحیح است و اطرافیان وی از مدل موی غربی استفاده می‌نمایند، ارتکاب عمل و انتخاب وی بر اساس القائات جامعه نبوده و تحت تأثیر اطرافیان قرار نمی‌گیرد. همین فرد با ورود به دانشگاه، متأثر از نگرش‌های گوناگون نبوده و در مقابل مفاسد اجتماعی و اخلاقی دیگران، رنگ نمی‌بازد و سعی او بر این است که در مقابل مفاسد به مقابله برخیزد.

۳. مفهوم شناسی تعلیم و تربیت

۳-۱. تعلیم و تربیت چیست؟

۳-۱-۱. «تعلیم و تربیت» مجموعه‌ی منظمی از اعمال و رفتار است که انسان آگاهانه و از روی عمد (= تکلیف، رسالت، تعهد) و بر مبنای اصول و قوانین مشخص، برای رسیدن به اهداف و ارزش‌ها انجام می‌دهد. لذا آشنایی با قوانین حاکم بر رفتار آدمی و رعایت مبانی و اصول تعلیم و تربیت، عامل موفقیت و سعادت او بوده، از انواع انحرافات و شقاوت جلوگیری می‌نماید. حاصل و نتیجه‌ی تعلیم و تربیت، ساخته‌شدن و ساختن است، با مشاهده فرد خودساخته و با سعادت، می‌توان به این نتیجه پی برد که وی تحت مجموعه‌ی برنامه‌ی تربیتی و تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

۳-۱-۲. تعلیم و تربیت کوششی است هدف‌دار، یعنی اینکه می‌دانیم چه می‌خواهیم؟ و به کجا می‌رویم؟ و مسیر زندگی در چه جهتی است؟ و هر روز باید چه انجام داد؟ و اهداف روزانه و غایی ما چیست؟ و لذا فرآیند تعلیم و تربیت بطور صحیح و اصولی، نیازها را به خواسته‌ها و استعدادها را به توانایی‌ها تبدیل می‌کند. اهداف روزانه و غایی لازم است با ارزش و متعالی بوده و توان تکامل نمودن انسان را دارا باشند، چرا که وصول به آن، منافع فرد و مصالح اجتماع را تضمین می‌نماید.

* نکته مهم اینکه، تعلیم و تربیت مستلزم طرح و نقشه مناسب بوده که به آن برنامه‌ی تربیتی

گفته می‌شود. (در فصل پنجم به آن پرداخته خواهد شد).

۳-۱-۳. تعلیم و تربیت، فرآیندی کاربردی و مبنای زیست انسان بوده و باید از آن در تمام ابعاد زیست طولی و عرضی استفاده نمود.

زیست عرضی انسان شامل اعمالی است که در یک روز انجام می‌دهد از قبیل: وضو، نماز، اشتغال، صبحانه، آشپزی، بچه‌داری، خانه‌داری و ...، سپری شدن یک روز و حرکت در عرض. زیست طولی از تولد، سپری شدن دوره نوزادی، طفولیت، کودکی، نوجوانی، میانسالی، پیری و مرگ و مراحل پس از آن. طرح و نقشه‌هایی برای راه آینده (نظیر تحصیلات، نوع شغل، انتخاب همسر و خصوصیات آن، تعداد فرزند و ...) در زیست طولی مطرح می‌شوند.

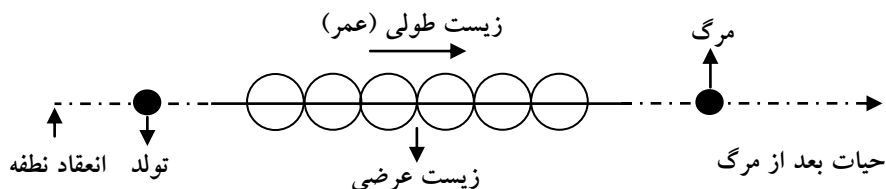
۲-۳. اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت

الف) اوجب واجبات چیست؟

می‌توان گفت اوجب واجبات، ساخته شدن و ساختن است. یعنی خودسازی در تمام ابعاد که این مهم، محصول تربیت و تعلیم است.

ب) تفاوت انسان با دیگر موجودات، تمایز او در میان انسان‌ها و فضیلت و برتری او در عالم خلقت، نتیجه تعلیم و تربیت است. آدمی در زندگی خود به دنبال سعادت و خوشبختی و کامیابی بوده و از شقاوت و تیره‌روزی و بدبختی و مصائب، گریزان.

ج) انسان از هر نژاد، دین و فرهنگ، محور فعالیت‌های روزانه (زیست عرضی) و دراز مدت (زیست طولی) خود را بر مبنای دو اصل «کسب سعادت» و «پرهیز از شقاوت» متمرکز می‌کند.



د) دستورات اسلام و سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام از یک سو، ایجاد جامعه سالم و برقراری عدالت و دوری از ظلم، فسق و فساد از سوی دیگر موجب سازندگی انسان‌هاست، و همواره تلاش نموده‌اند برای ایجاد جامعه مطلوب انسان‌های مطلوب را پرورش دهند، و این مهم ممکن نیست مگر با تعلیم و تربیت، لذا همواره دستورات اسلام، سفارشات قرآن و ائمه علیهم السلام در راستای تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده است و از اینجاست که اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت مشخص می‌شود.

هدف از کسب و کار، ازدواج، انتخاب همسر، تحصیل علم و ... همه و همه بر دو اصل فوق مبتنی است. فردی سعادت را در کسب مال حلال می‌داند و دیگری سعادت را در کسب سود از راه‌های غیرمشروع، تفاوت در کجاست؟ و آنچه این دو اصل را محقق ساخته و خوشبختی دو جهانی را برای او حاصل می‌کند، به جریان‌افتادن فرآیند تعلیم و تربیت است.

همانگونه که برای آتش‌افروختن و ایجاد حرارت، تنها نیروی موجود در نوک کبریت کافی نیست و نیاز به عاملی است که حرارت لازم را ایجاد نماید و آن همان سطح زبر کنار جعبه کبریت است که حاصل اصطکاک آن با سر کبریت، اشتعال و ایجاد حرارت می‌باشد، در وجود انسان‌ها نیز نیرویی وجود دارد که تمنای سعادت برای انسان نموده و از آنچه موجب شقاوت اوست، گریزان است. صرف وجود این نیرو برای سعادت انسان کافی نیست، بلکه نیاز به عامل مهم دیگری به نام تعلیم و تربیت است که سعادت فرد را تضمین نماید. این نیرو زمانی که تحت مجموعه برنامه‌ای قرار گیرد، حاصل و برون‌داد آن، فردی سعادت‌مند خواهد بود. در نتیجه برای وصول به سعادت، رفاه و آسایش در همه ابعاد، توجه جدی به تعلیم و تربیت برای همه ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند.

۱.۴ اجزاء تعلیم و تربیت

فرآیند تعلیم و تربیت از عناصری تشکیل شده است که لازم است هر کدام جداگانه و به عنوان بخشی از کل و از نظر ویژگی‌ها و خصوصیات مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. این عناصر عبارتند از تربیت‌کننده - تربیت‌شونده - جریان و روند تعلیم و تربیت.

۴-۱. جزء اول: تربیت کننده (= مربی، والدین و ...)

شرایط تربیت کننده:

۱. دارای هدف مشخص و والا باشد. (هدف‌داری مربی مهم‌ترین شرط و مقدمهٔ مراحل آتی است)
۲. نقش راهنما داشته و ابتکار عمل را از فراگیر نگیرد. (مرتباً امر و نهی ننماید بلکه شرایط را برای او فراهم نموده تا شخص، خود حسن و قبح‌ها را درک نماید).
۳. دارای توان برقراری ارتباط، در حد لازم، برای هر فرد و فراگیر باشد.
۴. از کار خود و فنون آن آگاهی داشته، توان تربیتی لازم را دارا بوده و از علومی مانند: اخلاق، کلام، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... اطلاعات کافی به دست آورد.
۵. از نظر اخلاقی، شخصیتی، اجتماعی و فکری مقبول بوده، خود از تربیت مطلوب برخوردار بوده باشد.

۶. از برنامهٔ تربیتی و نحوهٔ تربیت فراگیر در گذشته، کمبودها، هنجارها و ناهنجاری‌های فعلی او آگاهی یافته، بطور کلی نسبت به فراگیر شناخت پیدا کند.
۷. از مراحل رشد، وضعیت سنی، نیازهای اجتماعی، فکری و روحی فرد آگاهی داشته، متناسب با آنها و بر مبنای برنامه تربیتی، وی را تربیت نماید.

۴-۲. جزء دوم: تربیت شونده (= فراگیر، فرزند، همسر و ...)

شرایط تربیت شونده:

۱. فراگیر به اندازه کافی در اختیار تربیت کننده و در معرض تربیت شدن قرار گیرد. (به مربی زمان لازم داده شود)
۲. فراگیر در معرض نفوذ عوامل دیگر (والدین، دوستان، محیط و ...) و روابط و شرایطی که امکان تربیت را مشکل می‌سازد قرار نداشته باشد. در این صورت باید رفع موانع نموده و حتی المقدور او را از نفوذ عوامل مخل محافظت نماید.

۳. شرایط فراگیر، استعدادها و توانایی‌های او، متناسب با اهداف تربیت بوده، دارای «قابلیت تربیت‌پذیری» باشد و شرایط درونی، سنی، محیطی او مساعد باشد، در غیر این صورت لازم است ابتدا شرایط مذکور ایجاد شده، سپس به امر تربیت پرداخت.

۳-۴. جزء سوم: جریان و روند تربیت (بر مبنای برنامه تربیتی)

نوزاد انسان، یک انسان بالقوه است که از نوزاد هر حیوان دیگری ناتوان‌تر است. ولی با وجود این ناتوانی، جوانه‌های رشد نیافته بسیاری در فطرت و نهاد او نهفته است که لازم است موجبات رشد این نهفته‌ها در سیر کودکی به نوجوانی و سپس به جوانی و بزرگسالی فراهم گردد، استعدادهای طبیعی او در ابعاد مختلف رشد یافته، و متناسب با نیازهای انسانی و با توجه به هدف غایی وجودش تکامل یابد و به کمال خلقت خود نائل گردد.

می‌توان گفت تربیت به نوعی در حیوان نیز وجود دارد ولی در زمینه زیستی بیشتر نمی‌تواند پیشرفت نماید و به صورت هدایت‌گریزی از طریق «تقلید غیرارادی از یک الگو» می‌باشد. (شرطی شدن، آزمایش و خطا). تکامل وجودی حیوانات بطور ناخودآگاه، غریزی و خودبخود است؛ اما در جهت تربیت، تعالی و رشد انسان ضروری است که سخت و جدی بکوشد و بکوشند.

* در نتیجه، روند و مدار تعلیم و تربیت جریانی است که طی آن انسانی آگاهانه و با نیت مشخص توسط انسان و یا انسان‌های دیگر تحت برنامه خاص قرار گرفته تا بالحق‌های وی بالفعل شده، ابعاد مختلف او از لحاظ فکری، اجتماعی، اخلاقی، روحی و روانی و... رشد و تکامل یابند. در این سیر جهت تحقق جریان و روند تربیت، به طرح و نقشه‌ای دقیق نیاز است که برنامه تربیتی نامیده می‌شود.

رسالت الهی پیامبران (بهترین مربیان)، به جریان انداختن روند تعلیم و تربیت است و از اینجا می‌توان به اهمیت رسالت معلم و مربی پی برد.

فصل دوم

اهداف تعلیم و تربیت

آنچه در فصل دوم می‌خوانیم:

۱. اهداف تعلیم تربیت

✓ اهداف کلی

- رسیدن انسان به مقام عبودیت و تحقق اهداف آفرینش و خلقت وی

- کسب رضای خداوند

✓ اهداف مرحله‌ای

- بهتر بودن اعمال

- برای خداوند زیست نمودن

- رسیدن به شناخت خود و در نتیجه معرفت و شناخت خداوند

✓ اهداف رفتاری

- آگاهی از نیازها، خواسته‌ها، توانایی‌ها درون و بالفعل نمودن آنها رشد و تکامل ابعاد

مختلف وجودی انسان

- بهره‌مندی از مواهب طبیعی و نیازهای مادی همراه با آسوده زیستن و امنیت فردی و

اجتماعی

۱. اهداف «تعلیم و تربیت»

با وجود تعلیم و تربیت، انسان به سعادت دست می‌یابد و برای کسب سعادت نیز تلاش لازم است و این تلاش، انجام مجموعه برنامه‌ها و دستورات تعلیم و تربیت است و بیان اهداف تعلیم و تربیت، در حقیقت نوعی تطبیق با سعادت انسان می‌باشد، و توجه به جنبه‌های کاربردی اهداف برای نیل به اهداف تعلیم و تربیت ضرورت می‌یابد. هر یک از اهداف که رفتاری، کلی و یا مرحله‌ای هستند، مکمل هدف پیش از خود بوده و در راستای هدف قبل محقق می‌گردد، بنابراین برای نیل به هر هدفی، باید از هدف قبل عبور نمود.

* یک مربی توانا، فراگیر خود را باید به اهداف تربیت برساند و در غیراین صورت خود وی نیز به اهداف و رسالت مربی بودن نایل نشده است و اصولاً در جایگاه مربی قرار ندارد، بلکه یک آموزش‌دهنده، معلم و یا فراده است.

۱-۱. اهداف کلی:

۱-۱-۱. رسیدن انسان به مقام عبودیت و تحقق اهداف آفرینش و خلقت وی

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

تعلیم و تربیت به عبارتی ساخته‌شدن و ساختن است. علمای علم اخلاق، کلام و فقه، هر یک تعبیر و اصطلاحاتی برای این محور دارند و اصولاً محور و جهت همگی یکسان و واحد است. از دیدگاه علم تعلیم و تربیت، هدف خلقت انسان‌ها، تعلیم و تربیت و رسیدن به مقام عبودیت می‌باشد و تحقق اهداف آفرینش و خلقت انسان، جزو جنبه‌های کاربردی هدف مورد نظر است. در مورد مقام عبودیت می‌توان گفت؛ زمانی عبادت عینیت می‌یابد و برای انسان دارای مفهوم

و ارزش است که همراه با معرفت و شناخت خداوند باشد.

* مربی برای کاربردی نمودن هدف فوق بایستی زمینه‌ای فراهم آورد تا فراگیران به هدف آفرینش خود برسند و در گام اول برای خود او این هدف ایجاد سؤال شود، و برای فراگیران، با ایجاد سؤال، نسبت به ایجاد یک محور فکری برای بیهوده نبودن هدف آفرینش در آنان اقدام نماید. در گام دوم هدف یا اهداف روشن و قابل وصول به آنها بدهد و در گام سوم نوعی آگاهی، بینش، فهم و ادراک نسبت به خود، خلقت و پیرامون خود در او ایجاد نموده تا دیدگاه وی تشکیل گردد.

* مقدمات تشکیل نگرش توسط والدین از سنین ۵ - ۴ سالگی می‌تواند ایجاد شود. (دقت شود) به طور مثال در هنگام خرید پوشاک، فرزند به همراه آنها بوده و با دادن آزادی کامل در انتخاب، به طور غیرمستقیم او را هدایت نمایند، به این صورت که لباس‌های متفاوتی را از فروشنده تقاضا کنند تا لباسی از بین آنها انتخاب شود و علت عدم پذیرش دیگر لباس‌ها را توضیح دهد، نظیر عبارات غیرفارسی بر روی لباس که به صورت منطقی و ساده برای وی توضیح داده شود و او را به طور غیرمستقیم با اینگونه مسائل آشنا نمایند. اگر مربی یا مادر، دیدگاه صحیح و محکمی به فراگیر (فرزند) داده باشد، انتخاب درستی خواهد داشت و در غیر این صورت، انتخاب نادرست، مبین ضعف خانواده در تشکیل دیدگاه می‌باشد.

۲-۱-۱. کسب رضای خداوند

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ... ﴿٢٧﴾ بعضی از مردم (با ایمان و

فداکار، همچون علی علیه السلام در شب لیلۃ‌المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله جان خود را بخاطر خشنودی خدا می‌فروشدند.

گروهی از انسان‌ها محور زیست خود را بر اساس رضایت اطرافیان قرار می‌دهند و عده‌ای نیز

تمام تلاش خود را برای کسب ثروت مصروف می‌دارند. رضایت خداوند، رضایت همسر و فرزند را نیز تأمین می‌نماید و ضایع نمودن حقوق آنها، یکی از زمینه‌های حصول رضایت خداوند است. محور عملی این هدف که در راستای اهداف قبلی است، تلاش برای کسب رضای خداوند است. تمامی مردم اینگونه نیستند و معامله نمی‌کنند، ولی عده‌ای در یک سمت خود را قرار می‌دهند و در سمت دیگر رضای خداوند و همه چیز را به خاطر او فدا می‌کنند.

* مربی لازم است این ذهنیت را در فراگیر ایجاد نماید که با صرف نمودن مجموعه وجودی و امکانات خود در راه خداوند، آنچه حاصل و کسب می‌گردد، رضای اوست.

۱-۲. اهداف مرحله‌ای

۱-۲-۱. بهتر بودن اعمال یعنی اعمال به صورت مطلوب و هنجار باقی بمانند.

در این مورد می‌توان گفت مدار زیستی انسان به این ترتیب است:

۱- آمدن ۲- بودن ۳- شدن ۴- ماندن ۵- رفتن ۶- رسیدن^۱

آمدن انسان به دنیا جزو حیات طبیعی اوست و بودن او به خاطر شدن است یعنی استعدادها از مرحله بالقوه خارج شده، بالفعل شوند و انسان به مقام انسانیت نائل گردد. تداوم این شدن، ماندن، نیک ماندن و مطلوب بودن است. عده‌ای قبل از ازدواج یا پیش از آن که صاحب شغلی گردند به نوعی شدن، نایل می‌شوند، در این میان آنچه حائز اهمیت است، خوب ماندن انسان است و زیست بر اساس بهتر بودن اعمال.

* محور فعالیت مربی، بر اساس عقیده رفتار نمودن فراگیر است، یعنی وی عادت نماید مجموعه اعمالش در زندگی روزمره بر اساس عقیده‌اش باشد، زیرا از آنجا که علم تعلیم و تربیت، علمی کاربردی بوده و مجموعه‌ای از علوم در آن به کار گرفته شده است، تنها علمی است که تمامی مسایل روزمره انسان را تحت سیطره خود قرار داده و تمامی اعمال و رفتار انسان، نظیر

۱. سوی معشوق روم راضی و آرام شوم

۱. ز اسارت برهم از قفس آزاد شوم

نحوه خوابیدن، نحوه گفتار و ... را برای بهتر بودن با اصول و قواعدی همراه می‌نماید و لذا بر اساس عقیده رفتار نمودن و بهتر شدن اعمال یکی از اهداف تعلیم و تربیت می‌باشد.^۱

۲-۱. برای خداوند زیست نمودن

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١١٢﴾^۲ «بگو: نماز و تمام

عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

اعمال انسان بر اساس دیدگاه و عقیده او شکل می‌گیرد و در این هدف، محور اعمال هر یک از انسان‌ها (مانند نماز و هر عبادت دیگری، زندگانی و مرگ) لازم است بر اساس «برای خدا بودن» شکل گیرد.

در هدف مذکور، ملاک زیست انسان‌ها بودن برای خداوند است نه برای دیگر انسانها از قبیل همسر و فرزند و والدین.

* برای این هدف، دیدگاه و عقیده فرد لازم است اینگونه شکل‌یابی گردد که: هستم به خاطر او، عمل می‌کنم برای او، پس هستم برای او. و نقش مربی در این مدار این است که در فراگیر ذهنیتی ایجاد نماید که تماماً اعمال و رفتار وی برای خداوند انجام گیرد و نوع نگرش او اینگونه تشکیل گردد که من برای او هستم و عقیده وی نیز به این صورت شکل گیرد که چه نوع رفتاری باید داشته باشم و اخلاق من چگونه باید باشد؟ در این حالت، امر و نهی نمودن به فرد جایگاهی نخواهد داشت. در مجموع این دیدگاه به فرد داده شود که از نظر عملی، هرکار نیکی که می‌کنم برای اوست، برای او زنده‌ام، به خاطر او می‌میرم و در راه او هرچه دارم فدا می‌کنم، تمام هدف

۱. الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٢٠٠﴾ آن کس که مرگ و حیات را

آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است. ملک/۲ می‌توان گفت در این آیه تقدم لفظ موت بر حیات به آن خاطر است که انسان به راستی پس از مرگ نیز توجه نموده و بداند که کل زندگی وی به خاطر حسن عمل است و رفتار احسن نیز در پرتو عقیده و دیدگاه حاصل می‌گردد.

۲. انعام/۱۶۲

من و تمام عشق من و تمام هستی من اوست.

۳-۲-۱. رسیدن به شناخت خود و در نتیجه معرفت و شناخت خداوند

با حصول جنبه‌های کاربردی هدف فوق، نگرش فرد تشکیل یافته و عقیده صحیح از آن نشأت می‌گیرد.

* محور فعالیت مربی آن است که درون فراگیر، تحولی ایجاد نماید تا وی به شناخت خود نائل گردد (تشکیل نگرش نسبت به خود) و آن به دو حالت بیان و یا ایجاد سؤال امکان می‌یابد. پرسش با ایجاد سؤال تفاوت بسیاری دارد. فرد در مقام پرسش، پاسخ می‌دهد من یک انسانم، بدون اینکه آن را درک نماید. ولی در حالت ایجاد سؤال، با تمام وجود، به خود می‌گوید من کیستم؟ * بنابراین مربی، فراگیر را به درون خود منتقل نموده و او را برای خود او مطرح می‌نماید که کیستم؟ و بیهوده نیستم. در این حالت نگرش فرد نسبت به خود شکل می‌یابد. تأثیر شناخت خود این خواهد شد که آثار اطاعت از خداوند در حرکات، رفتار، گفتار، فعل، عمل، عقیده و فکر فرد نمایان گردد.

۳-۱-۱. اهداف رفتاری

۱-۳-۱. آگاهی از نیازها، خواسته‌ها، استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای درون و بالفعل

نمودن آنها و رشد و تکامل ابعاد مختلف وجودی انسان^۱

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٨١﴾ «و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟!»

نگاه به درون انسان و شناخت عظمت‌های آن از شناخت پیرامون برتر و ارزشمندتر است. انسانهای بزرگ، با ورود به عالم درون، بزرگ زیستند. انسان زمانی پست و حقیر می‌شود که بدون درک عالم وجودی خود، مدار زیست او، تنها خواب و خوراک و شهوت و ... قرار گیرد.

۱. أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ ... (روم/ ۸۱) «آیا آنان با خود نیندیشیدند!»

۲. ذاریات/ ۲۱

* از این رو رسالت مربی آن است که فراگیر خود را متوجه عالم درون نموده تا وی از خواسته‌ها، نیازها، توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود آگاهی یافته و درصدد بالفعل نمودن آنها برآید.

* تهیه برنامه تربیتی از سوی مربی برای بالفعل شدن استعدادها و نیازها، بطور صحیح و اصولی ضرورت می‌یابد.

آگاهی یافتن از نیازها و استعدادها، متناسب با سن افراد متفاوت است. فراگیر دوره ابتدایی نیازهایی دارد که آن نیازها در دوره دبیرستان کم‌رنگ می‌شوند. زمینه‌ای که مربی لازم است برای بالفعل نمودن استعدادها و نیازها فراهم نماید، در وجود و نوع برنامه تربیتی می‌باشد.

۲-۳-۱. بهره‌مندی از مواهب طبیعی و نیازهای مادی همراه با آسوده زیستن و امنیت

فردی و اجتماعی

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرًا
وَبَاطِنًا^۱

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بطور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...^۲ او (خدایی) است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

* استفاده از مواهب طبیعی و نیازهای مادی و آنچه در این دنیاست و آمادگی یافتن برای ورود به عالم درون و رشد آن از اهداف رفتاری تعلیم و تربیت است. در بحث از اهداف تعلیم و تربیت، کشورهای مسلمان تنها اهداف کلی را پذیرفته و با غفلت از دو هدف رفتاری اخیر باعث

۱. لقمان/۲۰

۲. بقره/۲۹

وابستگی خود به دیگر کشورها می‌گردند. مد نظر قراردادن صرف هدف اخیر نیز، باعث ایجاد فساد و انحراف در رفتارها گشته و فقدان سه هدف اخیر در زندگی باعث یکنواختی، کسالت، عدم رشد و یکسان‌بودن روزها خواهد گشت.

اهداف اولیه، باعث به ثمر رسیدن اهداف بعدی می‌گردند و با محقق‌شدن آنها، شرایطی را برای تعلیم و تربیت افراد و بروز استعدادها می‌آورد. آسوده‌زیستن یعنی آرامش درونی و روانی داشتن. * هنگامی که فرد به این نگرش دست یابد که وجود وی ارزشمند بوده و فردی است با مجموعه‌ای از استعدادها، لذا با وجود بلاها و مصائب، تعادل خود را از دست نداده و از آرامش و امنیت درونی برخوردار خواهد بود.

آسوده‌زیستن، آگاهی از نیازها و شناخت خود برآیندی است از چهار هدف قبلی. به عنوان مثال نظاره‌یک ساختمان از بیرون و بررسی نمای ظاهری و تعداد طبقات، همان شناخت خود است و داخل‌شدن در ساختمان و بررسی اجزاء آن نظیر تعداد اتاق‌ها و ... آگاهی یافتن از نیازها، استعدادها و ... می‌باشد.

راه وصول به اهداف فوق:

۱. برای نیل به هر هدف لازم است از هدف پیشین عبور نمود که در این صورت، هدفها ارزشمند خواهند بود.

۲. به منظور رسیدن به اهداف، لازم است عوامل تربیتی به رسالت خود عمل نمایند که در صورت فقدان آنها و یا عدم کارایی آنان امکان تحقق اهداف وجود ندارد و آن عوامل: خانواده، مربی، معلم و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌باشند. (مانند رهبران و ...)

فصل سوم

اصول تعلیم و تربیت

آنچه در فصل سوم می‌خوانیم:

۱. سیر تربیت

✓ پذیرش (جذب)

✓ حفظ فراگیر

✓ سازندگی

✓ کارآیی

۲. انواع تربیت از نظر زمانی

✓ کوتاه مدت یا مقطعی

✓ بلند مدت یا دوره‌ای

۳. تأمین «هویت» و «تشکیل شخصیت»

۴. تربیت در ابعاد انسانی

✓ تربیت جسمی

✓ تربیت اجتماعی

✓ تربیت اخلاقی

✓ تربیت عاطفی

✓ تربیت عقلانی - انسانی

۵. اصول دیگر

۱. سیر تعلیم و تربیت^۱

برای تربیت نیروهای انسانی (فراگیر، فرزند، ...) لازم است فرد یا افراد در راستای تغییر، رشد، سازندگی و تربیت، مسیری را طی نمایند. این سیر معمولاً در ۴ مرحله می‌باشد.

۱-۱. مرحله اول: پذیرش (جذب)

به این اصل بسیار مهم باید توجه نمود که قبل از هر گونه اقدام برای تعلیم و تربیت فراگیر مربی لازم است خود را مطلوب (از نظر درونی) و مقبول (از نظر فکری، عقلی) ساخته و به مرحله پذیرش برسد.

* در این مرحله لازم است مربی و والدین با خوش‌رویی، برخورد صحیح، ایجاد ارتباط عاطفی، ادراک فراگیر، احترام و تکریم‌نمودن و شخصیت‌دادن به فرد، وی را جذب نموده، با او رابطهٔ دوستانه برقرار نمایند.

لازم بذکر است تنها با انواع تبلیغات مانند اطلاعیه، نمایش فیلم، جوایز، توصیه‌ها و موارد مشابه جهت ثبت‌نام در کلاسها و جلسات، افراد را نمی‌توان جذب نمود.

* اهداف مرحلهٔ پذیرش (جذب):

- ۱- انس گرفتن فراگیر با مربی و محیط (کلاس).
- ۲- شناخت فراگیر از نظر استعدادها، توانایی‌ها، نیازها، خواسته‌ها، کمبودها و ناهنجاری‌های

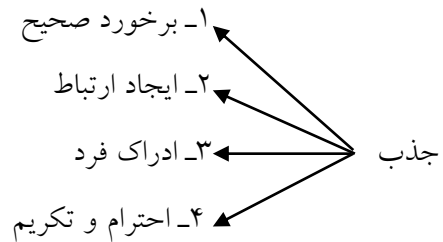
احتمالی

۳- شناخت محیط و برنامهٔ تربیتی فراگیر

نتیجهٔ مرحلهٔ جذب ایجاد انگیزه در فراگیر می‌باشد.

۱. أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند: «ایمان

آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ (عنکبوت/۲)



۲-۱. مرحله دوم: حفظ فراگیر

حفظ فراگیر معادل استمرار ارتباط و حضور فراگیر است. در صورتی که وی در اختیار مربی باشد، می‌توان او را تحت برنامه تربیتی قرار داد.

* عوامل مؤثر در حفظ فراگیر یعنی برای اینکه فراگیر در اختیار مربی باشد، عبارتند از:

۱. استفاده از انواع تشویق‌ها: (پایین‌ترین مرحله تشویق، جایزه است، مثل استفاده از کارت صدآفرین در دوره ابتدایی، استفاده از تقدیرنامه و لوح سپاس در دوره راهنمایی و دبیرستان).
۲. استفاده از جذابیت‌های چهارگانه:

در اداره کلاس و یا هر نوع جلسه‌ای، لازم است چهار نوع جذابیت، وجود داشته باشد:

الف) جذابیت فضای کلاس (از نظر فیزیکی و از نظر مطلوب بودن فضای ارتباطی با ایجاد فضای عاطفی)

ب) جذابیت روش‌ها (متنوع بودن روش تدریس و حالت بیان موضوع، توسط مربی و والدین)

ج) جذابیت موضوع و مطلب (با ایجاد انگیزه دانستن آن موضوع)

د) جذابیت‌های مربی و والدین (از نظر جذاب بودن برخورد و خصوصیات و ویژگی‌های

اخلاقی)

* جذابیت‌های (مربی - والدین) یاد شده موجب نشاط و سرور در فرد شده و از سوی دیگر

ایجادکننده رغبت در فراگیر می‌شود، که در نتیجه مربی - والدین «مطلوب» و «مقبول» فرد شده و

مورد «پذیرش» فراگیر قرار می‌گیرند و پذیرش باعث به جریان افتادن سیر تربیتی است و عدم

پذیرش برابر است با بی تفاوتی، سرپیچی، تمرد، مقابله، ضدیت و یا فرار فراگیر از مربی و والدین می شود.

۳. تداوم ارتباط دوستانه با فراگیر: ارتباط عاطفی، ارتباطی قلبی و توأم با شور و احساسات است و نتیجه برقراری چنین ارتباطی، نزدیک شدن و پیوند محکم با فرد می باشد. تداوم ارتباط از طریق برخوردهای شاد و با نشاط، تحویل گرفتن و احترام گذاشتن، مشورت نمودن، همراه شدن، صمیمی شدن، زمانهایی را با هم بسربردن (در نماز جماعت، مجالس، اردوها، دیدار، سفر و ...)، ایجاد وجه اشتراکهای اخلاقی، فکری، ایجاد ارتباط معنوی (با توحید و از خداگفتن و ...) حاصل خواهد شد.

۱-۳. مرحله سوم: سازندگی (ساخت)

این مرحله توسط برنامه تربیتی و در پرتو جو عاطفی انجام پذیر خواهد بود. (در مباحث «خودسازی» و «برنامه تربیتی» به آن پرداخته شده است.)

۱-۴. مرحله چهارم: کارآیی

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنًا وَفُرَادَىٰ ... ﴿٤٦﴾ بگو: «شما را تنها به

یک چیز اندرز می دهم، و آن اینکه دو نفر دو نفر یا به تنهایی برای خدا قیام کنید. پس از طی مراحل سه گانه فوق، لازم است فراگیر، به نوعی مفید واقع شده، در اجتماع به عنوان فردی فعال در زمینه ای ایفای نقش نموده، به اصلاح جامعه پردازد؛ حتی بتواند نقش مدیریتی یا اصلاح و رهبری را ایفا نموده، خود مؤکد باشد. (لازم است توجه او را به وظایف و مسئولیت های الهی جلب نمود.)

* لازم به ذکر است یک کلاس و یا جلسه عبارت است از مربی و حداقل یک فراگیر و لذا مربی برای مربی شدن و کلاس داری نمودن بهتر است ابتدا از کلاس و جلسات با نفرات کم شروع نماید.

کارآیی

- ۱- در کلاس (کمک‌مربی، مربی)
- ۲- در جامعه (فرد مفید برای جامعه)
- ۳- در جامعه (ایفای نقش)
- ۴- در جامعه (پرداختن به اصلاح محیط و جامعه و بنوعی رهبری کند).

پیامبران صلوات الله علیهم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و رهبران، در طول تاریخ، برای هدایت انسان‌ها، به دنبال مردم می‌رفته‌اند و نمی‌نشستند تا مردم بیایند هدایت شوند.

۲. انواع تربیت از نظر زمانی

هر فرد در طول چه مدتی باید تحت تربیت قرار گیرد؟

۲-۱. کوتاه‌مدت یا مقطعی:

در این حالت فرد در مدت زمان کوتاهی تحت برنامه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، مانند: کلاس‌های آموزش قرآن و مشابه، کلاس‌های تقویتی و تجدیدی، کلاس‌های کوتاه مدت تابستانه در کانون‌ها، مساجد، جلسات مقطعی و ... که در این صورت تعلیم و تربیت یا سطحی است و یا به آموزش صرف یک درس، مانند تجوید و روانخوانی در زمانی کوتاه تبدیل می‌شود، طبیعی است اهداف تعلیم و تربیت چندان تحقق نخواهند یافت. ولی در شرایط خاص و در صورت بالابودن توان تربیتی مربی و معلم و مناسب بودن فضا و محیط و شرایط و در صورت فراهم بودن بستر مناسب ممکن است اهداف تعلیم و تربیت تحقق یافته، در فرد تحولی ایجاد شود.

۲-۲. بلندمدت یا دوره‌ای:

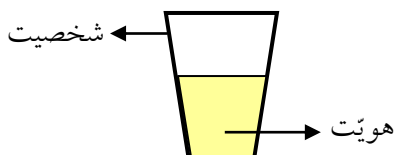
در این حالت فرصت کافی برای تحقق برنامه‌ها و اهداف تعلیم و تربیت وجود دارد و فرد در مدت زمان لازم می‌تواند تحت برنامه قرار گیرد، مانند: طول سال تحصیلی، جلسات هفتگی سالیانه در مساجد و ...

۳. تأمین «هویت» و «تشکیل شخصیت»

«تربیت» کوششی است در راستای تشکیل شخصیت و تأمین هویت برای هر انسانی.

* کاربرد این موضوع، تعیین شاکله و شخصیتی مطلوب و باارزش، و تحقق یافتن هویتی مطلوب و باارزش برای افراد است.

می توان گفت؛ هویت فرد را (که همچون محتوای درونی یک ظرف است) نگرش، عقیده و درونیات وی (ایمان و اخلاق حسنه) تشکیل می دهند و شخصیت وی را که به مثابه ظاهر یک ظرف، است ظاهر فرد اعم از اعمال، افعال و گفتار او تشکیل می دهند.



از دیدگاه قرآن، ارزش های درونی مانند ایمان، تقوا، اخلاص و ... بعنوان هویت مطلوب محسوب می گردند.

* باید دانست موفقیت در امورات روزمره زندگی از قبیل تحصیل و دیگر مسائل فردی و اجتماعی تحت تأثیر شدید هویت و شخصیت فرد می باشد و او را در تمامی امور زندگی یاری می نمایند.

بسیاری از انسان ها دارای تصویری از خود هستند (خودپنداره)^۱ که غالباً این تصور به عنوان تمامیت وجود خود در نزد شخص محسوب می گردد و گاهی این مانعی است برای توجه انسان به بخش عظیمی از شخصیت و هویت خود. لذا لازم است از صاحب نظران در مورد نوع هویت و شخصیت خود نظر خواهی نمود.

۱. خودپنداره دو نوع می باشد، خودپنداره مثبت: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق هستند و باید تبدیل به معرفت نفس شوند. خودپنداره منفی: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق نیستند.

۱-۳. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟ و یا هر دو بر هم

تأثیر یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟

برای تشکیل آنها، ابتدا باید از شخصیت شروع شود یا از هویت؟ یا هر دو به موازات هم؟
عده‌ای معتقدند شخصیت دو سوم وجود انسان و هویت یک سوم وجود آن را تشکیل می‌دهد.
عده‌ای معتقدند آنچه مهم است شخصیت است، و این عامل است که در تعاملات خانوادگی
و جامعه مشارکت دارد و هویت هر چه باشد مهم نیست.
مهم این است که فرد از نظر شخصیتی دچار مشکل نشود تا دیگران از آسیب او مصون باشند
واز نظر ظاهر فرد مرتب و هنجار بنظر برسد، حال در درون، هر چه بر او بگذرد چندان اهمیتی
ندارد، ...

عده‌ای به عکس آن نظر می‌دهند و معتقدند اگر فرد از هویت (باطن) خوب برخوردار باشد به
محیط خود آسیبی وارد نخواهد کرد، حال ظاهر او هم مطلوب بنظر نرسد، ...

۲-۳. تربیت اسلامی چه می‌گوید؟

از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی، انسانی کامل است که هم از هویت مطلوب و هم از
شخصیت هنجار برخوردار باشد. هم باطن (هویت)، ظاهر (شخصیت) را می‌سازد و هم ظاهر بر
باطن اثر می‌گذارد. هر دو متمم و مکمل هم بوده و غیرقابل تفکیک می‌باشند. یکی بدون دیگری
معنا نداشته و به هم وابسته‌اند. و برای سازندگی و تربیت باید به هر دو توجه لازم بشود، چنانچه
از یکی غافل ماند آن دیگری هم با اخلال مواجه خواهد شد.

* مربی در ابتدا لازم است به ساخت هویت (درون و باطن و ساخت فکر و اندیشه و نهایتاً
عقیده و هم دل و قلب و احساسات و نهایتاً ایمان) پرداخته و به موازات آن به ساخت شخصیت
(شکل‌دهی رفتارها) بپردازد.

هویت، تأثیر مستقیم و عمیق و گاهی سریع بر شخصیت گذاشته و شخصیت هم در حفظ

هویت مطلوب و یا تغییر آن تأثیر می‌گذارد هر چند گاهی ممکن است به تدریج و با تأخیر انجام گیرد. در مجموع هر دو تابع هم هستند.

دستورات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام مربوط به هر دو بخش است گاهی معطوف به هویت و گاهی به شخصیت.^۱

إِنَّمَا يَنْتَقِبُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مائده/۲۷) وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ... ﴿٣٧﴾ (اسراء/۳۷)

«و بر زمین، با تکبر راه مرو»

۳-۳. آسیب‌شناسی هویت و شخصیت

افرادی بر اثر برهم خوردن تعادل درونی (با غفلت از درون) دچار اختلالات رفتاری و فکری می‌شوند و همین عوامل باعث انتخاب‌های غیرصحیح و غیرمنطقی می‌گردند و رفتارهای آنان به تدریج تغییر یافته، ابتدا کج فکر، کج خلق، کج سازگار و ناسازگار شده، سپس به خطاکاری و بزهکاری گرایش یافته و ممکن است نهایتاً به مشکل عصبی و روانی دچار شوند.^۲

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَى نِيَاتِكُمْ وَ قُلُوبِكُمْ پیامبر اکرم ﷺ - لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ - الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ - كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا - وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب/۷۰) «و سخن حق بگویید.» وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره/۸۳) «و به مردم نیک سخن بگویید.» - إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (لقمان/۱۹) «(و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.»

۲. سیر ناهنجاری‌های رفتاری عبارت است از:

- الف) کج فکری: یعنی اینکه فرد ابتدا از تفکر صحیح و در حقیقت از مسیر تعادل فکری خویش خارج شده است.
- ب) کج خلقی: در مرحله فرد بعد نیت پاک و حالات و ارزش‌های اخلاقی را از دست می‌دهد.
- ج) کج سازگاری: سپس با جمع (مانند خانواده و کلاس و گروه و مشابه) و تصمیمات جمعی مخالفت می‌کند و معترض است.
- د) ناسازگاری: در این حالت به ضدیت می‌رسد. با خانواده، اجتماع و کلاس متضاد است و سازش نکرده، راه خود را در پیش می‌گیرد (مانند فرارها از خانه و مدرسه)

ه) خطاکاری: در این مرحله دست به خرابکاری زده و با خانواده و اجتماع مقابله کرده و حتی به آنان آسیب می‌رساند.
و) بزهکاری: در این حالت فرد مرتکب اعمال خلاف شده و مجرم شناخته می‌شود و بر خلاف قوانین اجتماعی عمل کرده توسط قانون مجازات می‌شود.

ز) مشکل عصبی و روانی: افراد در مراحل فوق ممکن است دچار مشکلات عصبی و روحی و روانی شوند.

نتیجه و محصول این سیر، انواع ناهنجاری‌ها، اختلافات و مشاجرات، اعتیادها، طلاق، مفسد، فحشاء و در شرایطی خاص، قتل و حتی کشتار جمعی خواهد شد.

آنچه در این سیر، در خانواده‌ها پیش می‌آید: کج خلقی و بداخلاقی در زندگی خانوادگی، انواع اختلافات، درگیری‌ها و نهایتاً در حالت حاد آن طلاق است.

و یا از نگاه نامطلوبِ همسر، به جنس مخالف شروع شده و سپس به گفتگوهای تحریک‌آور و نهایتاً انواع روابط نامشروع می‌رسد،

و یا از ارتباط، با اشخاص ناسالم، شروع شده و به شرکت در مجالس نامناسب گرایش یافته، سپس کشیدن سیگار و نهایتاً در حالت حاد آن معتاد به یکی از انواع مواد مخدر می‌شود،

از برخورد و تماس جوانان با جنس مخالف شروع شده سپس به مرحله‌آشنایی و مرآوده رسیده و سپس به عشق‌های خیابانی و گاهاً ازدواج اجباری و سپس زندگی تحمیلی و بعضاً هم طلاق،

از معاملات مبهم شروع شده و نهایتاً گرایش یافتن به نزول و ربا و...،

از عدم توجه به ارباب رجوع شروع شده و... نهایتاً به رانت، توصیه، رشوه و... گرایش می‌یابد.

۱-۳-۲. پیشگیری

* اصل و اصطلاح معروف «پیشگیری، مهم‌تر از درمان است.»، در این مبحث بدین شکل می‌باشد که ابتدا والدین، قبل از تولد، به دادن هویت و شخصیت مطلوب به فرزند (با آماده‌سازی خود، توافق والدین برای زمان بچه‌دار شدن، تشکیل روحیه فرزنددار شدن، نگاه مناسب به موضوع فرزنددار شدن و...) توجه نموده پس از تولد شروع به پیاده‌نمودن برنامه «ارائه هویت و شخصیت به فرزند» نمایند (با انتخاب نام مناسب، ولیمه و...)

و هر چه بر سن کودک افزوده می‌شود، هم بر توجه به این مهم افزوده خواهد شد و هم به افراد دخیل در آن (مانند وابستگان کودک) و سپس در دوران ابتدایی معلم و مربیان، صدا و سیما و دیگر عوامل تربیتی و اثرگذار نیز، به آنها افزوده خواهند شد.

اگر به میزان توجه به عریض و طویل نمودن انواع سرمایه‌گذاری‌ها برای ساختمان و تشکیلات سازمانهایی از قبیل دادگستری و نیروی انتظامی، مراکز سیاسی، پاسگاهها و نیروهای ویژه و گشت‌های ارشاد و... به همان اندازه به مراکز و بخش‌هایی که عقیده و نگرش می‌سازند (از قبیل: آموزش و پرورش، حوزه‌های علمیه، مساجد و ...) توجه بشود، از هزینه‌هایی که برای اصطکاک‌ها و ... صرف می‌شود، کاسته شده، مراجعات به آن سازمان‌های بازدارنده کمتر خواهد شد و نهایتاً در هزینه‌ها، بودجه و سوخت نیروی انسانی، صرفه‌جویی خواهد شد.

از نظر آسیب‌شناسی هویت و شخصیت برای حفظ هویت و شخصیت فرد و اجتماع از انواع آسیب‌ها، با توجه به مسائل و ویژگیهای عصر حاضر (ماهورها، اینترنت و اعتیاد، بمباران فرهنگی، استحاله دینی و ...) بهترین راه پیشگیری «توحید درمانی» است.

۲-۳-۳. درمان

تجربه نشان داده است بسیاری از اختلالات رفتاری و ناهنجاریهای فردی و اجتماعی با تغییر و خنثی‌سازی دیدگاه و عقاید منفی و دادن نگرش مطلوب به آنچه که محور موضوع است، مانع ادامه درگیریها، طلاق، اعتیاد و یا تداوم آنها شده است.

* از نظر تعلیم و تربیت اسلامی (و همانگونه که تجربه هم ثابت کرده است) سریعترین، کوتاه‌ترین، مطمئن‌ترین، بهترین و مؤثرترین راه درمان انواع ناهنجاریها و حتی پیشگیری از مواردی مانند: اختلالات رفتاری، انواع اختلافات، مشاجرات اجتماعی، منازعات خانوادگی، ابتلا به انواع مفاسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، مسائل حاد فردی و پدیده‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد و طلاق و ... همانگونه که قبلاً هم مطرح گردید، «توحید درمانی» (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً) است.

* مهم‌ترین و بزرگترین و واجب‌ترین رسالت خانواده‌ها، عوامل مختلف تربیتی، رهبران و مدیران و برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی این است که «رنگ خدایی» به همه جا و همیشه و با انواع

وسایل و روش‌ها بدهند.

۴. تربیت در ابعاد انسانی

۴-۲. تربیت جسمی

در این نوع تربیت که از قوانین طبیعت پیروی می‌کند، فراهم آوردن زمینه رشد مغزی و جسمی ضروری است. و لازم است حفظ صحت و تندرستی جسم را مقدمه سلامت روان دانست و از طبیعت غریزی و قوای ذاتی و طبیعی انسان بعنوان وسیله‌ای در جهت تعالی روح استفاده نمود.

* جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت:

الف) تغذیه: رعایت تناسب نیازهای غذایی فرد با سن وی

از نظر تغذیه، تأمین چهار گروه مواد خوراکی لازم است:

گروه اول سازنده‌ها و پروتئین‌ها مانند انواع گوشت.

گروه دوم استحکام‌دهنده‌ها یا املاح مانند کلسیم، آهن و ...

گروه سوم انرژی‌بخش‌ها، هیدرات‌های کربن (نشاسته) مانند سیب‌زمینی، حبوبات، قندها

گروه چهارم نشاط‌آورنده‌ها مانند سبزیجات و میوه‌ها

ب) پوشاک: نوع لباس، متناسب با موقعیت فرد و با توجه به هر فصل انتخاب گردیده، رعایت

آن از نظر جسمی، جنبه پیشگیری در مقابل بیماری را دارد و از آنجا که نوع لباس معرف

شخصیت فرد بوده و اثرات روانی - اجتماعی در وی خواهد داشت، لازم است در انتخاب آن

دقت شده و از لباس‌هایی که فرهنگ خاصی را القاء می‌کنند، پرهیز شود.

ج) تفریح: برای ایجاد تنوع و روحیه نشاط بسیار لازم است.

د) بهداشت فردی: عادت به مسواک‌زدن در سنین پایین و رعایت بهداشت در زمینه‌های: شانه

بر موی سر، استحمام در فواصل معین، نظافت لباس‌های زیر، حوله شخصی، تخت‌خواب شخصی،

نور مناسب هنگام بازی، خواب یا مطالعه سر وقت و ...

ه) ورزش و فعالیت جسمی: برای سلامت بدن بسیار ضروری است و از سنین پایین لازم است عادت به فعالیت جسمی را ایجاد نمود.

هدف بسیاری از والدین در تربیت فرزندان، در مدار تربیت طبیعی و تأمین خوراک و پوشاک و... می باشد، حال آنکه این تربیت فقط نوعی از انواع آن و مقدمه‌ای است برای تربیت‌های بعدی نه همه تربیت و غایت آن.

۲-۴. تربیت اجتماعی (تشکیل شخصیت):

اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی داشتن.

تضاد با اجتماع مانع حرکت، رشد، تکامل و تعالی فرد است. جامعه برای فرد، زمینه و مرکز و مهدی است که می تواند در آن پرورش یابد. از ضروریات این نوع تربیت آموزش و فراگیری، برقراری و تنظیم روابط اجتماعی (روابط عاطفی، عقلی، رسمی، دوستی و ...)، فراگیری نحوه معاشرت اجتماعی، وجود الگوهای فردی (عقیده)، الگوهای جمعی (فرهنگ اسلامی)، خوگرفتن انسان با این الگوها، ادراک و اکتساب آنان، مبنای زیست فردی و جمعی قراردادن این الگوها و زندگی فردی و جمعی نمودن با آنان می باشد.

لازم به ذکر است الگوهای صحیح و مورد تأیید آیات و احادیث، مطلوب تعلیم و تربیت اسلامی می باشد.

در تربیت فوق دو موضوع روابط اجتماعی و معاشرت اجتماعی مطرح است، تماس مقدمه ارتباط و ارتباط مقدمه معاشرت است.

تماس ← ارتباط ← معاشرت

این بعد از تربیت، در دو محور تشکیل شخصیت می دهد:

۱. در محور اول: توجه، تکریم، تشویق، نظرخواهی از او، احترام به نظرات و عقاید و افکار و

زمینه ابراز وجود را فراهم نمودن و ... در ایجاد شخصیت فردی نقش مهمی ایفا می نماید.

۲. در محور دوم: پرهیز از تنبیه، تحقیر، قیاس با همسالان (به جز در موارد رقابت) و واکنش‌های منفی به هنگام اشتباه (طعن‌زدن، خشونت بیجا) و ... در ساخت شخصیت فرد مؤثر است. (در حقیقت موارد ۴ گانه فوق مربع خرد کردن شخصیت افراد است.)

* جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت:

الف) تعلیم آداب معاشرت و رشد اجتماعی دادن: یاری فرد در برقراری و تنظیم ارتباط با عوامل مختلف اجتماعی [اقوام (= صله رحم)، همسایه‌ها، دوستان، مربی، معلم و ...]، رعایت جنبه اعتدال در امورات، رعایت حدود و مقررات اجتماعی.

ب) مسئولیت‌پذیر شدن فراگیر و ایفای نقش در محیط خود: واگذاری امورات و مسئولیت‌هایی به او (هرچند کوچک و جزئی باشند) و خواستن نتیجه از او، به مدیریت و رهبری در حد خود برسد.

ج) توجه فرد نسبت به ملاک‌های انتخاب دوست و یاری نمودن او در انتخاب گروه دوستان و عضویت وی در گروه.

د) دیدگاه مطلوب نسبت به تحصیلات از سنین پیش از دبستان تا اینکه طرز تلقی وی از درس خواندن، فراگیری علم و دانش و کسب سعادت باشد نه امری تحمیلی. یاری و مساعدت و ایجاد تسهیلات در امر تحصیلات وی.

ه) انتخاب شغل با توجه به استعدادها و توانایی‌ها و موقعیت و گرایش دادن به او و ایجاد زمینه برای علاقمند شدن به آن. (از هنگام ورود به دوره متوسطه دوم)

به عنوان مثال مربی به فراگیر آموزش می‌دهد؛ هنگام برخورد با بزرگترها سلام کن. در برقراری ارتباط می‌گوید: با بزرگتر از خود شوخی نکن. برای انتخاب دوست، دوستان خوب انتخاب کن، سپس در محیط فامیلی مشخص می‌کند با چه کسی دوستی کن. در جهت تنظیم روابط می‌گوید: با سن کوچکتر یا بزرگتر از خود چگونه دوستی کن. والدین لازم است معاشرت

اجتماعی را با نزدیکان و یا معاشرت با هم خوابگاهی را در یک سربازخانه یا خوابگاه دانشجویی به فرزند آموزش دهند.

۳-۴. تربیت اخلاقی (تأمین هویت)

همانگونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر ﷺ تزکیه نفوس و پرورش اخلاق حسنه بوده، گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌شمرد.^۱

در قرآن کریم تزکیه اخلاق، مقدم بر نماز و یاد خدا ذکر شده، که اگر تزکیه نفس و پاکی دل و صفای روح، در پرتو فضائل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا به جایی می‌رسد و نه نماز روحانیتی به بار می‌آورد.^۲

در مجموع، قرآن، اهتمام فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس بعنوان یک مسأله اساسی و زیربنایی دارد چرا که برنامه‌های دیگر از آن نشأت می‌گیرد و به تعبیر دیگر بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.^۳

مربی، والدین لازم است زمینه‌ای را فراهم آورده تا با تهذیب نفس در افراد، شاکله اخلاق حسنه ایجاد گردد (این اقدام در حقیقت تأمین هویت است) و با مراجعه به علم اخلاق و جاری شدن مفاهیم این علم مهم بر خود، می‌توان برای فراگیر تشکیل اخلاق حسنه داد.

* جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت:

(الف) دفع رذائل و گذر از نفسانیات (پیراستن)

(ب) کسب فضایل اخلاقی، و رسیدن به ارزش‌های متعالی (آراستن)

۱. برخی آیات مربوط به این مطلب عبارتند از: سوره جمعه/۲، آل عمران/۱۶۴، بقره/۱۲۹ و ۱۵۱، شمس/۹ و ۱۰ و لقمان/۱۲

۲. سوره اعلیٰ/۱۴ و ۱۵ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى)

۳. اخلاق در قرآن، ج ۱، آیت‌الله مکارم شیرازی: مطالعه عمیق این کتاب برای کلیه مربیان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان کشور برای تربیت‌نمودن، از واجبات است. برای تشکیل، شاکله اخلاق حسنه از این کتاب می‌توان استفاده کرد.

ج) ایجاد و تنظیم جو حسن و قبح اخلاقی (با این فضا می توان اعمال و صفات و اخلاق فرد را ساخته یا تنظیم نمود).

۴-۴. تربیت عاطفی

انسان در هر سن و موقعیتی که باشد نیاز به محبت یکی از احتیاجات اساسی او می باشد. در تربیت عاطفی مقصود این است که پدر و مادر در قبال رشد عاطفی فرزندشان و توجه به عواطفش مسئول هستند. در این عواطف محورهای متعددی وجود دارد که محور عمده اش توجه والدین به عواطف فرزندان می باشد. یکی از نیازهای بشر، بخصوص در دوران کودکی همان نیاز به مهربانی و عواطف تام و ... است.

* جنبه های کاربردی این تربیت:

الف) تأمین محبت:

از ابتدای تولد و متناسب با هر فرد در تمام دوران و مراحل رشد، به میزان نیازها و موقعیت او، لازم است، محبت تأمین گردد.

ب) ایجاد جو عاطفی و روابط عاطفی. (دوستانه بودن و کم شدن فاصله برای درک او) جو عاطفی فضائی است که فرد در آن قرار دارد و روابط عاطفی، ارتباط فرد با تک تک افراد خانواده می باشد. فقدان جو عاطفی و محبت، امنیت فرد را به مخاطره انداخته و باعث عدم تعادل در وی خواهد شد در نتیجه او سعی در تأمین نیاز خود در خارج از محیط خانواده خواهد داشت.

۴-۵. تربیت عقلانی (ساخت هویت مطلوب)

این نوع تربیت، پرورش قوه تعقل و فهم و شعور (بصیرت)، فهم واقعیات... و مهم تر نیل به اطمینان و صفای باطن، ایمان درونی و ایجاد روحیه معنوی

«رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند»

این نوع تربیت هدف خلقت و آفرینش انسان است. او با وصول به این نوع تربیت به معنا و

مفهوم انسانی دست یافته و با آن عبث و بی‌فایده نخواهد بود. برای کسب این نوع تربیت لازم است از تربیت جسمی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی گذر نمود.

* جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت:

(ب) تفکر در امور و سپس عمل است.

(الف) شناخت کلیه جنبه‌های انسانی اعم از استعدادها و نیازها در هر دوره‌ای به منظور بالفعل نمودن آنها و درک او در تمام شرایط و ادوار سنی برای شکوفاشدن توانایی‌های فرد.

(ج) توجه دائمی و حس حضور خداوند و دخالت او در همه امور

این نوع تربیت مهم‌ترین و ارزشمندترین بعد از ابعاد انسانی است.

۵. اصول دیگر

برای تعلیم و تربیت اصول دیگری نیز در کتب تعلیم و تربیت ذکر شده است که به دلیل عدم

اطاله از ذکر آن خودداری می‌شود.^۱

۱. کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (دکتر خسرو باقری) و تعلیم و تربیت و مراحل آن (دکتر غلامحسین شکوهی)

فصل چہارم

روش ہاگ تعلیم و تربیت

آنچه در فصل چهارم می‌خوانیم:

۱. توان تربیتی
 - روش «نگهداری رفتار مطلوب»
 - تعریف
 - عوامل مؤثر در توان تربیتی
۲. روش‌های تربیتی
 - مفهوم: تعریف روش
 - انواع روش‌های تربیتی
 - الف) روش‌های مبنایی یا دینی
 - روش «تشکیل نگرش»
 - روش «تشکیل عقیده»
 - روش «تشکیل ایمان»
 - روش «تشکیل اخلاق حسنه»
 - روش «ایجاد هدف»
 - روش «ارزشگذاری»
 - روش «محبت نمودن»
 - روش ایجاد «حسن و قبح»
 - روش «ایجاد شرایط و محیط»
 - روش «ایجاد شاکله تفکر صحیح»
 - تربیت دینی
- ب) روش‌های عام تربیتی
 - روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»
 - روش استفاده از مقررات
 - روش «ایجاد رفتار تازه»
 - روش «افزایش رفتار موجود»

 ۳. نحوه بکارگیری یک روش تربیتی
 - روش «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب»
 - روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»
 - ج) روش‌های خاص تربیتی
 - روش «ساختن ظاهر»
 - روش «ساختن درون و باطن»
 - روش «فریضه‌سازی»
 - روش «محاسبه نفس»
 - روش «آراستن ظاهر»
 - روش «تزیین کلام»
 - روش «توبه»
 - روش «تبشیر»
 - روش «تعلیم حکمت»
 - روش «موعظه حسنه»
 - روش «یادآوری نعمت‌ها»
 - روش «عبرت‌آموزی»
 - روش «تزکیه»
 - روش «ابراز توانایی‌ها»
 - روش «انذار»
 - روش‌های دیگر

۱. توان تربیتی

۱-۱. تعریف:

به وجود آمدن مجموعه توانایی‌ها در مربی تا به وسیله آن بتواند با برنامه تربیتی تعیین شده، فراگیر را در مدار تعلیم و تربیت قرار دهد و او را در راستای اهداف تعلیم و تربیت جهت داده تا در نهایت، تغییرات، ساخت، رشد و تربیت حاصل شود.

اگر مربی از توان تربیتی لازم برخوردار نباشد، نمی‌تواند از روش‌های تربیتی به طور صحیح استفاده نموده (مانند بسیاری از والدین)، آنها را به کارآیی برساند و نتایج مطلوب نیز حاصل نخواهند شد.

بنابراین مربی برای به اجرا درآوردن روند تعلیم و تربیت و به کار بردن روش‌های تربیتی به توان تربیتی نیازمند است.

۲-۱. عوامل مؤثر در توان تربیتی:

۱. توان مطلوب و مقبول نمودن خود و مورد پذیرش واقع شدن در نظر فراگیر.
۲. برخوردار بودن از مجموعه ویژگی‌های مطلوب درونی از نظر عقیدتی، فکری، اخلاقی و ...
۳. آگاهی از علوم و فنون تعلیم و تربیت و اطلاع کافی از علوم تربیتی مؤثر در تعلیم و تربیت فراگیر مانند: علوم اخلاق، کلام، فقه، روانشناسی، جامعه‌شناسی.
۴. توان برقراری ارتباط عاطفی، جو عاطفی و جو حسن قبح.

۲. روش‌های تربیتی

۲-۱. مفهوم

تعریف روش: نحوه مشخص و شیوه انجام یک فعل تربیتی، روش تربیتی است. به عبارت دیگر، راهی که مربی برای پیاده نمودن اجزاء برنامه تربیتی اتخاذ می‌کند، روش تربیتی است. برای تربیت هر فرد در هر موقعیت یا در هر فاصله زمانی لازم است با دقت، روش مناسب انتخاب شود و از آنجا که روش‌های تربیتی متنوع هستند و کاربردهای مختلف دارند، معمولاً

نمی‌توان از یک روش برای کلیه دوران سنی و افراد مختلف (پسر و دختر، بزرگسال، نوجوان، جوان و ...) استفاده نمود. بر مبنای و خانواده لازم است با انواع روش‌ها آشنا شوند. روش‌های تربیتی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود^۱:

۱. روش‌های مبنایی یا دینی

۲. روش‌های عام تربیتی

۳. روش‌های خاص تربیتی

۲-۲. روش‌های مبنایی یا دینی

این روش‌ها بطور مستقیم و غیرمستقیم اثر می‌گذارند و باعث اصلاح، ایجاد، محو یا نگهداری رفتارها بطور اساسی است و با ابقای آن رفتارها، تغییرات، ساخت و رشد اساسی و در نهایت تربیت فراگیر را بدنبال دارند. این روش‌ها زمان بیشتری می‌برند ولی تأثیر آنها عمیق است و با تغییر شرایط اثر خود را از دست نمی‌دهند. این روش‌ها معمولاً از مبانی و اصول تعلیم و تربیت، و با توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط و موقعیت فرد، انتخاب می‌شوند. (دقت شود)

۱-۲-۲. روش «تشکیل نگرش»:

۱-۱-۲-۲. تعریف «نگرش»:

تعریف لغوی: نگرستن، بینش، نظر^۲

واژه "attitude" معادل‌های فارسی متعددی همچون «طرز تلقی»، «وجه نظر»، «بازخورد»، «وضع روانی»، «ایستار»، «گرایش» و «نگرش» دارد، ولی اکنون اصطلاح «نگرش» قبول عام یافته و به صورت‌های مختلف نیز تعریف شده است.^۳

۱. در کتب مختلف تعلیم و تربیت تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای روش‌های تعلیم و تربیت شده است. در این کتاب با توجه به سرفصل درس تعلیم و تربیت اسلامی (از رشته و عارف اسلامی و علوم تربیتی) این تقسیم‌بندی انتخاب شده است.

۲. فرهنگ لغت معین، ص ۹۶۲

۳. سالاری‌فر و دیگران، محمدرضا، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۱۰. به دلیل اهمیت ویژه به کلیه مربیان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مطالب فصل ۵ این کتاب توصیه می‌گردد.

می توان گفت نگرش عبارت است از: نگاه به موجودات، اشیاء، پدیده ها و... به گونه ای که به آن توجه شده، فرد آن را دریافت و ادراک نماید.

توجه به حضور پدیده ها و موجودیت موجودات و اشیاء و برقراری ارتباط با آنها، دریافت توسط سلول های مغزی و بازتاب تصویر یک شیء در مغز و نهایتاً ایجاد سؤال از علت پدیده ها و سپس ادراک، مراحلی است که پس از نگاه به یک شیء طی می شود.

۲-۲-۱-۲. تعریف و معنای «تشکیل نگرش»:

نگاه، طرز تلقی، برداشت، دیدگاه، دریافت و ادراک هر فردی نسبت به وجود خود، وقایع و پدیده ها، جهان هستی و آفرینش و نهایتاً خالق و علت همه اینها.

می توان گفت، «تشکیل نگرش» عبارت است از:

هنگامی که هست و نیست ها نسبت به چیزی یا پدیده ای برای فرد مشخص شده، شکل یافته و

این شاکله، پایدار بماند، عینی شود، فرد نسبت به آن چیز و یا پدیده تشکیل نگرش داده است.

این تعریف، در ذیل بطور نمودار آمده است:



بعنوان مثال در مورد نماز، در ابتدا فرد به نماز توجه کرده، آن را دریافت می‌نماید ولی هنوز نگرش او نسبت به نماز تشکیل نشده، ممکن است آن را با تأخیر به جای آورد، در مرحله بعد، هست و نیست نسبت به نماز برای او اینگونه مشخص می‌گردد که نماز از سوی خدا می‌باشد و در هیچ حالی از انسان ساقط نمی‌شود و سپس در مرحله بعد شاکله اهمیت نماز برای فرد؛ به مرور زمان؛ پایدار شده، تثبیت و عینی می‌شود.

لذا هنگام اذان بین نماز و مسأله دیگر، نماز را ترجیح می‌دهد. نماز برای او عینیت یافته، به صورت عمل بر اندام جاری می‌گردد. در این حالت فرد نسبت به نماز تشکیل نگرش داده است.

۳-۱-۲. تحلیل تشکیل نگرش:

تشکیل نگرش یعنی:

۱. اینکه فرد بداند وجود دارد (= خوددانی و خودیابی) و برای هدف بودن خویش، جوابی داشته و ادراک نماید که برای چه وجود دارد.
۲. برای آفرینش و جهان هستی هدف مشخصی قائل باشد.
۳. در مورد خالق و مبدأ آفرینش نیز به یک نتیجه قطعی رسیده، حضور و وجود خداوند را بر خود حس نماید.^۱ (= انسان موحد = تشکیل شدن نگرش نسبت به خداوند)
۴. برای سرانجام و عاقبت زیست خود، توجیه مشخصی داشته باشد و بطور قطعی بداند چه مسیری را در زیست طولی طی خواهد نمود، درک کند در طول زیست خود چه دوران‌هایی را طی نموده است؛ و پس از طی مراحل، مرگ به سراغ او خواهد آمد^۲ و بعد از مرگ هم هستی هست.

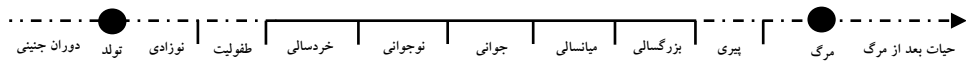
۱. الف) وَهُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَمَا كُنْتُمْ ... (حدید/۴) «هر جا باشید او با شماست.» (ب) الم يعلم بان الله یری

(علق/۱۴) ج) والله بما تعملون بصیر

۲. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران/۱۸۵)

در زیارت آل یس مسیر زیست طولی انسان به خوبی ترسیم شده است:
 «وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ»

«و همانا مرگ حق است و ناگر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی می‌دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و مرصاد (کمینگاه) حق است و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید درباره آن دو حق است.»



* حاصل اینکه تشکیل نگرش باید بعنوان یک مبنای بسیار مهم مورد توجه والدین، مربیان و همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد:

«تشکیل نگرش منشأ اولیه هدایت و تعلیم و تربیت و همچنین انگیزه اصلی در تشکیل و

اصلاح کلیه رفتارهاست.»

۴-۱-۲-۲. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر

لازم است مربی در ۴ محور نگرش فراگیر را تشکیل دهد:

۱. «تشکیل نگرش» نسبت به خود.
۲. «تشکیل نگرش» نسبت به نظام هستی.
۳. «تشکیل نگرش» نسبت به خداوند.
۴. «تشکیل نگرش» نسبت به مرگ و پس از آن

۱. تشکیل نگرش نسبت به خود

مربی در گام اول، برای تشکیل نگرش فراگیر نسبت به خودش، ابتدا باید به تنظیم ارتباط فکری با وی پرداخته و سپس در نظر او مقبول و مطلوب شود و او را تکریم کرده، درک نماید. سپس در دومین اقدام، شرایط تبدیل فکر فراگیر به تفکر با زمینه وجود خود او، که، کی هستیم؟ برای چه هستیم؟ چرا هستیم؟ و ... را فراهم نماید.

و در گام سوم، او را متوجه وجود خود نموده، وی را به خوددانی و خودیابی برساند. یعنی این گونه برداشت نماید که وجود دارد و هستی او بیهوده نمی باشد.

(چهارم) سپس نهادها و استعدادها و ابعاد وجودیش را به وی نشان دهد یعنی او را متوجه موارد ذیل نماید:

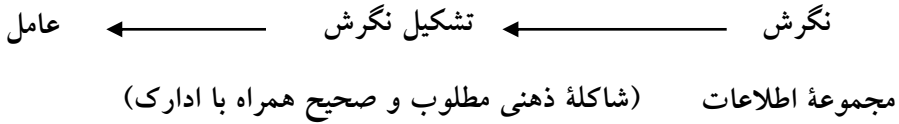
وجود، کارآیی، ارزش و فواید، نیروی فکر و تعقل، حالات نفس، انواع نیازها و طریقه تأمین آنها، استعدادها (نظیر نیروی اراده، اختیار، انتخاب و...)، استعدادهای اجتماعی (مانند برقراری ارتباط و دوست یابی، تسلط، اداره و مدیریت بر محیط مانند خانواده، فرزندداری، همسرداری و برنامه ریزی برای پیشرفت خود و...) و استعدادهای اقتصادی (مانند راه صحیح کسب درآمد سرشار و...) و

و او را به این نتیجه برساند (پنجم) که خود را بیهوده از دست نداده و به دنبال کسب سعادت باشد. در این راستا نهایت تمامی اقدامات تربیتی مربی (ششم) این است که فرد برای خودسازی و اصلاح رفتارها، مصمم خواهد شد و با این تصمیم، مربی از میزان موفقیت خود آگاه می شود.

خود فراموشی نسبت به خود، نشانه فقدان نگرش است. نگرش زمانی شکل می گیرد که فرد به وجود خود توجه نموده، آن را یافته باشد و نسبت به نحوه بودن، فلسفه بودن، علت بودن و مهم تر از همه چگونه بودن، شاکله ای در خود شکل دهد. یعنی در ذهن و وجود فرد به گونه ای تنظیم و ثبت گردد که من به عنوان یک فرد وجود دارم حال باید چگونه باشم؟ در بخش نگرش

فرد به خود توجه نموده و در بخش تشکیل نگرش برای خود اینگونه مبنا قرار خواهد داد که: وجود من بدون هدف نبوده و من به این خاطر وجود دارم ...

فراگیر بر اساس این «مبنا» سعی در رشد و تکامل خود و فهم قوای درونی و تربیت آنها خواهد کرد، در صورتی که این مبنا توسط مربی در درون فرد تثبیت شده و شاکله‌ای در ذهن او ایجاد گردد، آن شاکله منشأ رفتار خواهد بود. مربی موفق قبل از مطرح نمودن عوامل و یا موضوعی (نماز، حجاب، دوست‌یابی، درس خواندن و ...) ابتدا نگرش فرد را نسبت به آن عامل و یا موضوع تشکیل داده، سپس خود عامل را وارد محیط می‌نماید.



گروهی از عوامل تربیتی (والدین، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت) ابتدا عامل (پدیده‌ها، موجودات، اشیاء، انتخاب‌ها و ...) را مطرح می‌نمایند در حالی که ابتدا لازم است تشکیل نگرش گردد و سپس عامل مطرح گردد، در این صورت فرد خود به خود نسبت به انجام وظیفه خود و با انگیزه و میل کافی اقدام خواهد نمود به طور مثال در گروهی از خانواده‌ها برای ترغیب فرد نسبت به نماز از جایزه، تنبیه، تهدید، خشونت، استدلال و باید و نباید... استفاده می‌کنند در حالی که با تشکیل نگرش فرد نسبت به نماز، ابتدا نماز به عنوان اصل در وجود فرد پذیرفته شده، تثبیت می‌گردد و با مطلوب شدن نماز، فرد بدون دخالت و تذکر والدین نماز را بجا می‌آورد.

در مورد تشکیل شدن نگرش می‌توان گفت: نگرش همچون مواد خام (نظیر شن و سیمان و آجر) است و تشکیل نگرش همان مخلوط نمودن شن و سیمان با آب طبق برنامه و اصول است. چنانچه غیر از برنامه و اصول عمل گردد ساختمانی پابرجا نمی‌شود.

۱. نحوه آن در کتاب روش کلاس‌داری قرآن - تهیه و تألیف نگارنده - ذکر شده است.

در مورد یک عامل مانند درس خواندن؛ نگرش و مواد خام آن رفتن به مدرسه است. از سن ۶ سالگی با فرستادن فراگیر به آمادگی (= آمادگی برای دبستان یعنی آمادگی برای تشکیل نگرش) و طرح جذابیت‌های مدرسه نگرش او به مدرسه تشکیل می‌گردد. به عنوان مثال تهیه کیف مطابق سلیقه او، جلوه دادن به مدرسه، بیان نتایج آن به زبان ساده و تشریح خوبی‌های آن و اهمیت آن و ایجاد جو مطلوب و... . آنگاه خود به این نتیجه می‌رسد که باید به مدرسه رفت و درس خواند و آن را به عنوان جایگاه مطلوب محسوب نمود. در این حالت ساختمانی که با این فرمول ساخته می‌شود غیر قابل تغییر خواهد بود، اما در صورتی که فرد تنها نگرش نسبت به درس خواندن داشته باشد، درس برای وی مطلوب نبوده، انگیزه کافی برای تحصیل ندارد و سریعاً تحت تأثیر عواملی این ساختمان فروریخته، نگرش فرد تغییر یافته و نسبت به تحصیل بی‌علاقه و یا منصرف خواهد شد.

بنابراین علت ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و یا عدم موفقیت در تحصیلات، در نگرشی است که والدین و دیگر عوامل تربیتی به آنان می‌دهند (درس برای من اجباری است)، ذهنیت صحیحی نسبت به درس به او داده نشده و در نتیجه درس برای او تحمیل بوده و مطلوب نمی‌باشد و یا دیدگاه گروهی از خانواده‌ها نسبت به دوست و همبازی فرد این است که نیازی به آن ندارد و تمامی امکانات را برای فرد مهیا نموده تا ضرورتی برای خروج وی از منزل نباشد و برخی دیگر از والدین بر خلاف نگرش قبلی، تعدادی از همسالان را برای فرزند انتخاب می‌نمایند تا وی در محیطی سالم، بیرون از محیط خانواده به بازی و فعالیت بپردازد.

مثال دیگر: همان‌گونه که فرد در فصل زمستان با تن‌پوش مناسب و مصرف ویتامین‌ها در مقابل بیماری مصون خواهد ماند، تشکیل نگرش نیز در فرد از وی مواظبت نموده و از آسیب‌های ممکن وی را حفظ می‌نماید.

تشکیل نگرش در مورد یک پدیده باعث می‌شود فرد آن پدیده را برای خود مطلوب دانسته، آن را خود انتخاب نماید. در این صورت انگیزه کافی برای پذیرش آن خواهد داشت لذا باعث

تثبیت آن عامل می‌شود. تثبیت عامل، امنیت و آسایش والدین را به همراه دارد و باعث می‌شود فراگیر به وظایف خود آشنا گشته و خللی بر پیکر خانواده وارد نیاید. نهایتاً از میزان تخلفات کاسته می‌شود، اینها از محاسن تشکیل نگرش در فرد می‌باشد.

۲. تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی

در محور دوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی لازم است مربی از عجایب و اسرار و شگفتی‌ها و نظم خلقت برای فراگیر صحبت کند. **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۰۱﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِيلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۰۲﴾**

به یقین در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. * (همان) کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! ما را از عذاب دوزخ نگاهدار.

تا متوجه نظام هستی شده و آن را دریافت و ادراک نماید و جایگاه خود را در این نظام بیابد.

[گذشته (= تاریخ)، حال و آینده]

۳. تشکیل نگرش نسبت به خداوند

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ ... «خدا یا خود را به من بشناسان ...»^۲

در محور سوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به خداوند فرد باید در ابتدا متوجه وجود خداوند گردد (خدادانی) و او را در جهان درون و برون بیابد (خدایابی) و ادراک کند (عقلی و قلبی) که او خالق وی و نظام هستی است، ازلی و ابدی بوده و وجودی یکتا و بی‌مانند است (قل هو الله احد).

۱. آل عمران/ ۱۹۰ و ۱۹۱

۲. مفاتیح نوین/ ص ۶۱۸

نسبت به همه چیز عالم آگاه (و ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا) و بر انجام هر کاری قادر است (إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (خداشناسی) و پس از طی صحیح این مراحل در او حالتی به وجود می‌آید؛ که باید او را پرستش و ستایش نمود (خداپرستی = موحد) و آنگاه احساس دوستی و عشق فراوانی نسبت به او در فرد ایجاد خواهد شد (ایمان) (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا ...) و در همه امور او را در نظر گرفته (تقوا) و همیشه خود را محضر او می‌داند و او را بر خود ناظر و آگاه می‌یابد و در همه امور او را دخالت می‌دهد. (یقین)

خدادانی خدایابی خداشناسی خداپرستی ایمان حقیقی تقوا یقین

۴. تشکیل نگرش نسبت به مرگ و پس از آن

یکی از اقدامات مبنایی و بسیار مهم و سرنوشت‌ساز که عامل تعیین‌کننده‌ای در سعادت و شقاوت انسان دارد، تشکیل دیدگاه فرد نسبت به مرگ و پس از آن است:

الف) اهمیت موضوع معاد

۱. حدود ۱۲۰۰ آیه (یک‌سوم از مجموع آیات قرآن) در قرآن در رابطه با موضوع معاد آمده است.
۲. بعضی از سوره‌های اواخر قرآن بطور کامل و بعضی بطور عمده در این باره ذکر شده است.
۳. بعد از توحید، مهمترین مسأله از دیدگاه قرآن بحث معاد و اعتقاد به آن و حیات پس از مرگ، اجرای عدالت و مجازات و پاداش می‌باشد و در حدود ۳۰ جای قرآن این دو موضوع (مبدأ و معاد) با هم آمده است.

ب) نتایج و فواید تشکیل نگرش و اعتقاد به مرگ و جهان پس از آن

۱. احساس ارزش در زندگی (اعتقاد به معاد = ارزش)
۲. معنی بخشیدن (بقای انسان) به زیست طولی (عمر) و هدفمند شدن زندگی و مفهوم‌دار

شدن آن و عدم پوچی و فناشدن.

۳. ایمان به خداوند بدون ایمان به معاد تکمیل نمی‌شود.
۴. عامل تعیین‌کننده در تربیت و تهذیب و تزکیه نفس و انگیزه قوی برای خودسازی
۵. عامل اجرای عدالت و قوانین الهی
۶. علت عمل به وظایف و حقوق و تکالیف الهی.
۷. ایجاد انگیزه برای تلاش و مجاهده و ایثار و شهادت است.
۸. عامل کنترل و بازدارنده در برابر مفساد، فحشاء و منکرات و جرم و جنایات می‌باشد.
۹. عامل صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی است.
۱۰. ایجاد آرامش روحی و روانی و فکری در فرد و عدم فرار از مرگ و پذیرش آن.

خلاصه بحث

تشکیل نگرش در ابعاد سه‌گانه مسائل خوددانی، خودیابی و خودشناسی، محورهای خداشناسی و خودسازی را به حاصل و نتیجه ثمربخش و مطلوب می‌رساند. به عبارت دیگر آنچه که این مسائل را به عینیت و تحقق وامی‌دارد همان تشکیل نگرش است. اگر تربیت‌کننده، والدین یا مربی، فرد را به تشکیل نگرش نیل داد، راه زیادی را از تربیت طی نموده و در غیر این صورت به موفقیت دست نمی‌یابد. هنگامی والدین و یا مربی در انجام وظیفه خود که همان امر سرنوشت ساز تعلیم و تربیت می‌باشد، موفق می‌گردد که اساس فعل تربیتی خود را بر مبناهای تعلیم و تربیت (بویژه مبنای تشکیل نگرش) استوار سازد و در غیر این صورت از رفتارها و تلاش‌های خود که به قصد تعلیم و تربیت انجام می‌دهد حاصل چندانی به دست نیاورده، به موفقیت نمی‌رسد و تلاش او از ارزش لازم برخوردار نخواهد بود.

۲-۲-۲. روش «تشکیل عقیده»

۲-۲-۲-۱. تعریف «عقیده»:

تعریف لغوی:

العقیده ما عُقِدَ علیه الْقَلْبُ وَ الضَّمِيرُ^۱ آنچه که قلب و ضمیر به آن وابسته است.

تعریف اصطلاحی

اصول و قواعدی است که در زندگی روزانه (زیست عرضی) از آن استفاده می‌شود. به طور معمول نوع رفتارهای هر فرد (نوع راه رفتن، نوع صحبت کردن، نوع آرایش مو و...) بر مبنای اصول و قواعدی است که بر اساس آن زیست روزانه خود را تنظیم می‌نماید و می‌توان گفت عقیده همان بایدها و نبایدهای رفتاری است.

۲-۲-۲-۲. تعریف و معنای «تشکیل عقیده»

هرگاه استنتاج‌ها و دست‌آوردهای حاصل از تشکیل نگرش، تبدیل به مجموعه‌ای از اصول، قوانین و خط‌مشی گردند، آنگاه عقیده شکل‌یابی شده است و لذا تشکیل عقیده یعنی «تشکیل شدن» مجموعه بایدها و نبایدها و یا تهیه و تدوین دستورالعمل و نقشه زندگی است.

* مثال) موضوع نماز

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۱

«آنها هنگامی که (اذان می‌گویند و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند این به خاطر آن است که آنها جمعی نابخردند.»

در مرحله نگرش، فرد نسبت به آن دیدگاه و طرز تلقی خاصی دارد. و در مرحله تشکیل نگرش، آن را عروج و عاملی برای تکامل روح و روان می‌داند، (الصلوة معراج المؤمن) به آن علاقه قلبی پیدا کرده، به عنوان یک اصل پذیرفته، به آن اهمیت داده و در درونش برای نماز جایگاه رفیعی در نظر

۱. المنجد / ص ۵۱۹ - مَا تَدِينُ بِهِ الْإِنْسَانُ وَ اغْتَقَدَهُ - ریشه عقیده، عقد بوده و جمع آن عقاید است.

۱. مائده/۵۸

می گیرد.

و در مرحله عقیده، می داند که باید آن را بجا آورد و نماز خواند.

و در مرحله تشکیل عقیده، چگونگی انجام نماز برای وی مشخص است (که باید آن را چگونه بجا آورد و چه هنگامی و با چه حالت و نحوه‌ای؟ اول وقت و با جماعت و با حالت طمأنینه)، لذا هنگام فرارسیدن وقت آن (شنیدن اذان) بی قرار شده، فعالیت‌های دیگر را متوقف نموده، با شوق به سوی آن می شتابد. (حی علی الصلوة)، در هر فرازی از آن اندیشه نموده و مفهوم آن را با تمام وجود حس می کند. چنین نمازی باعث معراج مؤمن بوده، او را از فحشاء و منکر باز می دارد.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

✽ در عقیده‌مندی به نماز یکی از بزرگان می فرماید:

نماز به منزله کعبه، تکبیره الاحرام، پشت سر انداختن هر چیز غیر خدا و داخل شدن در حرم

الهی است،

و قیام به منزله صحبت دو دوست،

و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آقااست،

و سجده نهایت خضوع و خاک شدن و عدم شدن در مقابل اوست،

و وقتی که عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می گردد، اولین چیزی را که سوغات

می آورد، سلام از ناحیه اوست.

۳-۲-۲-۲. تحلیل «تشکیل عقیده»

الف) حاصل و نتایج تشکیل نگرش در عقیده تبلور می یابد؛ در نتیجه نوع و شیوه و نحوه هرگونه

عمل (از قبیل انواع رفتارها، گفتارها، اندیشه، افکار و...) و میزان آنها به تشکیل عقیده مربوط می شود.^۱

۱. ارتباط بین نگرش (جهان بینی) و عقیده (ایدئولوژی) در صفحه ۵۵۰ از جلد ۹ پیام امام اثر آیتا... العظمی مکارم شیرازی تبیین شده است.

ب) در هر انتخاب، تصمیم، سنجش، ارزیابی و قضاوت نسبت به افراد و امور، این مجموعه شکل یافته (عقیده) نقش تعیین کننده دارد، لذا می توان گفت به زندگی خط مشی داده و زیست عرضی انسان بر آن استوار است.

ج) اگر عقیده تشکیل گردد برای فرد مشخص می گردد که در هر موقعیت و در هر زمان و مکان و نسبت به هر چیز یا پدیده ای چه موضعی را اتخاذ نماید؟ و چگونه رفتار کند؟ در نتیجه در برخورد با هر موضوعی می تواند سریعاً تصمیم گیری نماید. (که چگونه، به چه شکل و تا چه حد و میزان رفتار کند).

د) گاهی دیده می شود که عقیده توسط عوامل بی صلاحیت تشکیل می گردد مانند آموزش و القاء افکار و رفتارهای نامناسب در بعضی مراکز علمی و آموزشی، زیستن مانند غربی ها و القاء این گونه زیست به دیگران، راه رفتن، صحبت کردن، نوع پوشش، نوع آرایش موی سر و ... که در جامعه از طریق فیلم ها و سریالهای نامطلوب و نامناسب داخلی و خارجی الگوگیری نموده و توسط افراد نابخرد در جامعه گسترش داده می شود.

مبانی تشکیل عقیده

عقیده بر اساس مبانی زیر تشکیل می گردد:

الف) تشکیل عقیده بر اساس آنچه که می خواهند. (عوامل تشکیل دهنده عقیده اینگونه افراد والدین، دوست، ماهواره، فرهنگ غربی و ... می باشد).

ب) تشکیل عقیده توسط خود فرد (بدون معیار، نامشخص و بر اساس نظرات شخصی و التقاطی).

ج) تشکیل عقیده آنطور که، باید باشد، یعنی بر اساس طرح و برنامه مشخص، الگو، سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام)، قرآن، دین، شرع، آگاهانه و بر اساس ملاک و معیار. (= نوع مطلوب تشکیل عقیده)

۴-۲-۲-۲. کاربرد «تشکیل عقیده» در تعلیم و تربیت فراگیر

۱. تشکیل نگرش؛ زیست طولی (تمام عمر) فراگیر را اداره می‌کند و تشکیل عقیده ملاک زیست عرضی (شبانه روز) اوست.

۲. تشکیل عقیده در فراگیر مساوی است با تشکیل شاکله تعلیم و تربیت در او.

(تشکیل شدن عقیده یعنی ثبات و استواری و عدم نفوذپذیری از سنخ غیرخود.)

۳. مهمترین نوع تشکیل دادن عقیده، عقیده‌مندی فراگیر به دین است، به گونه‌ای که فراگیر آن را به عنوان یک مجموعه عقاید، بطور مطلوب پذیرفته و اساس زندگی روزمره خود قرار دهد.

۴. نهایت تشکیل عقیده در حد متعالی این است که فراگیر، قرآن و ولایت ائمه علیهم‌السلام را به عنوان ملاک عمل قرار داده و اهداف و گفتار و سخن آنان را دستورالعمل و نقشه زندگی خود قرار دهد.

فردی که دین را ملاک عمل قرار داده، دیندار و متدین نامیده می‌شود.

* می‌توان گفت: علم کلام، در بخش نظری «عقیده اسلامی» قرار داشته و حوزه فقه، در بخش عملی آن است، «کلام»، حراست، سلامت و اصلاح عقل و فکر را بر عهده داشته، و اخلاق، سلامت قلب و دل و درون را. و فقه بر مبنای آن دو (کلام و اخلاق) حراست، سلامت و اصلاح عمل و رفتار را تضمین می‌کند. لذا دشمنان بدین سبب است که کلام و فقه شیعه را در طول تاریخ نشانه رفته و می‌روند.

در راستای تشکیل عقیده، علم فقه باید و نبایدها را در سه زمینه حقوق، تکالیف و وظایف نسبت به خود، جامعه و خداوند، تبیین می‌نماید:

الف) تعیین حقوق نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

ب) تعیین دقیق واجبات، محرمات، مکروهات و مستحبات (تعیین حدود)

ج) تعیین وظایف و تکالیف نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

د) تعیین باید و نبایدها در فروع دین (نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر بمعروف

و نهی از منکر ...)

۵-۲-۲. مثال‌هایی از قرآن در مورد «تشکیل نگرش» و «تشکیل عقیده»^۱

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا إِيَّاكُمْ آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲۰﴾^۲ «آیا مردم گمان می‌کنند همین که

بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهد شد؟!»

این آیه سنت الهی آزمایش را بیان می‌فرماید و دیدگاه را تشکیل می‌دهد.

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۳۱﴾^۳ «این، بیان و هشدار است برای عموم

مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.»

این آیه دیدگاه نسبت به قرآن را بیان می‌کند.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ... ﴿۱۰۵﴾^۴ «هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد.»

۱. آیات دیگر: الف) أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ «آیا گمان کردید شما را بی‌هوده آفریده‌ایم،

و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!» مؤمنون/۱۱۵ این آیه هدف‌مندی انسان را یادآور شده و دیدگاه را تشکیل می‌دهد.

ب) وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿۲۰﴾ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿۲۱﴾ «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود

خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟!» عنکبوت/۲ این آیه دو عالم کبیر و صغیر را یاد آورده و دیدگاه انسان را شکل می‌دهد.

ج) وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۲۱﴾ «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه

تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» ذاریات/۲۰ و ۲۱ این آیه اهداف خلقت انسان را بیان می‌کند. (نگرش)

د) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿۱۰۵﴾ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۶﴾ «آن کس که مرگ و حیات را

آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او توانا و آمرزنده است.» ملک/۲ این آیه دیدگاه به زندگی و

هدف خلقت را بیان می‌کند. (نگرش)

ه) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ... ﴿۱۰۶﴾ «و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز

آنها را به (خودفراموشی) گرفتار کرد ...» حشر/۱۹ در این آیه می‌فرماید باید همیشه به یاد او بود و در همه امور قبل از هر اقدام،

او را در نظر داشت = تشکیل عقیده

۲. عنکبوت/۲

۳. آل عمران/۱۳۸

۴. آل عمران/۱۸۵

این آیه دیدگاه نسبت به مرگ را تبیین می‌دارد.

أَرَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ... ﴿٤٣﴾^۱ «آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خو

برگزیده است؟!» در این آیه می‌فرماید هوای نفس اله نباشد = تشکیل عقیده

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ

آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾^۲ «آنها که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند، و (تنها) به زندگی

دنیا راضی شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند»

أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾^۳ (همه) آنها جایگاهشان آتش است، به

سزای آنچه که انجام می‌دادند.

پیام آیات فوق:

۱. ملاقات خداوند در روز رستاخیز حتمی است.

۲. زیست عرضی هدف نیست.

۳. دل به زندگی چندروزه نباید بست.

۴. دائم باید به یاد خداوند بود و... = تشکیل عقیده

بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١١﴾^۴ «بلکه تنها خدا را عبادت کن و از شکرگزاران باش.»

... إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿١٦﴾^۵ «به یقین کسانی که

۱. فرقان/۴۳

۲. یونس/۷

۳. یونس/۸

۴. زمر/۶۶

۵. غافر/۶۰

از عبادت من تکبر می‌ورزند بزودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.»

... وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^۱ «و گفتند: شنیدیم و اطاعت

کردیم. پروردگارا! به آمرزش تو امیدواریم؛ و بازگشت (ما) به سوی تو است.»
و آیات بسیاری دیگر.

۳-۲-۲. روش «ایجاد شاکله ایمان»

۳-۲-۳-۱. تعریف لغوی

ایمان: هُوَ التَّصَدِيقُ الَّذِي مَعَهُ أَمْنٌ

امن: طمأنينةُ النَّفْسِ وَزَوَالِ الْخَوْفِ^۲

تعریف اصطلاحی: ایمان معرفت و حالت قلبی است که بر اساس علم و شناخت و

تهذیب و تزکیه درونی ایجاد می‌شود.

ایمان حالتی اکتسابی و اختیاری و تدریجی و قابل شدت و ضعف است ... حالتی است روانی...^۳

۳-۲-۳-۲. تشکیل شاکله ایمان

به جریان‌افتادن خودیابی و طی مراحل لازم تا خودشناسی و قرارگرفتن وی در مدار

خودسازی، جو و حالتی را در فرد بوجود می‌آورد که ایمان نامیده می‌شود. فضای درونی

حاصل از سیر خودیابی به خودسازی، (ایمان) نیروی انجام کلیه اعمال به شکل مطلوب

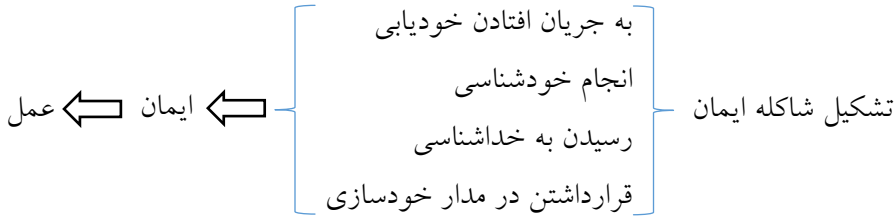
می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت، ایمان، حالت، جو و فضای حاصله پس از طی مراحل

خودیابی تا خودسازی است.

۱. بقره/۲۸۵

۲. مفردات راغب، ص ۹۱-۹۰

۳. روان‌شناسی اجتماعی، ص ۱۴۲



نیروی ایمان حالت و جوی اکتسابی است، ابتدا در وجود انسان شروع می‌شود، بسته شده و به حد اعلامی خود می‌رسد که در این حالت برای انسان کارآمد بوده و منشأ اعمال و رفتار می‌گردد.

* شاکله ایمان نسبت به چیزی پس از ایجاد شاکله نگرش و عقیده نسبت به آن چیز حاصل می‌شود. اگر این عامل و اصل حیاتی در فرد بوجود آید، هنگام عمل، از وی رفتار، افکار و گفتار هنجار و مطلوب دیده خواهد شد. احساس حالت ایمان باید در فرد شروع شده، به جریان درآمده، افزایش یافته و نهایتاً به حد اعلا رسیده و شکل‌یابی گردد.

* اگر ایمان در فرد حضور یافته، به حد کارآیی رسیده و شاکله آن بوجود آید، آنگاه نیروی عظیمی در فرد حاصل می‌شود که آن، عامل و علت اعمال بوده، او را در همه حال، اداره می‌کند.^۱

۳-۲-۲. شکل‌یابی ایمان و تعلیم و تربیت فراگیر

شکل‌یابی ایمان یک اصل بسیار مهم در اجراء و تحقق تعلیم و تربیت هر انسان است. در حقیقت، وسیله و ابزار، راه و روش رسیدن به هدف تعلیم و تربیت، ایمان است. بدون این وسیله و ابزار، فعل تعلیم و تربیت انجام نمی‌شود.

بسیاری از امر و نهی‌های والدین و مربیان تربیت محسوب نمی‌شود. با شکل‌گیری ایمان دیگر لزومی به امر و نهی نخواهد بود. چرا که اعمال فراگیر فی نفسه، بطور صحیح انجام خواهند شد.

۱. یک کودک دو ساله به راحتی قلمی را جابه‌جا می‌کند اما برای بلند کردن یک میز نیروی کافی در وی وجود ندارد. به تدریج با بزرگ‌تر شدن کودک، نیروها در وی جمع شده، عظیم می‌گردد و سپس به حد کارآیی می‌رسد. در این حالت نیروها شکل‌بندی شده، منشأ اعمال و رفتار او خواهند بود. نیروی ایمان نیز حالت و جوی است اکتسابی، ابتدا در وجود انسان شروع می‌شود، بسته شده و به حد اعلامی خود می‌رسد که در این حالت برای انسان کارآمد بوده و منشأ اعمال و رفتار می‌گردد.

در این حالت (پس از شکل‌گیری ایمان)، نقش مربی به عنوان راهنما و نظارت خواهد بود، به گونه‌ای که مربی مراقب است در منشأ بوجود آمدن این نیروی عظیم (خودیبایی - خداشناسی) خلل و آسیبی وارد نشده، شاکله آن در حد مطلوب محفوظ بماند.

نیاز به ایمان و میزان کارآمد بودن نیروی ایمان در افراد مختلف، بنا به متفاوت بودن نیازها، خواسته‌ها و تمایلات انسانی و جایگاه وی در جامعه، متفاوت است بلکه فرد به نیروی درونی نیاز دارد که آن نیرو، عامل رفتار (نماز) شود و آن، همان حالت و جوئی است که ایمان نامیده می‌شود و با شکل‌گیری آن، رفتارها، تربیتی می‌شوند.

ایمان مظلوم است و ظرف آن دل، درون یا قلب است. با ثابت شدن و واردنشدن خلل در آن، ایمان از کارآیی برخوردار می‌شود و در مقابل محرمات و واجبات به صحنه می‌آید و این در صورتی است که شاکله آن در انسان وجود داشته باشد.

تقوا حالت رشد یافته ایمان است. وقتی ایمان عظیم و کارآمد شد، فراگیر به تقوا دست یافته و نهایتاً فردی که تقوا را پیشه خود سازد به تقرب دست می‌یابد. مقام قرب یعنی این که مبنای رفتارهای انسان رضای حق باشد و در راستای رضای الهی حرکت نماید. نتیجه مهم این که تعلیم و تربیت یعنی ایجاد این وضعیت در فرد، و فراگیر به این حالت نمی‌رسد مگر آن که از خودیبایی شروع نماید.

۴-۳-۲. نشانه حصول یا تکمیل ایمان

۱. احساس نورانیت درونی و صفای باطن و روحیه نشاط و طلب برای ذکر او، (از یاد خداوند احساس خاصی در فرد به وجود آید) که اینها نیت صادق و خالص را سبب می‌شوند.

۲. نحوه عمل نشان‌دهنده حضور ایمان است. زبان، چشم و اندامها، عرصه و جولانگاه ایمان است.

قال علی رضی الله عنه: الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ^۱.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷.

ایمان معرفت با قلب (عقل) و اقرار به زبان و عمل به ارکان (دین) است.

در واقع ایمان درختی است که ریشه آن شناخت خدا و پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان دین و معاد است و به دنبال آن بر زبان ظهور پیدا می‌کند و ثمره این شجره طیبه انجام وظایف الهی است، بنابراین کسانی که در انجام وظایف کوتاهی می‌کنند ایمانشان ناقص است و از دو حال خارج نیست یا گرفتار ضعف ایمانند و یا هوا و هوس چنان بر آنها غالب شده که از تجلی ایمان در عمل پیش‌گیری می‌کند.

با توجه به آیات قرآن (انفال / ۴-۲) ایمان کامل علاوه بر اعتقاد قلبی و عمل به ارکان مسائل دیگری را نیز شامل می‌شود؛ از جمله این‌که هنگامی که نام خدا برده می‌شود دل لرزان گردد و احساس مسئولیت کند و هنگامی که آیات قرآن بر او خوانده شود ایمانش رشد یابد.^۱

۳. به وجود آمدن آمدن تقوا. حالت در حال رشد و تعالی شاکله ایمان، تقوا نام دارد و با این نیرو، فرد می‌تواند کلیه افکار، رفتار و گفتار خود را بر الگوی صحیح تطبیق نموده، عمل نماید (برترین الگوها برای همه مسلمانان قرآن و عترت می‌باشند = آنگونه که باید باشد) او نه تنها از محرمات و سیئات و زشتی‌ها و ناپاکی‌ها دوری جسته و واجبات را به شکل مطلوبی انجام می‌دهد بلکه به مستحبات نیز توجه کرده و به مقام قرب الهی می‌رسد. یعنی قبل از هرگونه اقدام و عمل، رضای او را در نظر گرفته و در این راستا کوشش و تلاش کافی انجام می‌دهد.

۵-۳-۲. نقش دعا در تثبیت ایمان

در راستای تثبیت یا تقویت ایمان، می‌توان دعا را به عنوان یکی از راه‌های آن برشمرد، زیرا فرازهای دعا از طرفی انسان را به خودیابی واداشته و از طرفی نوعی خودشناسی به انسان داده و به موازات خودشناسی فرد را به سوی شناخت خالق سوق می‌دهد، حاصل این مجموعه آن است که در انسان نوعی رشد ایجاد شده، او را در مسیر خودسازی قرار می‌دهد.

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۷۳۴-۷۳۳

نکته‌ای که باید در نظر داشت آن که دعا مقدمه عمل است و خواندن ساعت‌های مداوم دعا، عملی محسوب نمی‌گردد. حاصل دعا این است که فرد با قرائت آن، رذایل اخلاقی را از خود دور نموده و تغییراتی در اعمال خود ایجاد نماید که همین مسأله، تفاوت انسان با سایر موجودات و انسان با انسان دیگر است و آنچه باعث تغییر در فرد می‌گردد، ساخته شدن است. یعنی دعا در چهارچوب ساخته شدن فرد وارد شده، وی را از موقعیتی که فرد قبل از دعا به آن تعلق داشت، به موقعیت مطلوب فعلی (بعد از دعا) و برخورد صحیح او با امیالش و ... وارد می‌نماید و این محصول، ساخته شدن است.

تداوم ارتباط انسان با خدا از طریق دعا (بعبارتی ماندن نیروی عظیم ایمان در وجود فرد و کاسته نشدن و جلا یافتن آن)، عامل واسطه‌ای است که انسان را دائماً در مدار تقویت ایمان قرار می‌دهد. فلسفه ماه مبارک رمضان نیز در راستای ایجاد، تقویت، افزایش و رساندن نیروی عظیم ایمان به حد اعلا و یا جلادادن آن است. جشن عید فطر، به خاطر ایجاد شرایطی است که قبلاً وجود نداشته، به خاطر افزایش یافتن یا تقویت و شفاف نمودن آن است.

پس از ماه مبارک رمضان، ایمان به میزانی که تقویت یافته است، در مقابل انجام واجبات و ترک محرمات فرد را مدد می‌رساند. برای عده‌ای این ایمان کارآیی لازم را نیافته و تنها مدتی اندک پس از ماه مبارک رمضان، او را اداره می‌نماید و برای گروهی تا رمضان آینده، این نیروی عظیم، از کارآیی کافی برخوردار می‌شود.

در مجموع ماه رمضان، ماه آزمایش، اصلاح، افزایش یا تکمیل ایمان‌دارها و ایجاد ایمان برای کسانی است که فاقد آنند و عید فطر که پس از یکماه می‌آید، جشن مهمی است، جشن پیروزی آن آزمایش، اصلاح، افزایش، تکمیل و یا ایجاد است.

عامل دیگری که ایمان انسان را بقاء بخشیده و آن را ایجاد و یا تقویت می‌نماید، نماز است. می‌توان گفت ماه رمضان بیشتر باعث تقویت میناها و فریضه نماز باعث حفظ میناهای تقویت شده می‌شوند.

۶-۳-۲-۲. آیات تشکیل ایمان: ۱

— إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

— يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ ... ۳

— قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۴

— فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۵

— يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ... ۶

— أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۷

— وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۸ و آیات فراوان دیگر.

۷-۳-۲-۲. رفتارهای تربیت شده بر اثر ایمان: ۱

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ۱ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا ۱۱ - وَ أَحْسِنِ

كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۱۲ - وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۱۳ - عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا

۱. آیہ دیگر؛ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ ... (مؤمنون/۱)

۲. انفال/ ۴-۲

۳. نساء/ ۱۳۶

۴. شمس/ ۹

۵. زمر/ ۲۲

۶. مائدہ/ ۱۰۵

۷. رعد/ ۲۸

۸. آل عمران/ ۱۲۲

۹. آیہ دیگر؛ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران/۱۳۴)

۱۰. اعراف/ ۱۹۹

۱۱. آل عمران/ ۱۳۰

۱۲. قصص/ ۷۷

۱۳. آل عمران/ ۱۵۹

خَاطِبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۱ - اِغْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَى^۲ - فَاصْلِحُوا بَيْنَ اَخْوِيكُمْ^۳

۴-۲-۲. روش تشکیل اخلاق حسنه

۴-۲-۴-۱. مفهوم‌شناسی اخلاق

پیامبر اکرم ﷺ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۴

«من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

یکی از روش‌های مهم تعلیم و تربیت تشکیل اخلاق حسنه می‌باشد.

اخلاق، شاکله‌ای از خصلت‌ها و صفات درونی است که منشأ رفتارهاست و بر دو نوع اخلاق

صفتی و اخلاق رفتاری^۵ است و شاکله‌های اخلاق، عبارتند از اخلاق حسنه و اخلاق سیئه.

هماهنگونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر ﷺ، تزکیه نفوس و تربیت

انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه بوده است. قرآن اهمیت زیادی برای پرورش اخلاق و تزکیه

نفوس قائل است گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری

و نجات را در آن می‌شمرد.^۶

در قرآن کریم تزکیه اخلاق، مقدم بر نماز و یاد خدا ذکر شده، که اگر تزکیه نفس و پاکی دل

و صفای روح، در پرتو فضائل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا به جایی می‌رسد و نه نماز روحانیتی به

بار می‌آورد.^۷

در مجموع، قرآن، اهتمام فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس بعنوان یک مسأله

۱. فرقان/۶۳

۲. مائده/۸

۳. حجرات/۱۰

۴. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۱۶

۵. اخلاق بر دو گونه است: ۱- اخلاق صفتی ۲- اخلاق رفتاری. اخلاق صفتی مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. اخلاق

رفتاری، اعمال و رفتاری است که از خلقیات درونی فرد سرچشمه می‌گیرد.

۶. برخی آیات مربوط به این مطلب عبارتند از: سوره جمعه/۲، آل عمران/۱۶۴، بقره/۱۲۹ و ۱۵۱، شمس/۹ و ۱۰ و لقمان/۱۲

۷. سوره اعلیٰ/۱۴ و ۱۵ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى)

اساسی و زیربنایی دارد چرا که برنامه‌های دیگر از آن نشأت می‌گیرد و به تعبیر دیگر بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.^۱

۲-۴-۲. شکل‌یابی اخلاق حسنه در تعلیم و تربیت فراگیر

الف) مربی لازم است زمینه‌ای را فراهم آورده تا با تهذیب نفس در افراد، شاکله اخلاق حسنه ایجاد گردد، وی با مراجعه به علم اخلاق و جاری‌شدن مفاهیم این علم مهم بر خود، می‌تواند برای فراگیر تشکیل اخلاق حسنه بدهد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَمْ تَلْعَلُوا^۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!»

ب) تأثیر اخلاق در رفتار انسان، چیزی نیست که بر کسی مخفی باشد، چرا که از طرفی بسیاری از رفتارهای آدمی از صفات درونی او سرچشمه می‌گیرد (مانند فرد متکبر که تکبر در درون قلب او لانه کرده و روح و فکر او را به رنگ خود درآورده است، لذا راه‌رفتن، سخن‌گفتن، نشست و برخاست آنها همه رنگ تکبر دارند) و از سوی دیگر، تکرار یک رفتار نیز می‌تواند در شکل‌گیری اخلاق اثر بگذارد و تکرار یک رفتار (خوب یا بد) تدریجاً تبدیل به یک حالت درونی می‌شود.

لذا برای اصلاح جامعه و رفتارهای مردم (فراگیران) باید به اصلاح ریشه‌های اخلاقی رفتارها پرداخت، به همین دلیل بیشترین کوشش‌های انبیای الهی و مصلحان، مصروف این امر شده است که با تربیت صحیح، فضایل اخلاقی را در فرد فرد جامعه پرورش دهند.

وجود فضائل اخلاقی در انسان، سبب بالارفتن سطح علم و دانش اوست چرا که انسان وقتی می‌تواند به حقیقت علم برسد که از لجاجت، کبر، خودپرستی و تعصب کورکورانه که سد راه پیشرفت‌های علمی است، خالی باشد.

۱. اخلاق در قرآن، ج ۱، آیت‌الله مکارم شیرازی: مطالعه عمیق این کتاب برای کلیه مربیان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان کشور برای تربیت‌نمودن، از واجبات است. برای تشکیل، شاکله اخلاق حسنه از این کتاب می‌توان استفاده کرد.

ج) ملکات درونی، منشأ رفتار و اعمال هستند و فرد در این مرحله، به وسیله تمرین، صفتی را در خود به صورت ملکه درآورده، سپس بدون نیاز به تفکر و اندیشه، رفتارها از وی سرمی‌زند.

نمودار تشکیل اخلاق حسنه

انتخاب و تعیین صفت ← تکرار ← شکل‌گیری = ملکه ← انجام و ارتکاب عمل
 مربی لازم است پس از تشکیل دادن نگرش فرد، عقیده وی را شکل داده و سپس مجموعه اخلاق حسنه را در وی ایجاد نماید. پس از انجام این مراحل رفتارهایی که از فرد سرمی‌زند رفتارهای تربیت شده بوده و جنبه عبادت خواهند داشت. مانند آیه ذیل:

الَّذِينَ يُتَّقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۱

«کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از (خطای) مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

که در آن، تشکیل اخلاق حسنه قید شده و می‌توان گفت محسنین کسانی هستند که با تشکیل اخلاق حسنه به این مقام رسیده‌اند. (قابل توجه اینکه واژه محسن و مشتقات آن در آیات مختلف قرآن کریم ۳۸ بار تکرار شده است.)

۳-۴-۲. نقشه‌های استعمارگران

اگر استعمار، قرآن را بگیرد (یعنی قرآن درک نشود تا محور گردد، و فقط ظاهر آن باشد مثل کسانی که تفسیر قرآن را ممنوع می‌دانند) عقیده، ایمان و اخلاق را هم گرفته است.

استعمارگران فقط کافی است بر ۳ محور فوق مسلط شوند تا بر آن کشور و منابع آن سلطه یابند: در محور اول (عقیده) با تسلط بر: مراکز حساس از قبیل دانشگاه، مطبوعات، فرهنگ‌سازان، اساتید و معلمان و ... سپس جناح‌بندیهای سیاسی.

در محور دوم (ایمان) با دین‌سازی (وهابیت - بهائیت) یا تقویت شبه‌دین‌ها

(تصوف = ایستابودن)، یا ایجاد شبہہ در متون اصلی دین (قرآن اعتبار ندارد، تقلید یعنی چہ؟) و یا ایجاد اختلاف بین جناح‌های مذہبی.

در محور سوم (اخلاق) با ایجاد و ترویج مفسد اجتماعی و تحریک شہوات.

۵-۲-۲. روش «ایجاد هدف»

۱-۵-۲-۲. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر

در مدار تعلیم و تربیت جامعہ، یکی از مهمترین وظایف رہبران، مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران یک کشور ایجاد هدف است. بدون وجود هدف، فرد در زندگی خود سرگردان گشته و از شور و نشاط لازم برخوردار نخواهد بود و در مقابل، ایجاد هدف به فرد حرکت داده، باعث می‌شود ارزش‌ها برای وی مفہوم خود را پیدا نمایند.

* مسیر و جهت زندگی طولی را هدف تعیین می‌نماید. همچنین ایجاد هدف در فرد باعث سامان‌دادن به زیست عرضی، و احساس آرامش و ارزش می‌شود و در فرد روحیه تلاش و نشاط را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود فرد از زندگی خود احساس لذت کند. (با وجود مشکلات، سختی‌ها و نارسایی‌ها)

در حقیقت عدم وجود هدف در فرد نشانه‌ای است بر اینکه وی از دیدگاه و عقیدہ مطلوبی برخوردار نبوده و فاقد ارزش‌های والا در زندگی است و صرفاً به دنبال گذراندن عمر و امرار معاش و از این قبیل می‌باشد و در نتیجہ موضوعاتی از قبیل خودیابی، خودشناسی، خداشناسی و خودسازی برای او مفہومی نداشته و از ارزش و اهمیت لازم برخوردار نمی‌باشند، چرا کہ اصولاً این مفہیم برای او مطرح نمی‌باشند، لذا در زندگی سرگردان شده و به احساس پوچی رسیده، بہ حالت یکنواختی و سردی خاصی دچار می‌گردد.

۲-۵-۲. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

۱. توجه جدی به ایجاد هدف به عنوان یک اصل مهم تربیتی از سوی مربی.
۲. تبیین اهمیت، نقش و تأثیر وجود هدف و عواقب وخیم ناشی از فقدان آن در زندگی برای فراگیر توسط مربی و شناساندن جایگاه و کاربرد هدف به او به گونه‌ای که این موضوع را کاملاً ادراک نماید.
۳. تشخیص و ارائه اهداف متناسب با فرد از بین اهداف و دیدگاهها بگونه‌ای که اهداف، روشن و واضح، گویا، قابل وصول، ارزشمند و متعالی باشد.
۴. بیان اهداف ویژه فرد با شاخص نمودن آیات و احادیث برگزیده به عنوان محورهای زندگی برای وی (نحوه تعیین اهداف)
۵. ارتباط همیشگی با هدف با یادآوری و تبیین دائمی آن.
۶. ملاک قراردادن اهداف در زیست عرضی و یا تبدیل اهداف کلی و مرحله‌ای به اهداف رفتاری.

مثال: با حرکت فکر فراگیر و ایجاد زمینه مناسب، آیه **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**^۱ برای وی شاخص شده و فرد به عنوان محور زندگی آن را ادراک و پذیرش می‌نماید.

اهداف کلی اتخاذ شده از این آیه:

۱. آفرینش انسان هدفدار است. (من هدفمند هستم)
۲. هدف خلقت عبادت است. (تشکیل دیدگاه)

اهداف مرحله‌ای:

۱. رشد دادن و بالفعل نمودن استعدادها برای نیل به هدف خلقت.
۲. قبل از هر عملی خدا را در نظر می‌گیرم اگر او راضی است انجام می‌دهم. (تشکیل عقیده)

اهداف رفتاری:

۱. انتخاب حرفه مناسب به منظور درآمد حلال جهت امرار معاش. (طبق عقیده)
۲. انجام تحصیلات (رشته دانشگاهی متناسب با علاقه و استعداد فرد)
۳. انجام فعالیت‌های اجتماعی و تلاش فرد در جهت بهبود اوضاع محیط و اجتماع.
۴. مطالعه پیرامون موضوعات مشخص با هدف رشد فکری و... (مانند مطالعه نحوه تربیت فرزند توسط مادران)
۵. کسب مهارت‌های فردی در جهت استفاده بهینه از فرصت‌ها (مانند کسب مهارت‌های خیاطی، کامپیوتر، آشپزی، گلدوزی، مربی‌گری یا معلمی ... در دختران و کسب مهارت‌هایی نظیر نجاری، لوله‌کشی، مکانیکی، کامپیوتر و ... در پسران)
۶. تفکر در مفاهیم فرازهای نماز هنگام نمازخواندن
۷. گرفتن روزه واقعی و مواظبت از نگاه، زبان، گوش و ...

۶-۲-۲. روش ارزشگذاری

۱-۶-۲-۲. تعریف

ارزشگذاری یعنی انتخاب چیزی (راهی، فردی، عاملی) بر اساس ملاک‌ها و معیارها، یا انتخاب یک چیز بین دو یا چند چیز دیگر. مثال: کدام راه در زندگی انتخاب شود؟ کدام مشی سیاسی و یا جناح انتخاب شود؟ کدام نوع حجاب؟ و یا بین چند چیز درست و صحیح، کدام انتخاب شود؟ کدام خواستگار؟ کدام همسر؟ کدام شغل؟

۲-۶-۲-۲. ارزش‌شناسی

از آنجا که ارزش‌ها در زندگی افراد از جایگاه مهم و حساسی برخوردار است و شخصیت و هویت مطلوب را، ارزش‌های والا می‌سازند، برای هر فرد در زیست طولی و عرضی اصل ارزش‌شناسی و ارزشگذاری به طور دائم مطرح بوده، نقش مهمی را ایفا می‌نماید و آنچه که به

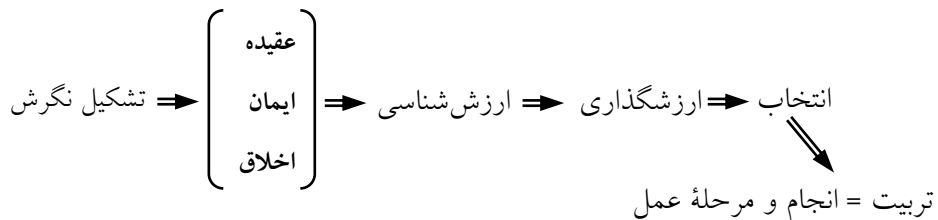
ارزشگذاری منتهی می‌گردد، ارزش‌شناسی است.

به عنوان مثال انتخاب تماشای تلویزیون و موکول نمودن نماز به بعد از آن، که در این صورت فرد در ارزشگذاری و انتخاب عمل، برای نماز ارزش پایین‌تری را قائل است، لذا تا فرد ارزش‌ها را نشناسد یا به مرحله ارزشگذاری نمی‌رسد و یا فاقد ارزش‌های والا خواهد شد.

منشأ ارزشگذاری و ارزش‌شناسی تشکیل نگرش بوده، هر دو از تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه بدست می‌آیند و این چهار محور، فرد را در شناخت ارزش‌ها، ارزشگذاری، انتخاب و عمل کمک می‌نمایند.

* ملاک و زیربنای کلی ارزش‌شناسی و ارزش‌ها، تشکیل نگرش می‌باشد.

زمانی ارزشگذاری به صورت مشخص و بر مبنا و اصول واقع گشته و با ارزش می‌شود و همچنین هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که دیدگاه فرد تشکیل شده، عقیده شکل پیدا کرده، در فرد شاکله ایمان بوجود آمده، در مدار کسب اخلاق حسنه نیز واقع شده باشد. بنابراین وظیفه مری آن است که بدون هیچگونه دخالتی در انتخاب‌های فرد (مثلاً توصیه نمودن به انجام نماز در اول وقت و پس از آن پرداختن به تماشای تلویزیون و ...) به ایجاد این شاکله‌های مناسب یادشده در فرد اقدام نماید تا فرد بر اساس این شاکله‌ها، ارزشگذاری نموده، بهترین رفتار را انتخاب نماید. مثلاً در بین دوستان خود ارزش قائل شده، ارزشگذاری کرده، دست به انتخاب بزند و با دوستانی که اهل رفتارهای ناپسند مانند کشیدن سیگار و... هستند بر اساس ملاک‌های صحیح خود قطع ارتباط نماید.



۳-۶-۲. ارزشگذاری و تعلیم و تربیت فراگیر

۱. ضروری است مربی در تعلیم و تربیت فراگیر، وی را ابتدا به ارزش‌شناسی رسانده و سپس به مرحله ارزشگذاری برساند، چرا که تبلور و نمود تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه و مهمتر اینکه نوع آنها (نوع تشکیل عقیده، نوع تشکیل اخلاق حسنه و نوع تشکیل ایمان) در ارزشگذاری مشخص می‌گردد.

۲. لازم است مربی شاکله ارزشگذاری را در فرد بدین صورت بوجود آورد که فراگیر به طور آگاهانه، عادت کند قبل از ارتکاب هرگونه رفتار، ابتدا دیدگاه، عقیده، ایمان و اخلاق حسنه را دخالت داده و بر مبنای آنها رفتارهای خویش را تنظیم نماید و نه بر اساس آنچه که خود می‌خواهد (سلیقه و ذائقه = هوای نفس) و یا دیگران می‌خواهند (محیط اطرافیان، عوامل بیگانه و ...)

* مفهوم ارزش‌ها در بخش تشکیل نگرش برای فرد، درونی، عینی و مشخص می‌شود (ارزش‌شناسی) و سپس در ارزشگذاری تبلور پیدا کرده و انتخاب می‌گردند. (دقت شود)

۴-۶-۲. ارزشگذاری و ارزش‌شناسی در قرآن

در بسیاری از آیات قرآن بطور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع ارزشگذاری و ارزش‌شناسی تصریح شده و با واژه‌ها و مفاهیم مختلفی به آن پرداخته شده است:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۱ «ارزشگذاری و انتخاب یکی از دو راه.»

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^۲ «و بگو (به آنان) که حق از سوی

پروردگارتان برای شما ارائه شده هر کس خواست ایمان بیاورد و هر کس خواست انکار ورزد.»

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَأَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۳ «کسانی که ایمان را دادند و

کفر را خریداری کردند هرگز به خدا زیانی نمی‌رسانند و برای آنها مجازات دردناکی است.»

۱. دهر/۴

۲. کفف/۲۹

۳. آل عمران/۱۷۷

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

«بگو: ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد ...»

... فَاسْتَحْبُوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ...^۲ «... آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند...»

... مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...^۳ ... بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی

خواهان آخرت ...

• قرآن گاهی، با واژه‌هایی چون عزّت به این موضوع پرداخته است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۴ «کسی که خواهان عزت و توانایی است (باید از خدا

بخواهد؛ چرا که) تمام عزّت و توانایی برای خداست؛»

... أَيَّتُّنَّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا^۵ «آیا عزّت و سربلندی را نزد

آنان می‌جویند با این که همه عزت‌ها از آن خداست؟!»

... إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...^۶ «تمام عزّت (و قدرت)، از آن خداست؛»

... وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...^۷ «... عزت مخصوص خدا و پیامبر او و

مؤمنان است؛ ...»

۱. یونس/۱۰۸

۲. فصلت/۱۷

۳. آل عمران/۱۵۲

۴. فاطر/۱۰

۵. نساء/۱۳۹

۶. یونس/۶۵

۷. منافقون/۸

۵-۶-۲-۲. دست یافته گان به ارزش ها

قرآن افراد مختلفی را بعنوان دست یافته گان به ارزش ها معرفی می کند:

... وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٥﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً... ﴿١٦﴾^۱ «و

(خداوند) مجاهدین را بر کسانی که از جهاد خودداری کرده اند، با پاداش مهمی برتری بخشیده است. درجات (والا) و آمرزش و رحمت از ناحیه خود (نصیب آنان می کند)؛ ...»

... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى اللَّهَ... ﴿١٧﴾^۲ ... گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ ...

... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ... ﴿١٨﴾^۳ «... خداوند کسانی از شما را

که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات عظیمی می بخشد؛ ...»

وَالَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾^۴ «و آنها که به کتاب

(خدا) تمسک جویند، و نماز را بپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.»

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ﴿٢٠﴾^۵ وَحَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا ﴿٢١﴾

«و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهند بود که

خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها همنشین

خوبی هستند.»

۱. نساء/ ۹۵ و ۹۶

۲. حجرات/ ۱۳

۳. مجادله/ ۱۱

۴. اعراف/ ۷

۵. نساء/ ۶۹

۶-۲-۲-۲. ارزشگذاری در نماز

ایک نعبد: ارزش دانستن خداوند و انتخاب او از میان تمامی معبودها.

ایک نستعین: انتخاب او از میان یاورها و معین‌ها

اهدنا الصراط المستقیم: درخواست هدایت به سمت بهترین راه از میان راهها.

شهدان لا اله الا الله نفی تمامی اله‌هایی است که برای انسان متصور می‌شود به جز خداوند. (اله

درونی، اله مادی، اله فکری و ...) این اقرار و ارزشگذاری نفی تمامی اله‌ها و شرط مسلمانی است،

سعادت و فلاح نیز در نفی اله‌هاست. قولوا لا اله الا الله تفلحوا.

۷-۲-۲. روش محبت نمودن

انسان در هر سن و موقعیتی که باشد نیاز به محبت یکی از احتیاجات اساسی او می‌اشد. محبت در

ایجاد تعادل درونی و تثبیت شخصیت افراد نقش تعیین کننده ایفا می‌نماید. عدم تأمین محبت باعث

برهم خوردن تعادل درونی، آشفتگی‌های روحی - روانی، بیقراری، بیماری‌های عصبی، عدم سازش

اجتماعی، عدم توان برقراری ارتباط با محیط و عوارض مختلف دیگری می‌شود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان که او را از دیگر جانداران متمایز می‌سازد، موضوع محبت و

عشق و علاقه می‌باشد. در جانداران به جز انسان اگر دلبستگی و وابستگی بین دو موجود مشاهده

می‌شود به صورت غریزی و برای مدتی مشخص می‌باشد مانند علاقه به فرزند که در انسان‌ها به طور

متکامل و دائمی و اثرگذار بوده ولی در جانداران دیگر به صورت غریزه و پس از مدتی تأثیر خود را از

دست می‌دهد. در بین انسان‌ها محبت و عاطفه گاه به قدری شدید است که خود را ممکن است، فدا

کنند و هم‌چنین پس از مرگ نیز پیوند عاطفی در انسان ممکن است، تداوم یابد.

در فقدان یکی از بستگان تا مدت‌ها و سال‌ها و تا پایان عمر این احساس تداوم داشته و

احساس پیوستگی و دلبستگی محبت همچنان باقی است.

«محبت نیاز اساسی و طبیعی انسان است. یکی از عللی که آدمی را از تنهایی گریزان و در

جمع سرخوش می‌سازد، این است که در تنهایی محبت جایی ندارد و تمایلات آدمی در آن برآورده و ارضا نمی‌شود.

محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح و عدم آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. کمبود محبت مشکلاتی را پدید می‌آورد که نه تنها زیانبخش است، بلکه زمینه را برای آشفتگی‌های اجتماعی فراهم می‌سازد.^۱

۱-۷-۲-۲. نکات کاربردی روش محبت

۱. محبت لازم است ابراز شود. در جریان تربیت، خواه در برانگیختن بر انجام پاره‌ای از اعمال یا بر ترک پاره‌ای از آن‌ها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت‌آمیز بهره جست. این بهره‌وری به دو گونه میسر است: یکی با بذل محبت و دیگری با حرمان آن.

ابراز محبت مرتبی به دل بستگی متربی جهت و سمت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مرتبی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت. به زبان آوردن مهر، مایه‌ی تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه‌ی تأثیرگذاری مرتبی و متربی است. از این رو در توصیه‌های اسلامی، بر به زبان آوردن مهر تأکید شده است. مرتبی با بیان محبت پیشی جوینده‌ی خویش نسبت به متربی، او را دل بسته‌ی خویش می‌گرداند. این دل بستگی، بسیار قدرتمند و کارساز است و می‌توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب دوش گرفتن تکالیف ساخت. خداوند خود در موضع تربیت، این شیوه را به کار بسته است. نمونه‌ای از این گونه اظهار محبت را درباره‌ی حضرت موسی علیه السلام ملاحظه می‌کنیم:

وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي^۲ و من محبت خویش را شامل حال تو کردم تا تحت

۱. شکوهی‌یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)، ص ۱۱۸.

نظر من ساخته شوی.

ائمه اطهار علیهم السلام نیز در برانگیختن شاگردان خود برای تن دادن به تکالیف و کسب خصایل مطلوب تربیتی، از قدرت دلبستگی بهره جسته‌اند و خشنودی و سرور خویش را در گرو تلاش آنان برای اصلاح خود قرار داده‌اند.

بیان قهر نیز همچون مهر قدرتمند است، زیرا قهر، منع مهر است و اگر مهر نافذ باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. *والانسان حریص علی ما منع*. به زبان آوردن قهر و ابراز بی‌مهری، ترس از حرمان را در مخاطب (مخاطبی که دلبسته است) دامن می‌زند و همین ترس، عامل بازدارنده‌ی نیرومندی است که *تخطی* را مهار می‌زند. نباید از این نیرومندی و تعیین‌کنندگی غافل شد و به روش‌هایی چون زجر و تنبیه روی آورد؛ چه، این شیوه‌ها از حیث تأثیر بسی فروترند.^۱

۲. نسبت به مخاطب متناسب با او ابراز شود. انواع محبت: محبت بین والدین و فرزند، محبت بین همسران، محبت بین بستگان و ارحام (خواهر، برادر، پدربزرگ، مادربزرگ، عمو، عمه، خاله، دایی و...)، محبت بین دو دوست، محبت نسبت به افراد جامعه اعم از مؤمن و کافر و...، محبت بین مربی و فراگیر

۳. محبت همگانی باشد. یعنی به کودک و نوجوان، جوان و بزرگسال اعم از آشنا یا غریبه یا دیگر افراد محیط.

۴. در تعامل با کلیه افراد در همان تماس اولیه با لحن عاطفی، گرم و صمیمی برخورد شود.

۵. محبت مشروط نباشد. در قبال محبتی که می‌شود توقع و انتظاری مطرح نباشد.

۶. میزان محبت متناسب با نیاز، سن، جنس و موقعیت فرد باشد.

۷. عدم افراط و تفریط محبت نسبت به مخاطب

۸. رعایت عدالت در محبت در محیط یا کلاس

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۲۳۳ - ۲۲۹.

۹. خالصانه باشد. محبت ساختگی و تصنعی ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق مربی به دو شیوه این روش را به کار می‌بندد:
 الف) با تکک فراگیران ارتباط عاطفی برقرار نماید و با آنها با محبت برخورد نموده و ارتباط دوستی برقرار نماید.
 ب) فضای عمومی کلاس یا جلسه را با حالت و جو عاطفی تنظیم و اداره نماید.

۲-۲-۷-۲. محبت در قرآن و روایات

در معارف اسلامی مسائل عاطفی با واژه‌های محبت (حب)، مودت (وَد)، رحمت و میل ذکر گردیده است.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ

بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند، برای خود انتخاب می‌کنند، و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند، اما آنها که ایمان دارند عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است، و آنها که ستم کردند (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب خدا را مشاهده کنند خواهند دانست که تمام قدرت به دست خدا است، و او دارای مجازات شدید است (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند).

...وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...^۲ و در میانتان محبت و رحمت قرار داد

...وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا...^۳ و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده.

گرچه بعضی از مفسران مفهوم این جمله را محدود به کسانی کرده‌اند که بعد از پیروزی اسلام

۱. بقره/ ۱۶۵

۲. روم/ ۲۱

۳. حشر/ ۱۰

و فتح مکه به مسلمانان پیوستند، ولی هیچ دلیلی بر این محدودیت نیست، بلکه تمام مسلمین را تا دامنه قیامت شامل می‌شود، و به فرض که آیه ناظر به آن گروه خاص باشد از نظر ملاک و معیار و نتیجه عمومیت دارد، و به این ترتیب آیات ۱۰-۸ سوره حشر تمام مسلمین عالم را که در سه عنوان "مهاجرین" و "انصار" و "تابعین" خلاصه می‌شوند شامل می‌گردد.

یکی از اوصافی که در این آیه برای تابعین ذکر شده اینکه آنها می‌کوشند هر گونه کینه و دشمنی و حسد را از درون دل خود بیرون بریزند، و از خداوند رثوف و رحیم در این راه یاری می‌طلبند، و به این ترتیب "خودسازی" و "احترام به پیشگامان در ایمان" و "دوری از کینه و حسد" از ویژگیهای آنها است. "غل" (بر وزن سل) در اصل به معنی نفوذ مخفیانه چیزی است، و لذا به آب جاری در میان درختان "غلل" می‌گویند، و از آنجا که حسد و عداوت و دشمنی به طرز مرموزی در قلب انسان نفوذ می‌کند به آن "غل" گفته شده، بنا بر این "غل" تنها به معنی "حسد" نیست بلکه مفهوم وسیعی دارد که بسیاری از صفات مخفی و زشت اخلاقی را شامل می‌شود.

تعبیر به "اخوان" (برادران) و استمداد از خداوند رثوف و رحیم در پایان آیه همه حاکی از روح محبت و صفا و برادری است که بر کل جامعه اسلامی باید حاکم باشد و هر کس هر نیکی را می‌خواهد تنها برای خود نخواهد، بلکه تلاشها و تقاضاها همه به صورت جمعی و برای جمع انجام گیرد، و هر گونه کینه و عداوت و دشمنی و بخل و حرص و حسد از سینه‌ها شسته شود و این است یک جامعه اسلامی راستین.^۱

این آیه در حقیقت به جنبه سلبی روابط عاطفی می‌پردازد.

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...^۲ خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتَبُّ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا.^۳

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، صص ۵۲۳ - ۵۲۲.

۲. مائده / ۵۴.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۶۹۹.

امام جعفر صادق علیه السلام: «چون مردی را دوست داری، او را به این خبر ده؛ زیرا که آن، بیشتر دوستی را ثابت می‌دارد».

۸-۲-۲. روش «ایجاد جو حُسن و قبح»

جو «حسن و قبح» از مسائل مهم در تعلیم و تربیت فراگیر می‌باشد و آن فضایی است (بین مدرس و فراگیر - فراگیران با هم - والدین و فرزند - بین همسران در کل فضای آموزشی) که در آن خوبی‌ها، پاکی‌ها، مطلوب‌ها، هنجارها، و... زیبا و حُسن شمرده شده و در مقابل بدی‌ها، پلیدی‌ها، نامطلوب‌ها، ناهنجارها، گناهان و... زشت و قبیح تلقی می‌گردند و در صورت ایجاد این فضا فراگیر از درون، ملزم می‌شود، از اعمال و گفتاری که صحیح و جایز نیست و خلاف عقل، ادب و نزاکت بوده، قبیح و زشت شمرده می‌شوند، خودداری کند و در مقابل، به اعمالی که خوب و زیبا و مثبت می‌باشند گرایش می‌یابد.

زشت و زیبا با عقل معنا می‌یابند. فضای حسن و قبح، بسان مظلوفی است برای عقل انسان. قوای عقل در مدار تعلیم و تربیت باید به چیزی به نام حسن و قبح تبدیل شود. انواع جو حُسن و قبح عبارتند از: الف) انسان با خود ب) انسان با محیط (خانواده، همسر، دوستان، بستگان، محیط کار و محیط‌های اجتماعی دیگر) ج) انسان با خداوند (ارتکاب انواع گناهان؛ معمولاً؛ هنگامی است که این جو یا وجود ندارد و یا ضعیف و کم‌رنگ می‌باشد).

۹-۲-۲. روش «ایجاد شرایط و محیط»

۱-۹-۲-۲. مفهوم‌شناسی

به جو و فضایی که بر فراگیر حاکم شده و او باید در آن تربیت شود، شرایط و محیط تربیتی گفته می‌شود. معمولاً، رفتار، افکار و حالات هر فرد تابع شرایط و محیطی است که در آن قرار دارد. فضا و شرایط فراگیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود آمادگی پذیرش برنامه تربیتی را پیدا نموده، روند تعلیم و تربیت به راحتی به جریان افتاده در نتیجه از رفتارهای تربیتی مطلوبی

برخوردار می‌گردد و از ناهنجاری‌های رفتاری، بطور جدی جلوگیری می‌نماید. به گونه‌ای که فراگیر بر خود مسلط شده، خویش را کنترل نموده، و در عمل مراعات می‌نماید و مراقب اعمال خویش می‌باشد. انتخاب و تنظیم شرایط و محیط مطلوب در شکل‌دهی (برای مربی و دیگر عوامل تربیتی) و شکل‌پذیری حالات و رفتارها (برای فراگیر) نقش تعیین‌کننده دارد. لذا باید فضا و شرایط تعلیم و تربیت بطور مناسب و مطلوب بر عوامل تربیتی و فراگیر حاکم باشد. فضای مناسب مانند بستری است که گیاه برای رشد به آن احتیاج دارد و در حقیقت تربیت افراد بدون وجود جو و فضا ممکن نیست. (منظور از فضا، فضای بین فراگیر و مربی است)

۲-۹-۲-۲. انواع شرایط و محیط

۱- شرایط فکری یا درونی ۲- شرایط محیطی یا بیرونی

«اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحَسَنِ حَالِكْ» «یا مقلب القلوب والابصار... یا محول الحول والاحوال» درخواست

تغییر شرایط درونی از خداوند

ابتدا لازم است شرایط فکری مطلوبی را بطور مناسب ایجاد نمود تا بتوان فراگیر را در مدار

تعلیم و تربیت قرار داد.

تغییر شرایط درونی و فکری، بستری است برای تشکیل نگرش و ایجاد تفکر صحیح. در

حقیقت خودفراموشی نوعی شرایط فکری نامناسب درونی است که با تغییر این شرایط، تربیت فرد

حاصل می‌شود.

لازمه ایجاد شرایط فکری تشکیل نگرش و محصول آن، تفکر صحیح است. محیط سالم بر

فرد اثر مطلوب می‌گذارد و انجام تربیت را ممکن می‌گرداند. در غیر این صورت محیط ناسالم

بر فرد اثرات سوئی خواهد داشت. شرایط محیطی و بیرونی، در خانواده با توافق و تنظیم والدین

ایجاد می‌شود و در مدرسه و گروه همسالان نیز این شرایط لازم است به صورت مطلوب حاکم

شود تا با ایجاد آن برنامه تربیتی اجرا شده، به جریان افتد.

۳-۹-۲-۲. عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب

۱ - جو عاطفی ۲ - جو حسن و قبح

امام: رضا رضی اللہ عنہ: **اَلشَّوْكَ دَالِي النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ**^۱

«محبت با مردم نیمی از خرد است.»

این سخن از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.

ارتباط قلبی و عاطفی ایجاد کننده جو عاطفی بوده و شرایط مناسب عقلی و فکری و ارتباط فکری نیز، باعث ایجاد جو حسن و قبح می شوند. همانگونه که قبلاً بیان شد، جو حسن و قبح، فضایی است که در آن، خوبی‌ها، پاکی‌ها، مطلوب‌ها، هنجارها و... زیبا و حسن شمرده شده و در مقابل، بدی‌ها، پلیدی‌ها، نامطلوب‌ها، ناهنجارها، گناهان و... زشت و قبیح تلقی می گردد. عدم وجود یکی از این دو جو، که باید بین مربی و فراگیر، برقرار باشند باعث ناکارآمد شدن امر تعلیم و تربیت خواهد شد.

اگر جو حاکم بر خانواده‌ها فقط جو حسن و قبح باشد (بدون روابط عاطفی) زندگی کردن در این فضا برای فرزندان دشوار گشته و در نتیجه فرزندان به بیرون از محیط خانواده پناه می‌برند. مدرس (معلم، مربی، همسر، مادر) لازم است فراگیران را بین جو عاطفی و حسن و قبح قرار داده تا اهداف تربیتی تحقق یابند. این دو فضا هم شرایط و محیط را برای ساخت، رشد و تربیت به خوبی آماده می‌سازند و هم برای یادگیری، تدریس. لذا یکی از روش‌های تعلیم و تربیت، ایجاد این فضای مطلوب تربیتی است.

وجود این دو جو در بین اعضاء خانواده و بین همسران در سالم ماندن روابط بین والدین و فرزند، زن و مرد نقش اساسی داشته و خلل در آن باعث می‌شود فرزند و یا همسران درصدد تأمین نیازهای خود در خارج از محیط خانواده باشند. در کلاسی که از جو و فضای مطلوب

۱. تحف العقول، ص ۴۴۳

برخوردار باشد فراگیران صحبت‌های مربی را کاملاً پذیرا می‌شوند و در غیر آن هرگز حاضر به پذیرش وی نیستند. مثلاً دو مربی در دو فضای متفاوت به فراگیری موضوعی را متذکر می‌شوند، و وی سخن آن مربی را می‌پذیرد که در جو و فضای مطلوب اقدام به تربیت وی نموده است.

۴-۹-۲-۲. کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر

۱. مربی لازم است فضا و شرایط حاکم بر فرد را بشناسد.

بداند فراگیر در چه سنینی از رشد قرار دارد؛ نوع برنامه تربیتی، افراد تربیت کننده و فضای

ارتباطی خانواده وی را بشناسد؛ آیا در جو استبداد یا آزادگذارنده قرار دارد یا متعادل؟

جو عاطفی بر خانواده حاکم است یا جو خشک و بی‌روح و سرد یا جو بی تفاوت؟ از نوع ارتباط

اعضای خانواده با وی آشنا شود، دیدگاه، نوع عقیده و نحوه تفکرات او و خانواده‌اش را بشناسد.

در مجموع مربی لازم است کلیه عواملی را که اثر مطلوب یا نامطلوب بر فرد گذاشته یا عوامل

و افرادی را که بر دیدگاه و فکر وی مسلط شده و مورد پذیرش او هستند را بشناسد و سپس با

توجه به اطلاعات و شناخت حاصله، برنامه تربیتی و موضع تربیتی را اتخاذ نموده و جریان تعلیم

و تربیت را برای آن فرد به جریان اندازد.

۲. مربی لازم است فراگیر را از سن نوجوانی نسبت به شرایط و فضایی که در آن قرار دارد

آگاه سازد (به ادراک رسیدن)، تا خود شرایطی که بر خویش حاکم است را ادراک نماید. یعنی از

فرد یا افراد ذی‌نفوذ بر او، تأثیرپذیری وی از شرایط سنی، نوع فضای فکری، نوع روابطش با

اطرافیان و ... اطلاع یابد.

به عنوان مثال بدخلقی یک عضو خانواده را در نظر او مجسم و تشریح نموده تا او خود از

بدخلقی در خانواده دوری نماید. یا نسبت به مضرات سیگار در خانواده‌ای که پدر معتاد به آن

است، فرد را آگاه نماید. همچنین لازم است فرد یا افراد ذی‌نفوذ به وی شناسانده شوند ممکن

است یکی از اقوام فراگیر به آسانی بر او اثر بگذارد (مانند دایی، عمو، استاد، همسایه و یا حتی

یک فیلم و یا یک کتاب). این موارد را به وی تفهیم نماید تا فرد بدون بکارگیری قوه شناخت، خود را تماماً در اختیار آن فرد یا عامل قرار نداده و سریعاً تسلیم عقاید افراد ذی نفوذ نگردد.

۳. مربی لازم است فراگیر را به این نتیجه رساند قبل از آنکه به محیطی وارد شود، نسبت به آن محیط و تأثیر احتمالی آن بر خود شناخت کافی پیدا نماید و بداند آن محیط خاص، ممکن است چه تأثیراتی بر وی بگذارد و او با آن محیط چه برخوردی انجام دهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ بِمَجْلِسٍ يُعَصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ»^۱.

امام صادق علیه السلام: «برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند که در آن نافرمانی خداوند می‌شود و او نمی‌تواند مانع شود.»

مثال: از آنجا که بروز حالت‌های جدید در سن بلوغ در بین پسران و دختران ایجاد نگرانی و وحشت می‌نماید و به دنبال آن فرد را دچار نوعی عدم تعادل و ثبات درونی می‌نماید (مانع درونی)، مربی لازم است:

الف) تغییرات جسمی و روحی دوران بلوغ و نقش هورمون‌ها را برای وی تشریح نماید.

ب) تأثیر فضای دانشجویی و سخن استاد بر او و نو و جدید بودن جلوه‌های دانشگاه را برای او بازگو کند.

ج) حال و هوای سربازی و آسایشگاه و پُست و پادگان را برای او تشریح نماید.

د) مسائل ازدواج و پیامدهای آن و احساس جدیدی که به او دست می‌دهد را بیان نماید.

۴. مربی لازم است به زمینه‌سازی و سالم‌سازی محیط تربیتی (محیطی که فراگیر در آن تربیت می‌شود) اقدام نماید، گروهی را برای وی انتخاب، تا به عضویت آن درآید و نهایتاً شرایط فکری مطلوبی را بر فرد حاکم کند تا فرد در مدار تعلیم و تربیت قرار گیرد.

مثال: والدین و مربی لازم است از شرکت فراگیر در محیط‌های مبهم، مشکوک و ناسالم

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۱.

اجتماعی نظیر رفتن وی به جشن تولد و میهمانی‌های نامناسب و ... شدیداً جلوگیری نمایند و به بهانه این که صلۀ رحم امری است مؤکد و سفارش شده در اسلام، او را رها نمایند و از شرکت فرد در یک مجلس ناسالم ممانعت نموده، وی را از آثار سوء آن در امان بدارند. همچنین در مقابل برنامه‌های نامناسب تلویزیونی، محیطی سالم و آزاد ایجاد نمایند و برای برنامه نامناسب تلویزیون بهای چندانی قائل نشوند، بدین ترتیب که همزمان با پخش آن، برنامه‌ای جذابتر نظیر اردو، گردش، کوه و ... ترتیب داده، جایگزین نمایند.

۵. زمینه‌سازی شرایط و محیط تربیتی: جو و فضایی که فرد در آن قرار می‌گیرد عامل بسیار مهم و مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در ثمربخشی برنامه تربیتی بر فراگیر می‌باشد. وجود فضای تفاهم، دوستی، محبت، جو عاطفی و برادری و معنویت نقش بسیار مهمی را در انجام و وقوع تعلیم و تربیت بر عهده گرفته و تا حد زیادی آن را امکان‌پذیر می‌سازد مثلاً اگر در محیطی مانند خانواده یا کلاس یا جامعه، التهاب و تنش و اختلافات و ناامنی وجود داشته باشد امکان تربیت نمودن فراگیر ضعیف و مشکل و گاهی غیرممکن خواهد بود و در برخی مواقع نیز نتایج معکوسی به بار می‌آورد.

همانگونه که بیان شد فضا و شرایط مناسب در تشکیل هویت و شخصیت فرد نقش بسزایی دارد و در ابتدا لازم است زمینه‌سازی گردد یعنی شرایط را برای تربیت فرد مساعد نموده و عوامل مخل و بازدارنده را خنثی و دفع نمود، تا موانع برطرف گردیده و فضای مناسب فراهم آید؛ این فضا لازمه تعلیم و تربیت است لذا ضروری است علاوه بر ایجاد شرایطی که باعث بروز حالات و رفتارهای مطلوب می‌شود، از ایجاد شرایطی که در شکل‌دهی رفتار و حالات نامطلوب مؤثر است جلوگیری به عمل آورد (پیشگیری به منظور عدم بروز انواع رفتارهای نامطلوب). در فرهنگ قرآن برای زمینه‌سازی و این نوع پیشگیری واژه‌هایی از قبیل «و لاتقربوا» به کار رفته است مانند: «وَ

لا تَقْرَبُوا الْقَوَاحِشَ» نزدیک کارهای زشت نروید.

۶. تغییر در شرایط و موقعیت: گاهی اوقات مربی برای ایجاد تغییر و ساخت و تربیت فراگیر، بدون توجه به شرایط و فضا و محیط حاکم بر وی، تمام تلاش خود را بر رفتار وی معطوف داشته و او را با انواع اوامر و نواهی تربیتی مواجه می‌سازد ولی حاصل آنکه به نتیجه‌ای دست نیافته، و از اصلاح و تربیت وی مأیوس می‌گردد. بین والدین و فرزندان، مربی و فراگیر، بین دو همسر، بین مدیران و کارکنان، بین مجریان و برنامه‌ریزان و بین رهبران جامعه و مردم ممکن است این حالت روی دهد، در حالی که با تغییر در شرایط و محیط و موقعیت فراگیر به راحتی می‌توان اعمال، گفتار، طرز تفکر، ارزش‌ها و حتی مهم‌تر از آن دیدگاه و نگرش وی را تغییر داد، لذا مربی لازم است از تغییر موقعیت در شرایط زمانی و مکانی و تغییر در شرایط اجتماعی استفاده نماید.

فلسفه هجرت، سفرهای زیارتی، سفر حج، عتبات عالیات (کربلا و نجف اشرف) و مشهد مقدس، مسافرت‌های فصلی دور و نزدیک، تغییر محیط‌های شغلی، تغییر مدرسه، تغییر منزل، تغییرات در فضای منزل، تغییر دوستان و هم‌نشینان، تغییر برنامه روزانه، تغییر در ساعات خواب و بیداری و برنامه‌های چهل روزه برای خودسازی در علم اخلاق، تغییر مشی اجتماعی حاکمان، همگی در این راستا می‌باشند.

۵-۹-۲-۲. عوامل مؤثر بر شرایط و محیط تعلیم و تربیت

۱. عامل زمان: به عنوان مثال در طول سال ایامی وجود دارند که برای هر فرد با دیگر ایام تفاوت دارند (ایام الله) مانند روز عید غدیر، روز تولد امام زمان عجل الله فرجه، ایام عاشورا، شروع بهار، ایام پائیز، ایام ماه مبارک رمضان، شبهای قدر و... این ایام ممکن است فرد را دستخوش احساس خاصی نموده و بر وی تأثیر گذارد.

۲. عامل مکان: در حرم ائمه اطهار علیهم السلام، مساجد، فضای زیبای جنگل، کنار دریا و تماشای

آبشاری در کوه نیز ممکن است در انسان احساسی ویژه ایجاد نموده و به نوعی تحت تأثیر قرار دهد. بدین جهت است که در روایات زیادی توصیه بر حضور در مشاهد شریفه شده است.

۳. عامل محیط‌های اجتماعی: مانند محیط خانواده، محیط کلاس و یا جلسه، محیط مدرسه، محیط همسالان و

۴. عامل وراثت: بسیاری از رفتارها و انتخاب‌های فرد تابع حالات درونی اوست که این حالات به وی منتقل شده و آن را به ارث برده است. مانند بدبینی و یا خوش‌بینی که فراگیر در مجاورت و یا تعامل با فرد خوش‌بین و یا بدبین تحت تأثیر قرار گیرد.

۶-۹-۲. موضع تربیتی

۱. هدف تربیتی: عمل یا رفتار تربیت‌شده‌ای است که فراگیر باید به آن دست یابد مانند تبدیل حرف زشت‌زدن به حرف خوب‌زدن یا بدحجابی به حجاب مطلوب.

۲. ارتباط تربیتی: رابطه‌ای است که مربی، پس از پذیرش وی توسط فراگیر، برای رسیدن به یک هدف تربیتی برقرار می‌کند.

۳. جوّ تربیتی: وجود جوّ عاطفی مطلوب، و جوّ حسن و قبح لازم.

۴. برنامه تربیتی: مجموعه اعمال و اقداماتی است منظم، با هدف که والدین، مربی، دیگر عوامل اثرگذار بر فراگیر و خود برای تغییر، ساخت، رشد و نهایتاً تربیت فرد با هماهنگی هم انجام می‌دهند.

* موضع تربیتی: نوع جوّ تربیتی و ایجاد آن و ارتباط تربیتی برای تربیت هر فرد موضع تربیتی نامیده می‌شود.

ارتباط تربیتی مربی با فراگیر عامل تعیین‌کننده در میزان موفقیت او می‌باشد. برنامه تربیتی برای همه یکسان، ولی موضع تربیتی برای هر فرد متفاوت می‌باشد، در حقیقت جمع بین ارتباط

۱. انواع اهداف تربیتی عبارتند از: ایجاد، کاهش (تقلیل)، افزایش (تقویت)، محو، جلوگیری و نگهداری یا حفظ یک عمل و یا رفتار

تربیتی و نوع جو تربیتی، موضع تربیتی است و مربی لازم است در مقابل هر فرد موضع تربیتی خاص وی را اتخاذ نماید. مثلاً مادری ممکن است برای دو فرزند دوقلوی خود، دو موضع تربیتی متفاوت اتخاذ نماید و مطابق با هر موضع تربیتی و بر اساس آن یک نوع رابطه (صمیمی، عاطفی، احساسی، رابطه فکری و یا حتی قلبی و...) با فرزند خود برقرار نماید. (با توجه به رعایت اصل تفاوت‌های فردی)

۱۰-۲-۲ روش «ایجاد شاکله تفکر صحیح»

۱-۱۰-۲-۲ مفهوم‌شناسی «تفکر صحیح»

هرگاه نیروی فکر هر فرد بر مبنای صحیح (نگرش مطلوب تشکیل یافته - فطرت - شرع) و به طور اصولی، یعنی بر اساس نیت صادق و پاکی و راستی بالفعل گردد، وی به تفکر صحیح دست یافته است. هر فرد در هر موقعیت سنی، در زیست روزانه خود و در تعاملات و کنش‌های اجتماعی نیاز شدید به «عاملی» دارد که به واسطه آن هرچه مطلوبتر زندگی نموده، در صحیح برقرار نمودن ارتباط با عوامل اجتماعی (خانواده، محیط زندگی، مدرسه و ...) موفق شده، رعایت حقوق آنها را نموده، قوانین و ضوابط اجتماعی را نیز در عمل رعایت نماید.

لازم به ذکر است حقوق اجتماعی با قوانین اجتماعی متفاوت است؛ قوانین اجتماعی مقررات و قوانینی است که در یک جامعه جهت برقراری نظم و مشابه آن، وضع و رعایت می‌شوند مانند مقررات راهنمایی و رانندگی و ...، حقوق اجتماعی، که در اسلام به آن اهمیت بسیاری داده شده، نظیر حقوق اطرافیان و اعضای جامعه، حق والدین، حق استاد، حق همسایه و ... می‌باشد.

برای این که فراگیر به اهداف زیست عرضی خود رسیده، با تماس و برخوردهای صحیح و صداقت و راستگویی و گفتگوی صحیح (زیبا صحبت نمودن، عدم بکاربردن الفاظ زشت، رعایت عفت کلام) چهره مطلوبی از خود بسازد، به یک عامل و محوری قوی نیازمند است و آن، تفکر صحیح است.

تفکر صحیح یکی از عوامل مهم در ساخت و شکل‌گیری شخصیت مطلوب فردی و اجتماعی برای هر فرد و نیز منشأ برخورداری از انواع رفتارهای مناسب و صحیح خواهد بود. اهداف و غایت‌نهایی آیات قرآن و دستورات ائمه علیهم‌السلام ایجاد یک شاکله فکری در فرد است تا او به تفکر صحیح دست‌یافته و این طرز تفکر یاری‌دهنده فرد در زیست روزانه او باشد. کلام و فقه شیعه بر مبنای تفکر صحیح، بایدها و نبایدها، حسن و قبح عملی و فکری را تنظیم نموده است. در مجموع در مبنای شیعه تربیت هر فرد مستلزم وجود انگیزه، نیرو و عامل قوی درونی در فرد است تا خود آنچه صحیح بوده را تشخیص و سپس انجام دهد و از خطا و اشتباه و انحراف اجتناب ورزد؛ این اصل و عامل و نیروی درونی کارآمد (= ایمان و تعقل) در تفکر صحیح تبلور و شکل‌بندی می‌شود، در نتیجه می‌توان گفت با ایجاد تفکر صحیح در فرد، وی به نحو احسن تربیت شده است.

تفکر صحیح در صورتیکه با نیت صادق همراه شد، در نهایت فرد را به زیستی مطلوب و صحیح رهنمون می‌نماید. (نیت صادق برخاسته از ایمان و اخلاق حسنه است). از تفکر گاهی به لفظ تدبر و اندیشه و در قرآن از آن به، لبّ، هم تعبیر می‌شود که نهایتاً به تعقل ختم خواهد شد، در مرحله تعقل، هنگامی که قوه عاقله با دستورات قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام همراه شده، در صحنه وجودی انسان نمودار گردد، تفکر صحیح تشکیل و به کارآیی می‌رسد.

۲-۱۰-۲. فواید تفکر صحیح

تفکر صحیح به انسان‌ها ارزش و بها داده، به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد. اگر فرد (فراگیر) واجد تفکر صحیح شود، واجد رفتار و گفتار صحیح هم خواهد شد. (کسب تفکر صحیح = صحت رفتار و گفتار)

در نتیجه تفکر صحیح یک محور تربیتی است که فرد با کسب آن خود به خود حقوق و قوانین اجتماعی و مهم‌تر دستورات فقهی و دینی را به نحو مطلوب رعایت خواهد نمود (یعنی حدود و

حقوق شرعی اعم از انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات و گناهان، خود به خود رعایت می‌گردد). فقدان شاکله تفکر صحیح، ضعف و یا از دست دادن آن ریشه انواع جرائم و تخلفات اجتماعی و فکری و رفتاری است. ایجاد و گسترش تشکیلات قوه قضائیه یا انواع دادگاه‌ها و زندان‌ها و نیروی انتظامی با بودجه عظیم آن، در هر مملکت، مربوط به این تخلفات و جرائم می‌باشد. کج خلقی، کج فکری، کج سازگاری، ناسازگاری، خطاکاری، بزهکاری و ... همگی مربوط به عدم تفکر صحیح است.

از نظر فقهی و اخلاقی، اعمالی مانند: انواع سرقت‌ها (سرقت اموال دیگران، کوتاهی معلم نسبت به تربیت فراگیران یا عدم مطالعه قبل از ورود به کلاس، خالی گرفتن پیمانہ توسط فروشنده و ...)، تقلب، رشوه، ربا و نزول خواری، انواع نزاع‌های خانوادگی، اختلافات زناشویی و اکثر طلاق‌ها، ابتلا به انواع اعتیادها، انواع مفساد، ریاکاری، نفاق، کبر و خودخواهی، تخلف در امانت و وعده، غصب انواع حقوق فردی و اجتماعی، تبعیضات (# عدالت) و ... معلول فقدان، ضعف و یا از دست دادن تفکر صحیح می‌باشد. تفکر صحیح می‌تواند مانع صرف بودجه و هزینه‌ها، آسیب‌ها و زیان‌های مادی و انسانی و به هدر رفتن استعدادها و توانایی‌ها گردد. تفکر صحیح راه صحیح تأمین نیازها را می‌نمایاند و وصول به انواع این نیازها را تسهیل می‌نماید. با تفکر صحیح، استعدادها به خوبی بالفعل می‌شوند و این فعلیت همان ایجاد توانایی‌ها در فرد می‌باشد.

* به طور کلی، تفکر صحیح، به نوع اعمال، از نظر صحیح بودن می‌پردازد.

۳-۱۰-۲. کاربرد ایجاد تفکر صحیح در تعلیم و تربیت فراگیر

دقت در زبان عمومی قرآن نشان می‌دهد قرآن گاهی به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم به تفکر صحیح، فواید آن و نتایج حاصل از عدم آن می‌پردازد. تأثیر و حاصل بسیاری از آیات قرآن ایجاد شاکله تفکر صحیح در فرد است و معمولاً بدین صورت است که:

قرآن از طرفی فرد را به مبدأ توجه عمیق داده (روحیه توحید) و از سوی دیگر مقصد و معاد

را مقابل وی قرار می‌دهد. (دقت شود)^۱

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۲ - وَهُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ

السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ^۴ - إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا - وَنُصِبَ الْمَوَازِينُ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً^۵

حالت درونی و فکری فردی که بین این دو مدار (مبدأ و معاد) قرار گرفته و با تمام وجود این دو را حس نموده و آن دو را مبنای عقیده خود قرار می‌دهد، چگونه خواهد بود؟ یعنی از طرفی خداوند را در همه حال حاکم بر خود و اعمال و گفتار و افکار خویش دانسته و او را با تمام وجود بر خود حس می‌نماید (= او را علیم می‌داند، هُوَ مَعَكُمْ) و از سوی دیگر به سرای آخرت و پاداش و مجازات اعمال کاملاً پایبند و معتقد می‌باشد (= مرحله ادراک) لذا در این حالت قبل از انجام هرگونه عملی رضایت او را دخالت می‌دهد (وجود روح توحید، صِبْغَةَ اللَّهِ) در نهایت این حالت به وجود آمده (از توجه عمیق به آندو)، شاکله‌ای را در فرد به وجود می‌آورد که همان تفکر صحیح است.

عامل مهم در تربیت فرد و جامعه، وجود «روح توحید» است و کم‌رنگ شدن این روحیه باعث تشدید جرایم و مفسد خواهد بود. علت اصلی عقب‌ماندگی مسلمان‌ها و نبود تفکر صحیح در جوامع اسلامی، فراموشی مفاهیم قرآن و مطرح نبودن قرآن در زیست عرضی و طولی آنان می‌باشد. قرآن زمانی با موضوع هدایت و گاه با طرح صراط مستقیم فرد را به تفکر صحیح گرایش داده و مواقعی برای این موضوع واژه‌ها و مفاهیم ضلال و اعمی (نابینایی دل) را در مقابل تفکر صحیح مطرح می‌سازد. گاهی با طرح کسب سعادت و زمانی هم با ایجاد سؤال (روش بسیار مؤثر) و اندیشه‌نمودن و تعقل‌ورزیدن، او را برای کسب این مهم یاری می‌دهد. و بسیار دیده می‌شود که قرآن

۱. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ بَرِيٌّ (علق/ ۱۴) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵)

۲. بقره/ ۱۵۶

۳. حدید/ ۴

۴. حج/ ۱

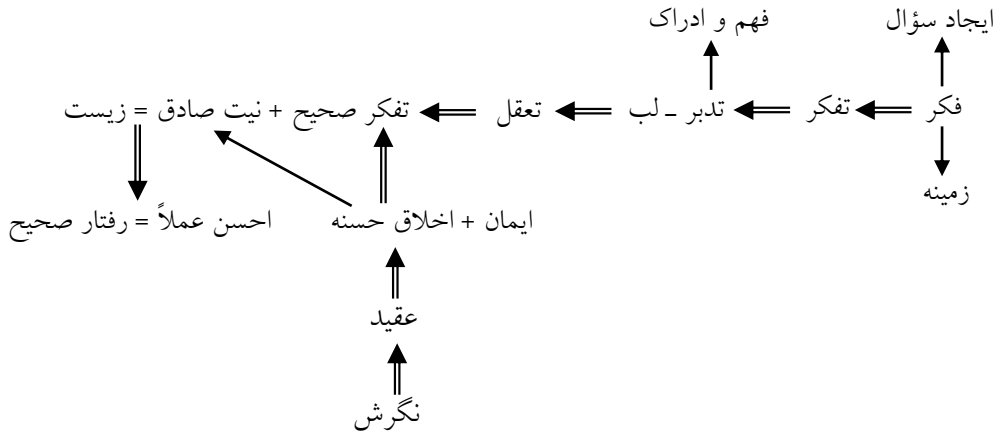
۵. زلزله/ ۱

۶. انبیاء/ ۴۷

کریم خصوصیات و ویژگی‌های افرادی که واجد یا فاقد تفکر صحیح هستند را بیان می‌دارد. (محصول هدایت یافتن و اثر آن و تأثیر به دنبال سعادت بودن، حصول تفکر صحیح است.) در قرآن اولوالالباب، یعنی صاحبان خرد، به همین افراد اشاره دارد. برای هدایت و مشتقات آن حدود ۳۱۳ آیه آمده و صراط مستقیم در ۳۴ آیه بطور صریح ذکر شده و حداقل حدود ۱۱ آیه بطور غیرمستقیم به صراط مستقیم اشاره دارد. واژه سوباً به معنی صحیح و سالم و بی نقص و راه راست، نیز به تفکر صحیح اشاره دارد.

۴-۱۰-۲-۲. منشأ تفکر صحیح

منشأ تفکر صحیح در نوع برقراری ارتباط فرد با خداوند و نوع اعتقاد و پذیرش عملی ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام است (پذیرش ولایت پس از مرحله حبّ باشد) به عبارت دیگر منشأ و ریشه تفکر صحیح به نوع نگرش، عقیده، ایمان و اخلاق در فرد مربوط می‌شود. می‌توان گفت علت و نیروی انجام اعمال متوجه ایمان است و تفکر صحیح به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد. هدف نهایی علم اخلاق نیز ایجاد شاکله تفکر صحیح در افراد بوده تا وی واجد خلق حسنه یعنی متصف به صفات و رفتار شایسته گردد. تفکر صحیح که بر اثر نظام تربیتی خانواده و جامعه است، در بدو تولد انسان وجود نداشته و لازم است با تربیت او در محیط خانواده شکل‌گیری شود. خانواده در سال‌های اولیه پس از تولد کودک در ایجاد تفکر صحیح نقش مهم و تعیین‌کننده را داشته و با قدم گذاشتن وی به اجتماع و محیط آموزشی مدرسه، عوامل تربیتی دیگر از قبیل معلم، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، صدا و سیما و ... نقش تداوم و تکمیلی آن را بعهده خواهند داشت.



۵-۱۰-۲-۲. تفکر صحیح در متون اسلامی

الف) خصوصیات و ویژگی‌های افراد واجد یا فاقد تفکر صحیح (از دیدگاه قرآن و احادیث)^۱

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ^۲

«چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی الهی) را

هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟!»

در این آیه با طرح سؤال، به عدم تفکر صحیح تصریح شده است.

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^۳

«اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند.»

۱. وَالَّذِينَ اتَّقَوْا - وَ الَّذِينَ آمَنُوا - قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (مؤمنون/۱) و آیات بعدی آن که ویژگی‌های متعددی را بیان می‌دارد. - وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (اسراء/۳۶) - فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (زمر/۱۸) - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب/۷۰) - هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَلْبَاب (زمر/۹) - هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ النَّبِير (انعام/۵۰) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا امْنُوا (نساء/۱۳۶) قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (یونس/۱۰۸) بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم.» امام صادق (ع) «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ» (اصول کافی/حدیث ۱۵۴۹) «بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.» تا دوام تفکر باعث ایجاد تفکر صحیح می‌شود.

۲. زمر/۲

۳. زمر/۳

در این آیه نیز به تفکر صحیح تصریح شده است.

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ^۱

«(توکل کنندگان بر خدا) همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و

هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند.»

واژه «سلم» در حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^۲ مسلمان کسی است که دیگر

مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، حاکی از تفکر صحیح است.

واژه «سلم» اختصاص به تعاملات اجتماعی دارد در صورتی که فرد در پی سلامت تعاملات

اجتماعی باشد، لازم است شاکله‌ای در وجود خود ایجاد نماید که همیشه و هر زمان از دست و

زبان خود مراقبت نماید. بدینگونه بر طبق فرمایش امام صادق علیه السلام زینت ائمه باشد.^۳

در مجموع، تفکر صحیح در قرآن حداقل در ۹ محور مطرح شده است:

۱. مبدأ و معاد که روح توحیدی می‌دهد.
۲. هدایت
۳. صراط مستقیم
۴. کسب سعادت
۵. ضلالت
۶. اعمی
۷. ایجاد سؤال
۸. بیان خصوصیات افراد
۹. اولوا الالباب

ب) نماز - روزه و تفکر صحیح

می‌توان گفت یکی از فلسفه‌های وجودی نماز، ایجاد و مهمتر از آن، حفظ تفکر صحیح

می‌باشد. لفظ و نفس درخواست هدایت و سمت‌گیری برای صراط مستقیم، یعنی درخواست و

سوگیری برای تفکر صحیح.

۱. شوری/ ۳۷

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۹۲.

۳. «کونوا لنا زیناً و لا تكونوا علينا شیناً» - إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَى نِيَاتِكُمْ وَ قُلُوبِكُمْ « خداوند به شکل ظاهری و اعمالی که نشان می‌دهید نگاه نمی‌کند، آنچه مورد پذیرش خداوند است نیت پاک و سالم است.

با دقت در نماز و فلسفه آن، متوجه خواهیم شد که عموم افعال و اذکار و فرازهای نماز (اقدامات قبل، حین و بعد از نماز)، در راستای ایجاد، حفظ و تقویت تفکر صحیح است. مانند غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار (غصب # تفکر صحیح)

وقت‌شناسی برای نماز، قبله و جهت‌یابی، فلسفه تکبیرة الاحرام، رکوع، سجود، تشهد و ...

اگر زندگی و گذر روزها و هفته‌ها و ماههای آن، برای ما «عادت» شود و غرایز و خواهش‌ها محور شوند، برای آنها، بمانی و تلاش کنی، در این گذرها، ارزش‌ها، محو و یا بی‌اثر خواهند شد که در نتیجه، از حقایق یا نامی می‌ماند و یا شکل (نماز خوانده می‌شود ولی عادت است و بی‌اثر = شکل نماز). سخن گفته می‌شود، بدون اینکه در کلام، جایگاه ارزشی و یا غیرارزشی برای راست و دروغ آن وجود داشته باشد، از حقایقی چون وفای بعهده، مروّت، حریت، اخوت، گذشت، رحم و ... نامی مانده و حضور چندانی در زیست عرضی ندارند، در نتیجه محور بودن می‌شود «عادت»، و این عادت مقدمه «ضعف نفس»، و سپس «انحراف و سقوط» (= محو تفکر صحیح)

از روزه و فلسفه آن می‌توان چنین برداشت کرد که:

رسالت روزه، بازسازی، تقویت (به‌سازی) و استمرار تفکر صحیح است. حالت عمومی رمضان، مواظب‌بودن است و سپس ایجاد و حالت توجه به وجود خود (خودیابی)، محیط و خداوند می‌باشد.

* عادت یعنی ابتدا ضعف و سپس فقدان تفکر صحیح. و از رسالت‌های مهم روزه خروج از عادت‌ها و ورود به تفکر صحیح است.

در رمضان باید روزه را شروع کنی، از سحر تا مغرب (= موقعیت‌شناس شدن) و در روز آن همه «چیزها» را نخور (= امساک).

انجام‌ندادن، گاهی، توانایی برتر می‌خواهد تا انجام‌دادن و این «نه‌خور» یعنی ایجاد توانایی «نه به خود» گفتن است، که حاصل می‌شود، بر هم خوردن «عادت». در هنگامی که همه شب‌ها

معمولاً می‌خواییدی (سحر) و نمی‌خوردی، حال بیدار شو و بخور (استحباب سحری خوردن).

*** به مبطلات روزه توجه کن:**

«نه» گو و نه «بند»، به خداوند (بعنوان مبدأ و مقصد تو، انا لله ...) به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام (بعنوان راهنما)، دروغ را (که نفسِ دروغ، نمودِ اسارت درونی است، که منشأ آن از بدترین اسارت‌ها - اسارت فکر - است و هم اوست که اسارت زبان را نتیجه دارد، که زبان سخنگوی فکر است و این سخنگوست که به این و آن «بند» می‌بندد).

لذا این «نه گفتن» «تو» یافتن «خود» بود. که اگر خود را یافتی، آنگاه، توانسته‌ای جایی برای استقرار تفکر صحیح بیابی.

توجه کن که گرد و غبار نخوری (=توجه به محیط)، لذا مواظب هوا (توجه به فضایی که در آن هستی) باش، چشمت را باز کن و درست ببین که آن، چگونه است (صاف است و پاک؟، یا آلوده به غبار؟).

عامل دیگری که روزه‌ات، (این عامل اوج و معنادانت، در روزت)، را نگه می‌دارد، عدم آمیزش (= کنترل و تنظیم این غریزه) با دیگری (کنترل تمایل به غیر) است. لذا این عامل، کنترل غریزه شهوت کند که آن از قوی‌ترین غرایز است و سیری ناپذیر، و اگر قوی‌ترین کنترل شود، توان سلطه بر بقیه را خواهی داشت. که حالت شهوت، نمود هوای نفس است.

از انجام ندادن‌های دیگر استمناء (استشهاد در زن) است، که آن عارضه «ضعف اراده» و «عدم تعادل روحی» است، با خود این ارضای غیرطبیعی و انحراف را انجام نده و بر خود این حرام را تحمیل مکن که اگر چنین کنی، معترف به ضعیف‌النفس بودن شده‌ای.^۱

* تا اذان صبح (نقطه شروع عرفان روزه)، بر جنابت باقی‌نمان و آلوده وارد بر روزت مشو، که

۱. از عوارض جسمی و روانی این انحراف مخوف، در زنان، باعث سردمزاج شدن، عدم تمایل به ازدواج، آسیب‌رسیدن به بنیان خانواده بر اثر سوء روابط جنسی با همسر و ... شده و در مردان آسیب‌های فراوانی بر جا می‌گذارد. از قبیل: ترسوشدن، درون‌گراشدن و اماندن، احساس ندامت مداوم، ضعف اراده مزمن، ضعف اعصاب و ...

ورود به روزه، حالت پاک می‌خواهد، لذا برای پاکیت، قبل از ورود، غسل کن.^۱ که اگر چنین کنی محیط درونت را مطلوب کرده‌ای. (همان ایجاد شرایط و محیط مطلوب درونی است که در قسمت قبل مطرح گردید).

۱۱-۲-۲. روش تربیت دینی

۱-۱۱-۲-۲. مفهوم

بسیاری از خانواده‌ها و مربیان و معلمان، مذهبی هستند ولی فراگیران یا فرزندان خود را تربیت دینی نمی‌کنند. یعنی شخصیت فرد مذهبی بوده ولی هویت او التقاطی و بر مبنای دستورات اسلامی شکل‌یابی نشده است. با تربیت دینی به طور واقعی، تربیت انسانی میسر می‌شود و آن تربیتی که مورد نظر و مطلوب قرآن و ائمه سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین می‌باشد و به آن بسیار سفارش نموده‌اند، تربیتی دینی است.

۲-۱۱-۲-۲. تربیت دینی چگونه حاصل می‌شود؟

۱. در تربیت دینی شالوده و تاروپود و مبنای برنامه تربیتی، فقط نگرش توحیدی و عقیده توحیدی به طور کامل می‌باشد.

نگرش توحیدی کامل، نگرشی است که قرآن و ائمه علیهم‌السلام معرفی می‌کنند و عقیده توحیدی نیز باید‌ها و نبایدهایی است که قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام ارائه می‌نمایند.

۲. نگرش توحیدی و عقیده توحیدی لازم است اساس زیست طولی و عرضی مربی و فراگیر و خانواده باشد.

۳. عامل تعیین‌کننده در موضع تربیتی و روش‌های تربیتی، نگرش و عقیده توحیدی می‌باشد.

۴. اساس ارزشگذاری و تعیین‌کننده اهداف، نگرش و عقیده توحیدی می‌باشد.

۵. تفکر صحیح بر مبنای نگرش و عقیده توحیدی مفهوم و عینیت یافته، بدون آندو کسب

۱. غسل، حالت مطلوب روحی و روانی و عصبی ایجاد می‌نماید.

ایمان و اخلاق حسنه میسر نمی‌باشد.

* در مجموع در تربیت دینی فقط به دستورات و انتظارات قرآن و ائمه علیهم‌السلام عمل می‌شود. لذا جامعه‌ای که دارای تربیت دینی شود، نه تنها می‌تواند از رشد و ترقی و تکنولوژی برخوردار باشد، بلکه انواع مفاسد و انحرافات در آن کنترل می‌شود، در نهایت آنچه که از تربیت دینی نصیب فرد و خانواده و اجتماع و مربی خواهد شد آرامش و سعادت واقعی و خوشبختی همه‌جانبه است. تربیت دینی راه گمشده ملت‌های دینی، اسلامی و علل عقب‌ماندگی آنان و همچنین عاملی جهت کسب فضائل و ارزش‌های انسانی در جوامع غربی و صنعتی محسوب می‌گردد.

۳-۲. روش‌های تربیتی عام

بیشتر ناظر به اصلاح، ایجاد یا محو یک رفتار است.

این روش‌ها زود اثر می‌گذارند ولی با تغییر شرایط، ممکن است تأثیر آن کم گردیده و یا بی‌اثر شوند. مانند بکارگیری روش تشویق که برای درس خواندن یا مسواک زدن فراگیر بکار برده می‌شود.

۱-۳-۲. روش «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»

* تشویق لازمه تربیت است.

الف) کاربرد انواع تشویق‌ها (اعم از تشویق زبانی، احترام به شخصیت افراد و درک آنان و اهداء جوایز که پایین‌ترین حد آن است) از ملزومات تربیت است.

استفاده به موقع از تشویق، در نظر گرفتن عامل زمان و مکان در آن، به کاربردن میزان لازم و رعایت شرایط سنی در تشویق باعث ایجاد اطمینان درونی در افراد، همچنین حاکم شدن روحیه نشاط بر فرد و ترغیب فراگیر در روند تربیت می‌گردد.

بنابراین مربی و معلم لازم است برای تغییراتی چون: کاهش، رفع، جلوگیری، ایجاد و نگهداری و تقویت رفتارها از تشویق به عنوان عاملی مؤثر و ضروری در تربیت استفاده نماید.

ب) همچنین عامل مهم دیگر تمجید و توجه به فراگیران است، تمجید، وصف عامل و

موضوعی است که جنبه پذیرش و تأیید مربی را داشته باشد. با توجه نمودن به فراگیر و رفتارهایش او را مورد تمجید، تعریف و تحسین قرار داده، نتیجه این توجه و تمجید آنست که فراگیر حس کند توسط مربی درک شده است، لذا ارتکاب اعمال ناپسند را قبیح و زشت محسوب خواهد کرد. (ج) پاداش عامل و محرکی است بعد از پاسخ و گاهی مربی - والدین لازم است در پاداش مبالغه نموده و از این روش استفاده نمایند.

...وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦١﴾^۱ «البته پاداش

کسانی را که صبر پیشه نموده‌اند، بهتر از آنچه عمل کرده‌اند، خواهیم داد.»

در روش مبالغه در پاداش، در مقابل عمل مطلوب فراگیر، لازم است اقدامات کاربردی زیر انجام شود:

۱. دادن پاداش بیش از عمل و استحقاق فراگیر.

۲. ملاک قراردادن اعمال برجسته و شاخص، برای اعطاء پاداش.

۳. نادیده گرفتن ضعف‌ها.

نتایجی که از این اقدامات حاصل می‌شود:

الف) ایجاد انگیزه و رغبت در فراگیر.

ب) ایجاد تلاش در فراگیر برای اصلاح خود و انجام عمل بیشتر و بهتر.

ج) مطلوب واقع شدن مربی در نظر فراگیر (پذیرش).

د) ماندن در راه تربیت (مهم‌ترین نتیجه).

۲-۳-۲. روش «استفاده از مقررات»

یکی از راه‌های مقابله و اصلاح مشکلات رفتاری این است که مربی با ایجاد جو مطلوب در کلاس، قوانین و مقرراتی را در نظر گرفته و آنها را تبدیل به اصل نموده و با تشویق به

رعایت کردن فراگیران و ترغیب آنها، اصلاح تدریجی حاصل نماید. در زمینه کاربرد مقررات و قوانین، توجه به این موارد ضروری است:

۱. وضع مقررات به طور گویا، کوتاه، ساده و مثبت.
۲. تفهیم مقررات و اعلام یا در معرض دید قرار دادن آنها.
۳. مشارکت فراگیران در وضع آنها.

۳-۳-۲. روش «ایجاد رفتار تازه»

* برای ایجاد رفتارهای تازه معمولاً از روش‌های مبنایی و اصولی باید استفاده نمود.

از این روش‌ها نیز می‌توان استفاده کرد:

الف) تقلید و سرمشق (الگوئی):

این روش برای تربیت رفتارهای ساده و اولیه، (بویژه در کودکان) کارایی بیشتری دارد. در این روش، الگویی شاخص شده و آن با رعایت شرایط و بطور مطلوب، در محیط فرد، وارد می‌شود و فراگیر با مشاهده رفتار الگو آن را عیناً تکرار می‌کند، که پس از تکرار رفتار مطلوب، آن رفتار را باید تقویت نمود.

ب) تفکیک پاسخ: مربی به تقویت اجزایی از رفتار فراگیر می‌پردازد که مفید تشخیص داده شود و به اجزای نامربوط توجهی نمی‌کند.

ج) شکل دادن: ابتدا اجزای رفتار مورد نظر را در فرد ایجاد کرده، سپس رفتار مورد نظر شکل‌دهی می‌شود. (مانند آموزش نماز). بازی‌های پازلی مربوط به این روش می‌باشد.

د) زنجیره کردن: انتخاب رفتارهایی که قبلاً در خزانه رفتار فرد وجود داشته‌اند و ترکیب آنها با یکدیگر و ایجاد یک رفتار جدید و پیچیده‌تر.

۴-۳-۲. روش «افزایش رفتار موجود»^۱

برای افزایش رفتار موجود می‌توان از راه‌های ذیل استفاده کرد:

(الف) «تقویت مثبت»: روش تقویت مثبت یعنی اینکه بعد از پاسخ، محرکی وارد شود و آن محرک پاسخ را افزایش دهد. هر تقویت‌کننده می‌تواند یک پاداش باشد، اما هر پاداشی نمی‌تواند تقویت‌کننده باشد.

(ب) «تعمیم» و «تمیز»: «تعمیم» یعنی اینکه گسترش پاسخ از محرک‌های اولیه، که در حضور آنها پاسخ داده می‌شود، به محرک‌های مشابه، در شرایط دیگر. به منظور جلوگیری از افراط در تعمیم و یا تعمیم نامناسب می‌توان از «تمیز» استفاده کرد، یعنی به فراگیر کمک نمود تا بین یک محرک و محرک‌های دیگر تمیز و تفاوت قائل شده، بداند که در مقابل چه محرکی باید پاسخ مقتضی را ارائه، و در مقابل چه محرکی نباید پاسخ دهد.

(ج) «تقویت منفی»: یعنی خارج کردن محرک از موقعیت، به منظور افزایش رفتار مطلوب و بر خلاف تقویت مثبت یک محرک بیزارکننده از موقعیت خارج و یا تقلیل داده می‌شود. مثال: فراگیر با فردی دوست شده و او از وی تأثیر پذیرفته، حرکات زشت وی را تکرار می‌کند. مربی در این حالت رابطه فراگیر را با آن فرد قطع و در حقیقت این محرک را از موقعیت (مدار تربیتی فراگیر) خارج می‌کند.

۵-۳-۲. روش «نگهداری رفتارهای مطلوب»

روش «تقویت متناوب»

هرگاه رفتاری مطلوب و یا رفتاری تازه بر اثر تقویت مداوم ایجاد شود و یا افزایش یابد، لازم است مربی - والدین عامل تقویت را به تدریج کم کند، زیرا در مدار تربیت، تقویت متوالی یک

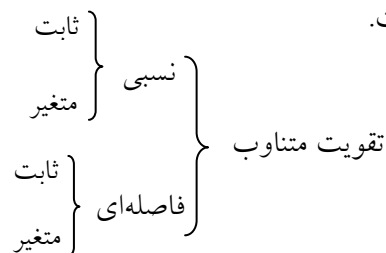
۱. برای توضیحات بیشتر به کتاب روش کلاس‌داری قرآن فصل ۲ تألیف نگارنده و یا مهارت‌های آموزشی و پرورشی (حسن شعبانی) مراجعه شود.

رفتار نه جایز است و نه امکان پذیر. از طرف دیگر اگر رفتاری برای مدتی تقویت نگردد، آن رفتار کاهش یافته و یا از بین می رود یا به عبارت دیگر خاموش می شود. روشی را که برای جلوگیری از خاموشی یا نگهداری رفتار بکار می برند تقویت متناوب نامیده می شود.

تقویت متناوب را به صورت **تقویت نسبی** و **تقویت فاصله ای** می توان بکار برد. هر یک از این انواع نیز ممکن است به صورت **ثابت** و **متغیر** بکار گرفته شوند.

در **تقویت نسبی ثابت**، عمل تقویت پس از تکرار تعداد معینی از پاسخ انجام می گیرد، مثلاً اگر مربی - والدین به فراگیر در ازای هر چند مرتبه نمازخواندن، امتیازی یا جایزه ای بدهد در واقع برنامه نسبی ثابت را بکار برده است، اما در **نسبی متغیر** از پیش معلوم نیست رفتار پاسخ دهنده در ازای چند پاسخ (نماز) تقویت می شود، در این روش، رفتار پاسخ دهنده، گاهی پس از انجام مقدار زیادی از رفتار و زمان دیگر پس از چند رفتار کم، تقویت می شود.

در **تقویت فاصله ای ثابت**، بجای تعداد پاسخ معین، پس از طی مدت زمان ثابتی، رفتار تقویت می شود. مثلاً ممکن است مربی - والدین در پایان هر هفته به خواندن نماز پاداش و جایزه دهد اما اگر او بجای پایان هفته، متناوباً در هر یک از روزهای هفته از فراگیر نمازخواندن را بخواهد، در این صورت او از **فاصله ای متغیر** استفاده کرده است. معمولاً تأثیر تقویت نسبی متغیر و تقویت فاصله ای متغیر، در نگهداری رفتار، از تأثیر تقویت نسبی ثابت و تقویت فاصله ای ثابت بیشتر است.



برای نگهداری رفتارهای مطلوب از روش های دیگری هم می توان استفاده نمود.

۶-۳-۲. روش «تقلیل یا محور رفتارهای نامطلوب»

برای این هدف از این روش‌ها می‌توان استفاده کرد:

الف) «خاموشی»: رفتارهای نامطلوبی را که به هر دلیل در فراگیر شکل گرفته شده است با

تلاش مربی تقلیل و یا به کلی از بین بروند (با انواع تشویق‌ها، پاداش و ...)

ب) «تقویت رفتارهای مغایر»: رفتار مطلوبی که مغایر با رفتار نامطلوب است تقویت می‌شود.

مثلاً فراگیری که به دروغ‌گویی و یا صحیح‌نخواندن نماز عادت کرده است، هر وقت که راست بگوید و یا صحیح نماز بخواند بلافاصله مورد تقویت قرار می‌گیرد. اما در مقابل دروغ‌گویی و یا صحیح‌نخواندن نماز، ابراز نارضایتی شود.

ج) «سیری» یا «اشباع»: گاهی اوقات این روش کاربرد مؤثری دارد در این روش رفتار

نامطلوب (اصرار بر مصرف یک نوع خوراکی مانند کمپوت آناناس) برای مدتی تقویت می‌شود تا اشباع گردد که معمولاً این تقویت، موجب کاهش فراوانی یا نیرومندی آن شده، پس از مدتی فرد به سیری می‌رسد. این روش بر خلاف روش تنبیه، معمولاً دارای عوارض جانبی نامطلوب نمی‌باشد.

البته به این نکته مهم باید توجه کرد که در این روش، یک رفتار مطلوب باید جایگزین رفتار

نامطلوب شود.

د) «تنبیه»: در این روش، معمولاً یک محرک بیزارکننده و عامل نامطلوب بلافاصله پس از یک

پاسخ نامطلوب، یا عمل ناهنجار، ارائه شده تا موجب کاهش، یا ترک و محور رفتار نامطلوب گردد.

هدف تنبیه: آگاه کردن فراگیر از زشتی کاری که انجام داده است. تنبیه و مجازات برای توقف،

کنترل و جلوگیری از نامطلوب‌هاست به عکس، پاداش که برای تحریک و اکتساب و ایجاد رفتارهای مطلوب است.

عوامل مؤثر در انتخاب چگونگی تنبیه: شخصیت مربی، شخصیت فراگیر، روابط مربی با

فراگیر، روابط مربی با دیگر افراد آن محیط، میزان سن و نوع فراگیر.

با توجه به این ۶ مورد، نوع و شیوه بکارگیری تنبیه بگونه‌ای باید انتخاب شود که به آنها

آسیب وارد نشود، گاهی عوارض تنبیه غیرقابل جبران است.

تنبیه بدنی: از تنبیه بدنی باید پرهیز نمود.

قال علی علیه السلام: لَا تَضْرِبْهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْلِ

مسائل مورد توجه در تنبیه:

۱. توجه به نیازهای فراگیر که عامل رفتار نامطلوب شده و تأمین آنها.

۲. تفاوت‌های فردی.

۳. استفاده به ندرت تنبیه توسط مربی و پس از استفاده از روش‌های مثبت.

۴. هنگام خشم اجتناب شدید مربی از تنبیه،

۵. تفهیم علت تنبیه (که معمولاً علت تنبیه، دور شدن فراگیر از اهداف تعلیم و تربیت و یا

عدم انجام وظایف، تکالیف، انتظارات و توقعات مربی و یا والدین، محسوب می‌شوند)

* معمولاً تنبیه آخرین طریق تربیتی است. چرا که عدم رعایت موارد فوق توسط مربی -

والدین، ممکن است فراگیر - فرزند را به سکوت، کناره‌گیری، دورشدن، تنفر و مبارزه‌گرایی

دهد. در مجموع آثار و عواقب تنبیه مثل تقویت قابل پیش‌بینی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع

تنبیه، باعث محو رفتار فراگیر نشده، بلکه ممکن است سبب واپس‌زدن آن گردیده و رفتار

نامطلوب‌تری جایگزین رفتار تنبیه شده، بشود و رفتار پرخاشگرانه‌ای را از خود بگذارد. البته

این هشدار به این معنی نیست که هرگز نباید از تنبیه استفاده کرد.

* تنبیه صحیح از هنرهای یک مربی است.

ه) «محروم کردن»: مربی، فراگیر را به خاطر انجام دادن رفتاری نامطلوب از دریافت تقویتی (مانند محبت، توجه، پول توجیبی و بطور کلی چیزی که برای فراگیر اهمیت دارد و آن را دوست می‌دارد) محروم می‌سازد. مثل بیرون کردن فراگیر از کلاس (اگر فضای کلاس برای فراگیر مطلوب باشد)

و) «جریمه کردن»: این روش یعنی کسرکردن مقداری از تقویت‌کننده بخاطر رفتار نامطلوب مانند: کسرکردن نمره از فراگیر به علت عدم رعایت مقررات کلاس یا محیط آموزشی، کم کردن از پول توجیبی و....

ز) «اعمال انزوا»: اگر فراگیر، حقوق، امنیت و وحدت محیط را به مخاطره انداخت یکی از شیوه‌های مقابله با آن منزوی نمودن فرد است و مهم اینکه برای استفاده از آن باید به تفاوت‌های فردی توجه نمود.

محاسن اعمال انزوا: توجه به زشتی عمل خود که او را مستوجب کیفر انزوا کرده است، رفع عامل منحل از محیط، رفع حالت تعرض و تنش درونی بر اثر دوری از محیط و جمع.

معایب اعمال انزوا: بریدگی از محیط (بویژه خانواده) و طردشدن و فرار، حالت تعرض شدیدتر از قبل شدن، به رشد اجتماعی فرد توسط محیط، خلل واردشدن. پس از وصول به اهداف روش اعمال انزوا معمولاً فرد سومی باید واسطه شده، فرد را به محیط، برگرداند و پیوند دهد. لذا وجود فرد سوم (که خود از عوامل تربیتی است) در اعمال انزوا ضروری می‌باشد.

۷-۳-۲. روش «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»

نادیده گرفتن اعمال و حرکات غیرحادث مانند رفتارهای عادی و معمولی. بعضی رفتارها نامطلوب هستند ولی ناهنجار نیستند و هنوز به مرز رفتارهای غیرعادی نرسیده‌اند و در طبقه خطا و اشکال و اشتباهند و نه در طبقه انحراف و شکستن هنجارهای اجتماعی، و به مرحله ضد ارزشهای فکری و فقهی نرسیده‌اند.

گاهی توجه به این رفتارها، باعث حریص شدن به تکرار شده و به «حسن و قبح‌ها» آسیب

رسانده، ممکن است تثبیت شوند، در این حالت ضمن نادیده گرفتن این نوع رفتارها، لازم است به تقویت تفکر صحیح، اصول ارزشی و انگیزه‌های درونی پرداخت. (استفاده از روش عفو) در مجموع، مربی لازم است در این روش به چهار نکته توجه داشته باشد:

۱. اشکالات، اشتباهات و خطاهای فراگیر نادیده گرفته شده و اغماض گردد. (روش مبالغه در عفو)
۲. سریعاً نسبت به خطا مجازات صورت نگیرد، بلکه به فراگیر فرصت داده تا به اشتباه خود پی برده و نسبت به اصلاح و رفع آن اقدام نماید و در حقیقت زمینه برای تربیت درونی مهیا شود.
۳. ضمن بررسی علت رفتار، رفع اشکال شود. یعنی تقویت تفکر صحیح گردد (چرا که منشأ اشکال در این رفتارها را معمولاً باید در تفکر صحیح جستجو نمود).

۴. عمل و یا عکس‌العمل مربی نباید مساوی و برابر رفتارهای فرد قرار گیرد و مربی و والدین فراگیر را با اولین اشتباه، مجازات نمایند و به هر گونه تغییر، پیشرفت و تحرک مطلوب فرد پاسخ مثبت داده شده و نسبت به بعضی از رفتارهای نامطلوب واکنش نشان دهد یعنی اینکه مربی با فراگیر با فضل برخورد نماید (بیش از رفتار، پاداش داده و کمتر از رفتار مجازات کند) و نه با عدل و ظلم (عدل یعنی به میزان رفتار پاداش و مجازات نمودن و ظلم یعنی کمتر از رفتار مطلوب پاداش داده شود).

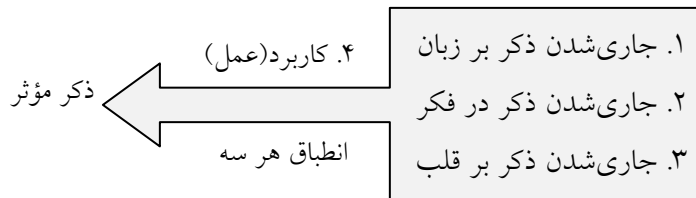
در پایان این قسمت لازم است یادآوری شود که برای جلوگیری از رفتار نامطلوب معمولاً از روش‌های مبنایی و اصولی استفاده می‌شود. همچنین روش‌هایی چون «ساختن ظاهر»، «ساختن باطن» که در قسمت بعد ذکر خواهد شد، نیز برای این هدف تربیتی کاربرد دارند.

۴-۲. روشهای خاص تربیتی^۱

این روش‌ها معمولاً در محدودهٔ یک رفتار مشخص، انتخاب و بکارگیری می‌شوند.

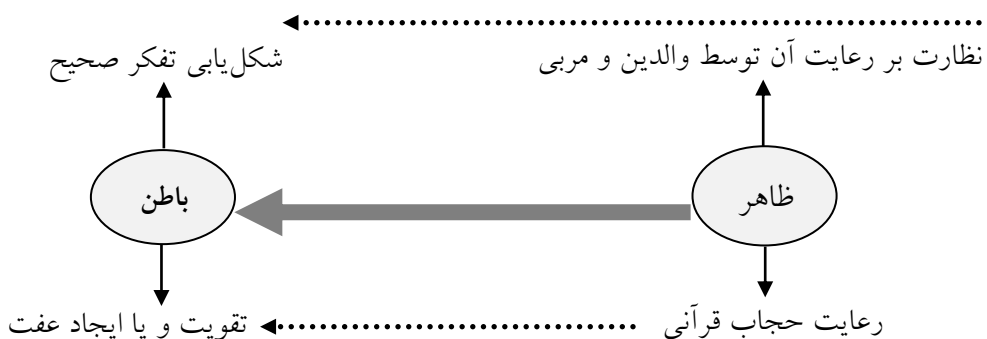
۴-۲-۱. روش «ساختن ظاهر»

یکی از روش‌های تغییرات درونی و باطنی این است که از ساختن ظاهر استفاده شود. مانند نوع لباس (برهنگی - پوشیدگی) و آرایش مو و صورت (فرهنگ اسلامی - فرهنگ غربی) که بر احساسات و درون اثرگذار است، و یا ذکر زبانی که بر درون تأثیر گذار است.



دست‌آورد ساختن ظاهر، این است که درون و باطن انسان تغییر یافته، شکل‌یابی می‌شود مانند: مواظبت بر نگاه، خوب حرف زدن، کلیه اعمال و آداب و معاشرت اگر به شکل خوب و صحیح تنظیم شوند در مؤدب‌شدن فرد اثر می‌گذارند.

در همهٔ ادوار، بویژه در دوران کودکی و تا پایان دوران نوجوانی، این اصل کاربرد زیادی دارد. دروغ بد است، لذا دروغ نگو و راست بگو



۱. برگرفته از کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی - دکتر خسرو باقری - با تصرف و تلخیص

در مجموع در این روش، انواع رفتارها و گفتارهای فراگیر بطور مطلوب و صحیح تنظیم می‌شوند تا پس از مدت زمانی، درون فرد (افکار و عقاید و نگرش او) نیز مطلوب می‌شود، یکماه روزه ماه مبارک رمضان تمرین برای این منظور است.

* این روش، برای ساختن ظاهر، روش مستقیم بوده، و برای ساختن درون، غیرمستقیم محسوب می‌شود.

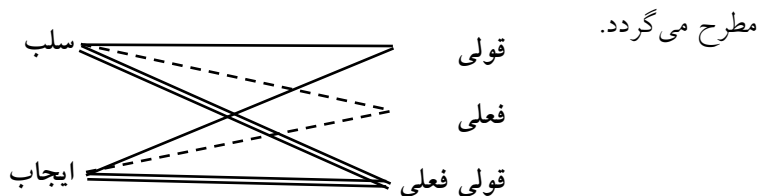
در این روش با تشویق و ترغیب می‌توان به «ساختن ظاهر» کمک نمود. البته باید مواظب بود که پاداش حالت باج‌خواهی و یا عادت پیدا نکند، بهتر است فرد را نسبت به مطلوب بودن عمل و فواید آن توجیه نمود و به او ببینش داد.

* از این روش «ساختن ظاهر»، در علم اخلاق و تهذیب نفس، زیاد استفاده می‌شود.

کاربرد این روش به اشکال مختلف زیر امکان‌پذیر است:

الف) روش «تلقین به نفس»

این روش دارای سه جزء «قولی»، «فعلی»، «قولی - فعلی» بوده و از حیث سلب و ایجاب



- در تلقین قولی از جهت سلب (تلقین منفی یا نهی کردن) مانند: پرهیز از نزاع با مردم و پرهیز از زورگویی به دیگران. در این روش تربیتی، وادار نمودن خود به سکوت در مواقع نزاع، محور عملی می‌باشد.

- در تلقین فعلی از جنبه سلبی، هدف، محو نمودن فعل نامطلوبی است که در درون تأثیر گذاشته است مثل با تکبر راه نرفتن.

- در تلقین قولی - فعلی از جهت سلبی؛ انجام ندادن نماز به قصد رضایت غیر خدا.
- در تلقین قولی و از جنبه ایجاب، امر نمودن فراگیر به تلقین مثبت و یا اینکه بخود گفته شود: «من می توانم.» مانند: جاری نمودن ذکر خداوند در صحنه های مختلف و هنگام وسوسه شدن و بروز حالات شهوانی و یا حالات منفی دیگر، ذکر گفتن و استفاده از آن با توجه به زمینه مورد ابتلا و نیاز.

- در تلقین فعلی و در جنبه ایجاب، فعل مطلوب بدون ثبات، بر جوارح و ظاهر فرد جاری می شود تا در وی تثبیت شده، پایدار گردد مانند: با تواضع برخورد نمودن و تباکی کردن در ذکر مصائب.

- در تلقین قولی - فعلی و از جهت ایجاب، باید گفت فراهی نماز، ایستادن (قیام) خم شدن (رکوع) و ... آمیخته ای از تلقین قولی و فعلی است. مثلاً ذکر تشهد در نماز، تلقین قولی است و نشستن در پیشگاه خداوند تلقین فعلی می باشد و کل تشهد تلقین قولی - فعلی است.

* این روش برای خودسازی مفید بوده و برای فراگیر هنگامی از آن باید استفاده نمود که زمینه برای پذیرش تلقین وجود داشته باشد و در مکالمات، بهتر است قبل از پیام اصلی، در جمله لفظ: «آیا می توانی؟» بکارگیری شود مانند: «آیا می توانی زیبا سخن بگویی؟» «آیا می توانی صحیح نماز بخوانی؟»

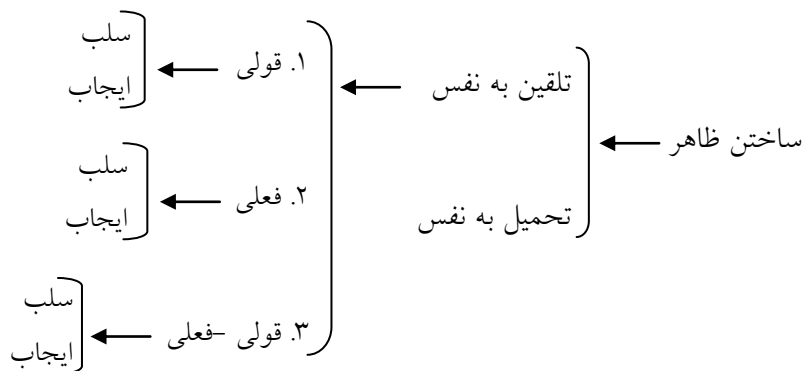
ب) روش «تحمیل به نفس»

در این روش، واگذاری عمل به فراگیر است بطور مداوم، تا پس از تکرار آن، درون به کنترل درآید. زمانی که نوعی عدم تمایل و اکراه درونی در فرد نسبت به یک موضوع خاص، وجود داشته باشد و در حقیقت زمینه خواستن در فرد فراهم نباشد، مربی اعمالی را به طور مداوم به فرد واگذار می نماید تا بعد از تکرار عمل، فرد تحت کنترل در آمده و به موازات کنترل، در او رغبت ایجاد شود. مانند روزه. معمولاً تمایل به روزه، میل به تحمل گرسنگی در انسان وجود ندارد اما

روزہ وضع گردید تا انسان توان کنترل نفس خود را یافته و در ورطه گناه و آلودگی نیفتد و یا مانند: نماز صبح یا اول وقت که فراگیر به آن عقیده دارد ولی نمی‌خواند که باید آن را به شکل مناسب به او تحمیل نمود.

* دامنه این تحمیل بر اعمال بوده و بر عقیده، افکار و ایمان نمی‌توان از روش تحمیل استفاده نمود. به طور مثال، بدون عقیده به نماز نمی‌توان آن را بر فرد تحمیل نمود. پس از ایمان آوردن، و اعتقاد به نماز، عمل عرضه شده و تحمیل می‌گردد. مانند: در مدارس ابتدایی و راهنمایی برگزار کردن نماز جماعت، تا افرادی که در خانه نماز نمی‌خوانند، نمازخوان شوند و یا بردن فراگیر به مسجد برای اقامه نماز تا اهل مسجد رفتن گردد.

* در این روش اگر تحمیل، مطلوبیت درونی نسبت به عمل را از بین ببرد، از آن نباید استفاده کرد چرا که ممکن است، فرد تغییر جهت کلی داده و به ضدیت برسد. مانند: بعضی مریبان و خانواده‌های مذهبی که بر اثر تحمیل رفتارها (قبل از تشکیل نگرش و عقیده) فراگیر و فرزندان خود را بی تفاوت، ضد دین و ... می‌سازند. هنگام دعا و عبادت پس از خسته شدن، تحمیل دیگر جایز نیست. گاهی هنگام دعا و زیارات، صرف ساعت‌های زیاد، باعث زدگی شده و روحیه نشاط اولیه دعا و زیارت از بین رفته، این دعا و زیارت دیگر محرک نخواهد بود. یا بردن کودکان، برای مدت طولانی، در جلسات مذهبی بزرگسالان.



۲-۴-۲. روش «ساختن درون و باطن»^۱

همانگونه که در فصول قبل تبیین شد در این روش سعی مربی بر آن است که طرز تلقی فرد را از امور دگرگون کرده تا به موازات آن رفتارهای متناسب با تغییر نگرش از او ظاهر شود. آنچه در این روش لازم است مد نظر قرار گیرد، این است که مربی به دادن علم اکتفا نکند که آنچه باعث تغییر در رفتارها خواهد شد، ایجاد نگرش است نه دادن آگاهی صرف.

و در مجموع تغییر باطن، باعث تغییر ظاهر می‌شود. اگر ظاهر اشکال دارد (گفتارها خوب نیستند، حجاب ایراد دارد، فساد دیده می‌شود، ...) علت را باید در درون جستجو کرد (رنگ رخساره نشان می‌دهد از سر درون).

* موضوع بسیار مهم این است که این روش با روش قبلی، ساختن ظاهر، موازی هم هستند و نه مخالف، و از هر کدام باید در جای خود استفاده نمود و این دو روش در تربیت کاربرد زیادی داشته و مفید هستند.

لازم به ذکر است در این راستا سه نظریه مهم وجود دارد:

نظریه اول: فقط ظاهر و رفتار باید مورد پسند و مطلوب شوند و بیشترین تلاش طرفداران این نظریه به ظاهر پرداختن و زیبا جلوه دادن رفتارهاست و در صورت غفلت از درون معمولاً فراگیر به: نفاق، بی‌هویتی و کسب لذات و ... گرایش می‌یابد.

نظریه دوم: ظاهر، هر طور که باشد مهم نیست، رفتار بر هر شکلی که باشد اهمیتی ندارد، حتی در عمل فساد هم بود اشکالی ندارد، مهم این است که فقط باطن، باصفا باشد که در این حالت، پس از مدتی، فساد ظاهری، درون را هم فاسد می‌کند، یا اینکه، فرد التقاطی می‌شود، و یا در نهایت راه را اشتباه می‌رود (= ضلالت، مانند: سیره و شعار فرقه‌های صوفیه و دراویش و ...)

نظریه سوم: به هر دو باید پرداخت و با طرح و برنامه مشخص و در این حالت است که

۱. مشایه مطالب این قسمت قبلا در مبحث هویت و شخصیت و روش‌های مبنایی دینی آمده است.

تربیت انسان کامل می‌شود.

برای ساختن درون و باطن این روش ۵ جزء دارد:

الف) بینش در مورد نظام هستی

ب) بینش در مورد دنیا

ج) بینش در مورد حقیقت انسان

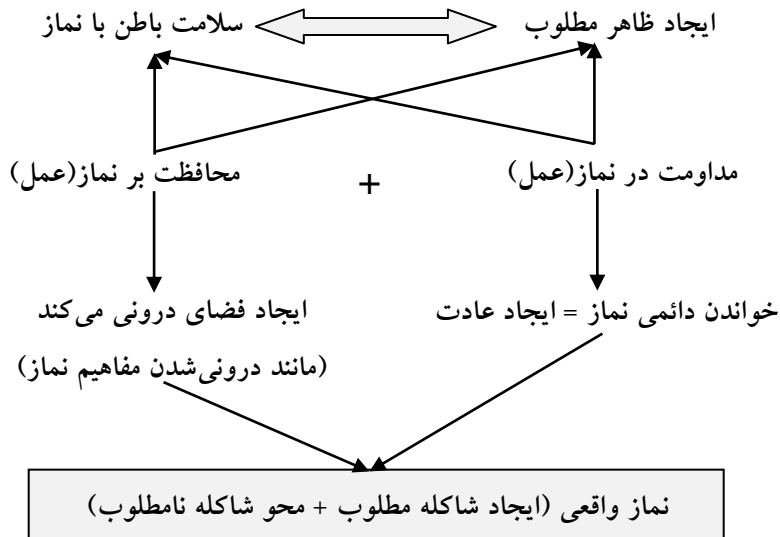
د) بینش در مورد تاریخ انسان

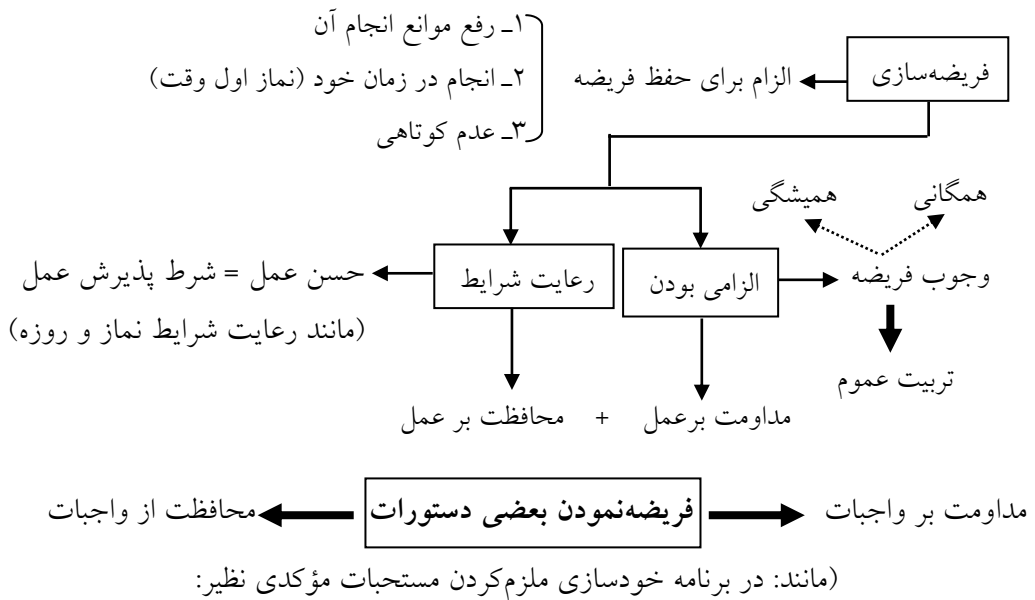
هـ) بینش در مورد مرگ و پس از مرگ

۳-۴-۲. روش «فربضه‌سازی»

فربضه از دو جنبهٔ «الزامی بودن» و «رعایت شرایط» برخوردار است. الزامی بودن حکم باعث مداومت بر عمل شده و هدف آن تربیت عموم می‌باشد و از آن رو که واجبات همیشگی و همگانی هستند، رعایت شرایط باعث محافظت بر عمل می‌شود و شرط پذیرش عمل، حسن عمل است. این دو جنبه به موازات هم باعث حسن رفتارها و تربیت در فرد می‌شوند.

مثال در مورد نماز: در نمودار ذیل مشخص می‌باشد:

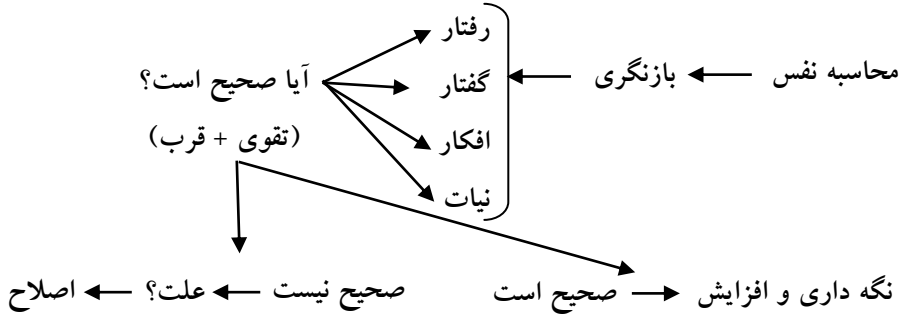




نماز شب، وضو، تلاوت یک حزب یا چند دقیقه در شبانه روز، کارخاص، روزه مستحبی و...)

۴-۲-۲. روش «محاسبه نفس»

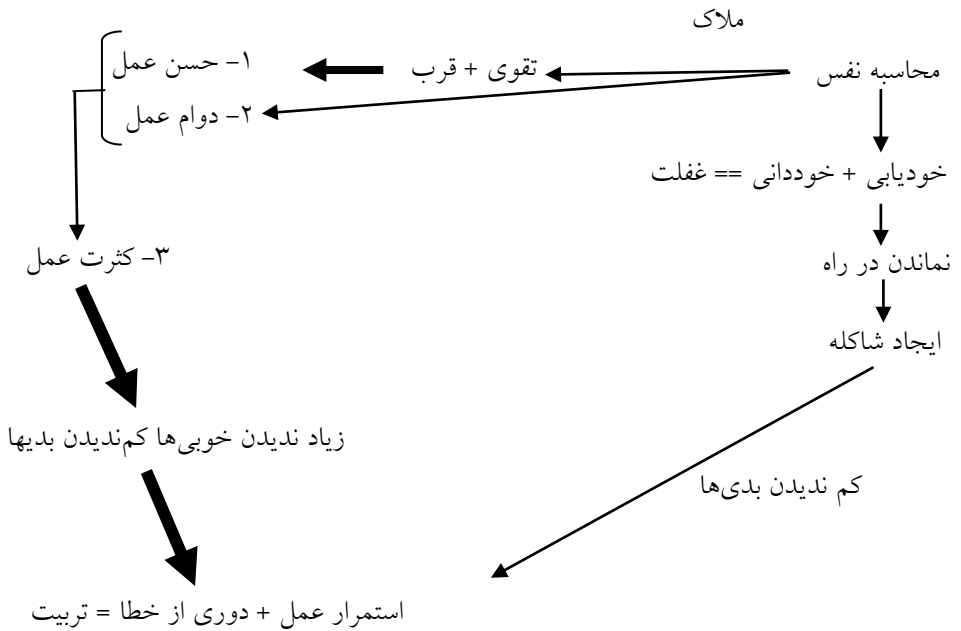
فرد در روش محاسبه نفس، صحت گفتار، نیات، اعمال و رفتار خود را مورد بازنگری قرار می دهد. این بازنگری اگر به عنوان محور زیست روزانه قرار بگیرد، فرد همیشه در حال خودیابی است و این نقطه آغاز تعلیم و تربیت است و خروج از خودفرااموشی و موفق شدن در زیست روزانه. اصل وجود نماز و روزه با هدف بازنگری در اعمال است. در محاسبه نفس ملاک محاسبه تقواست و انجام اعمال به نیت تقرب به او. انجام اعمال برای او و دخالت دادن او در زندگی با نیت صادق، فرد را به حسن عمل می رساند. ملاک دیگر، دوام عمل است و به پایان بردن یک عمل. حسن عمل و دوام آن باعث می شود فرد عمل نیک خود را استمرار بخشد و از آنجا که ملاک و مبنای آن تقوی است، استمرار در عمل و کثرت آن برای فرد دوری از خطا را نیز حاصل نموده و نهایتاً تربیت حاصل می شود. در این راستا و به موازات کثرت عمل، فرد لازم است از زیادشمردن خوبی ها پرهیز نموده و بدی های خود را کم نیند.



...إَتَّقُوا اللَّهَ وَلِتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ...^۱... تقوای الهی پیشه کنید، و هر کس باید بنگرد تا

برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و تقوای الهی داشته باشید ...

امام کاظم علیه السلام: لَيْسَ مِنْنَا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ^۲ نیست از ما، کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند.



۱. حشر/ ۱۸

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۵۳

۵-۴-۲. روش «آراستن ظاهر»

در این روش مربی در افعال تربیتی، روابط خود را با فراگیر به صورت مطلوب و آراسته تنظیم می‌نماید. در این صورت در فراگیر ایجاد میل و رغبت نموده و موجب نشاط و سرور در فرد شده پس از آن، باعث پذیرش مربی از سوی فراگیر شده و بستر لازم برای تربیت فراهم می‌شود.

در این روش، جذابیت مربی از نظر جذاب بودن برخورد و خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی در نظر فراگیر مطرح است. (جذابیت در نظر فراگیر مطرح است نه در نظر مربی)

* برای استفاده از این روش باید مربی - والدین:

الف) از نظر برخورد، روابط، آداب و معاشرت در دیدگاه فرد، خوب و جذاب بنظر برسند.

ب) ظاهر و اندام آنان ناهنجار نبوده و آراسته و زیبا و تمیز جلوه کنند.

۶-۴-۲. روش «تزیین کلام»

کلام و ادبیات مربی وسیله و ابزار افعال تربیتی اوست و همچنین نمود شخصیت و هویت او و الگوبودن برای فراگیر. کلام مربی نه تنها وسیله افعال تربیتی است بلکه وسیله رسیدن به اهداف تربیتی نیز می‌باشد. با توجه به این نکته، کلام مربی لازم است از دو ویژگی مهم برخوردار باشد:

۱. مربی کلامی بگوید که اثربخش بوده و در نظر فراگیر زیبا جلوه نماید و پذیرش شود. در حقیقت کلام زیبا برای اثرگذاری زیبا در فراگیر است و باعث حرکت فکر در وی می‌شود.

همانطور که خداوند تزیین کلام را در قرآن کریم بسیار به کار برده است. (با ایجاد سؤال و ...)

۲. استراتژی مربی در انتخاب نوع کلام علاوه بر آنکه در آن خوشایند بودن فرد رعایت

می‌شود، باید با توجه به اهداف تربیتی او تنظیم گردد. (دقت شود)

۷-۴-۲. روش «توبه»

توبه یعنی بازگشت.

دهای به گناه ارتکاب معاصی و گناه، پشیمان و از آن تائبند و خداوند نیز آنگاه که بنده به زشتی

عمل خود واقف می‌شود، توبه وی را می‌پذیرد و او تواب است و قابل التوب.

از مفهوم لغوی توبه برای تعلیم و تربیت فرد دو نکته را می‌توان اقتباس نمود:

الف) بازگشت مربی به سمت فراگیر هنگام خطا و انحراف و همراه همیشگی او بودن

ب) بازگشت دادن فراگیر به سمت مسیر اصلی و رهان کردن او

در این روش پنج موضوع قابل طرح می‌باشد:

۱. مربی و والدین به فراگیر توجه کرده و ارتباط خود را با وی قطع نمایند بویژه ارتباط

عاطفی خود را.

۲. رفتن او به سمت فراگیر به منظور آگاه کردن وی نسبت به زشتی رفتارش، بدین منظور که

زشتی عمل را به او نشان داده و عواقب آن را برای وی تشریح کنند.

۳. فراگیر را به مسیر برگردانده و از تکرار عمل جلوگیری نمایند. (یعنی برقرار بودن ارتباط تربیتی)

۴. پس از بازگشت فراگیر، قبول خطا و عذر نموده و رابطه مربی و والدین با وی همچون قبل

باشد.

۵. مربی - والدین پس از بازگشت، فراگیر را سرزنش و ملامت ننمایند.

۸-۴-۲. روش «تبشیر»

خداوند مربی مطلق است و مبشّر. پیامبر اکرم (ص) نیز یک مربی است و مبشّر. قرآن در آیات

زیادی به این موضوع پرداخته است. معلم نیز چون یک مربی است، مبشّر است. لازم است در

محور تربیت فراگیر (بایدها و نبایدها) ایجاد تکلیف نموده که آن باعث کراهت نفس می‌گردد و

کراهت نفس عدم رغبت در فراگیر را در پی خواهد داشت.

حال، فراگیری که بایدها و نبایدها و تکالیف را پذیرفته و آماده پذیرش تربیت گردیده، باید به

بشارتی پاداش داده شود تا تمایل و رغبت او در طی مسیر تربیت افزوده شده، به طی مسیر امید

پیدا نماید.

بشارت فراگیران باید متناسب با میزان درک و فهم آنها باشد، همانگونه که خداوند نیز متناسب با درک انسان‌ها آنها را تبشیر می‌نماید. تبشیر قبل از انجام اعمال تربیتی و یا همراه آنها است و اثر آن عمیق بوده به خلاف تشویق که معمولاً بعد از عمل است و در برابر انجام عمل، و سریع‌الاثربوده، و بخاطر عمل در گذشته است، در سنین کم بشارت‌ها باید عینی، مشخص و کوتاه‌مدت باشند و در سنین بزرگسالی مفهومی و بلندمدت. (مانند وعده بهشت)

۹-۴-۲. روش «تعلیم حکمت»

مربی لازم است ابتدا نیروی عقل فراگیر را با وقایع و اشیاء و رویدادها، مفاهیم و حقایق مواجه نموده و آنها را زمینه‌ای برای تفکر وی قرار دهد. سپس بستری فراهم آورد تا اندیشه فراگیر به جریان افتد. سپس نوع نگاه و اندیشه وی به مفاهیم و حقایق مورد ارزیابی مربی قرار گیرد. و در گام بعد، مربی با استدلال، اندیشه‌های غیر صحیح وی را به اندیشه و فکر صحیح تبدیل نماید. در نتیجه، از تکرار این روند، نیروی عقل در فرد شکوفا و ثابت و بصورت یک نهاد کارساز، درمی‌آید.

۱۰-۴-۲. روش «موعظه حسنه»

اثر موعظه گاهی ممکن است باعث تشدید شدن رفتار نامطلوب و عناد و مخالفت شود و لذا در تعلیم و تربیت اسلامی مربی در محور موعظه حسنه یا موعظه اثرگذار، مواردی را لازم است مد نظر داشته باشد:

۱. موعظه باید بر مبنای عقیده سالم مربی و فراگیر باشد.
۲. مربی خود از عمل صالح برخوردار بوده و الگوی صحیح از نظر عملی باشد.
۳. فراگیر از موعظه به حسن نیت مربی پی ببرد.
۴. بیان موعظه، نرم، زیبا و مثبت بوده و متناسب با ادبیات فراگیر ارائه شود.

۵. پس از فراهم آوردن شرایط لازم، موعظه صورت گیرد تا باعث پذیرش آن از سوی فراگیر گردد.

۶. در غیر موارد ضروری موعظه در جمع صورت نگیرد.

* در تعلیم و تربیت اسلامی روش های متعدد دیگری نیز وجود دارند که در ذیل به معرفی

کوتاهی از آنها اکتفا می شود:

۱۱-۴-۲. روش «یادآوری نعمت ها»

مربی لازم است فراگیر را به خودنگری رسانده و وی را از غفلت خارج نماید. تا نعم الهی و مواهب او و مجموعه داشتن های خود را دیده و شکر نعمت کند. شکر مقدمه ای است برای بهره وری بیشتر از نعمت ها و مواهب موجود و بهره مندی از آنها.

۱۲-۴-۲. روش «عبرت آموزی»

در این روش ایجاد نگرش صحیح نسبت به پدیده های پیرامون، اقوام، تاریخ و ملل گذشته ضروری است. حاصل این نگرش، اندیشه در عمق مسائل و کشف رموز نهفته در آنها و دریافت حقایق می باشد، (داستان های قرآن نیز برای عبرت آموزی است).

۱۳-۴-۲. روش «تزکیه»

در این روش مربی باید توجه فراگیر را به کنترل امیال و تسلط بر هوی و هوس ها نماید (بسیاری از فیلم ها و سریال ها و ... بر خلاف این روش می باشند) چرا که بر عقل اثر نامطلوب گذاشته می توانند آن را در تشخیص به اشتباه اندازند و فرمان به انتخاب باطل دهند، لذا تزکیه ضامن سلامت عقل است. در این روش مربی باید آفات عقل را بیان دارد. مانند: عجب (که همان خود برترینی و کمتر دیدن دیگران است و بر نگاه فرد نسبت به خودشناسی اثر سوء می گذارد)، خشم و غضب (که ایجاد عدم تعادل می کنند، بر خلاف عقل، که کار آن ایجاد تعادل است).

۱۴-۴-۲. روش «ابراز توانایی‌ها»

در این روش مربی - والدین، نهادهای درونی، استعدادها و توانمندیهای فراگیر را به او نشان می‌دهد که در اثر آن فرد در خود احساس عزت خواهد کرد و در نتیجه فرد بخود خواهد گفت: «من مجموعه‌ای از توانمندیها دارم، پس می‌توانم»، و لذا در این رهگذر نیروی رشد دادن به خود، در فراگیر ایجاد می‌شود، که این دست‌آورد بسیار مهمی است.

در این راستا فراگیر توانمندیهایش را از خدا دانسته، آنها را نعمت می‌شمرد و در بالفعل کردن آنها تلاش نموده، احساس عبدبودن به وی دست داده، شکر خداوند کرده، در خود احساس «عزت» می‌نماید و در مقابل شکر، عجب است و آن بر اثر از خود دانستن توانمندیهاست و نتیجه‌اش جاه‌طلبی و ظلم است که در نهایت فرد به «ذلت» می‌رسد. (ذلت # عزت)

۱۵-۴-۲. روش «انذار»

انذار یعنی آگاه‌نمودن فراگیر نسبت به احتمال عواقب سوء رفتارش در آینده. که در این روش مربی قبل از مجازات نسبت به نوع رفتار فراگیر، او را آگاه می‌کند و چنانچه فراگیر آگاهانه و از روی تعمد، خطا کند، آنگاه مجازات می‌شود و نسبت به رفتارهایی که به فراگیر آگاهی داده شده و فراموش کرده، مجازات می‌شود.

۱۶-۴-۲. روش‌های دیگر

تا اینجا مهم‌ترین روش‌ها بیان شد، مربیان و والدین برای اطلاع از روش‌های دیگر مانند: روش تغافل، مجازات به قدر خطا، روش تکلیف به قدر وسع، روش ابتلاء، روش تحریک ایمان، روش مواجهه با نتایج اعمال، روش اسوه‌سازی و ... می‌توانند کتب تألیف‌شده در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی^۱ را مطالعه نمایند.

۱. از قبیل تعلیم و تربیت اسلامی شهید مطهری - تعلیم و تربیت اسلامی از انتشارات تربیت معلم کد ۱۰۰۰ نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی از دکتر خسرو باقری و ...

۵-۲. نحوه و شیوه بکارگیری یک روش تربیتی

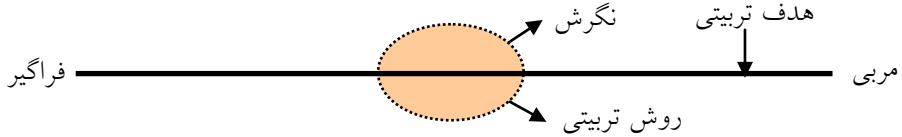
مربی با هدف تربیت، ابتدا یک هدف تربیتی را انتخاب می‌کند.

اهداف تربیتی عبارتند از: ایجاد، افزایش (تقویت)، نگه‌داری (حفظ)، جلوگیری، تقلیل (کاهش)، یا محور یک رفتار.

سپس متناسب با هدف تربیتی یک روش انتخاب می‌کند مانند: تشویق، تمجید، تنبیه و ... (در صفحات بعدی با روش‌ها آشنا می‌شویم).

در مرحله سوم روی آن روش، نسبت به رفتاری که فراگیر باید انجام دهد، نگرش لازم را بار می‌کند.

مرحله چهارم بکارگیری روش انتخاب‌شده با توجه به موقعیت و شرایط مناسب و ترغیب و تحریک فراگیر برای انجام دادن رفتار مورد انتظار است.



فصل پنجم

مراحل تربیت

آنچه در فصل پنجم می خوانیم:

۱. مراحل تربیت

- تقسیم بندی مراحل سنی
- از نظر تحصیلات رسمی
- از نظر رشد
- از نظر تعلیم و تربیت اسلامی

۲. خطوط کلی مراحل تربیت

- خودسازی و تعلیم و تربیت
- برنامه تربیتی

۱. مراحل تربیت

انسان بر خلاف سایر موجودات در طول زیست خود، از خصوصیات، ویژگی‌ها، تمایلات، خواسته‌ها و رفتار متغیری برخوردار بوده، و در هر دوره سنی خصوصیات و رفتار مربوط به همان دوران را دارا می‌باشد. در نتیجه، این تفاوت‌ها، در تعلیم و تربیت او جنبه تعیین‌کننده دارد و توجه به آن ضروری است. عدم عنایت به این امر، تعلیم و تربیت را دشوار و حتی غیرممکن خواهد ساخت. بر این اساس لازم است در هر سن، به مقتضای آن، اقدامات تربیتی لازم انجام شود. در این راستا مریبان باید از علوم لازم مانند روانشناسی رشد و دیگر شاخه‌های روانشناسی و مشابه آن برخوردار باشند.

شروع تعلیم و تربیت، از جایگاه خاصی در علم تعلیم و تربیت اسلامی برخوردار می‌باشد و آن، هنگام انتخاب همسر بوده که به دوران قبل از انعقاد نطفه تعبیر شده است. علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت اسلامی هر یک از زوایای جداگانه، انسان و مراحل تربیت او را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این میان ریشه‌ای‌ترین و عمیق‌ترین دیدگاه، نگاه علم تعلیم و تربیت اسلامی به این موضوع می‌باشد.

۱-۱. تقسیم‌بندی مراحل سنی

۱-۱-۱. تقسیم‌بندی سنی از نظر تحصیلات رسمی

- پیش دبستانی ۱ (۴ تا ۶ سالگی)
- پیش دبستانی ۲ (۶ تا ۷ سالگی)
- دوره دبستان (۷ تا ۱۲ سالگی)
- دوره متوسطه اول (۱۲ تا ۱۵ سالگی)
- دوره متوسطه دوم (۱۵ تا ۱۸ سالگی)
- دوره آموزش عالی عمومی (۱۸ تا ۲۵ سالگی)

- دوره تخصصی (از ۲۵ سالگی به بعد)

۲-۱-۱. ادوار سنی از نظر رشد

۱. دوره جنینی (قبل از تولد)

از نظر علم پزشکی به اثبات رسیده است که حالات، شرایط و تغذیه مادر در دوران بارداری در رشد هوشی فرد در سنین پس از تولد تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۲. از تولد تا ۱۸ ماهگی (طفولیت یا شیرخوارگی)

دوره تغذیه مناسب (خوردن)، خواب کافی، تحرک بدنی کافی، تنظیم محیط زیست برای رشد جسمی. رشد مناسب در این دوره زیربنای مهمی برای دوره‌های بعد، و نقشی سرنوشت‌ساز برای مراحل بعدی دارد.

۳. از ۱۸ ماهگی تا ۴ سالگی (خردسالی)

دوره آموزش زبان (حرف زدن با استفاده از علائم قراردادی برای بیان مقاصد خود)

آموزش زبان عبارت است از:

الف) ادراک کلام دیگران

ب) یادگیری الفاظ و واژه‌ها

ج) گفتن صحیح واژه‌ها

د) جمله‌سازی صحیح و قابل درک

۴. از ۴ تا ۶ سالگی (کودکی اول)

دوره پرورش عادات مفید، پرورش روابط و رفتار صحیح اجتماعی، پرورش عواطف، انجام و ادامه تحرک بدنی متناسب با سن او، گردش و انجام بازی‌ها است.

۵. از ۷ تا ۱۲ سالگی (کودکی دوم)

دوره عادت به زندگی جمعی، پرورش استعدادها، فراگیری معلومات لازم مذهبی، اجتماعی و اخلاقی است.

۶. از ۱۲ تا ۱۵ سالگی (دوره نوجوانی اول الی بلوغ)

ادامه و انجام اهداف دوره قبل در سطح عالی تر، دوره اشتغال به امور آموزشی - درسی جهت آمادگی تحصیلات مرحله بعدی و دوره آمادگی برای شروع زندگی اجتماعی، شناخت و اکتشاف استعدادها، تمایلات و نیازها و دوره فرهنگی نمودن اوست.

۷. از ۱۵ تا حدود ۱۸ سالگی (دوره نوجوانی دوم)

دوره دبیرستان

۸. از ۱۸ تا ۲۵ سالگی (دوره جوانی اول)

دوران تحصیلات و آموزش عالی

۹. از ۲۵ تا ۳۵ سالگی (دوره جوانی دوم)

۳-۱-۱. تقسیم بندی مراحل سنی از نظر تعلیم و تربیت اسلامی

قال النبی ﷺ: أَوْلَادُ سَبْعِ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَوَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ.^۱

مرحله اول: دوران قبل از انعقاد نطفه، شروع آن از انتخاب همسر است.

مرحله دوم: از انعقاد نطفه تا تولد (بارداری)

مرحله سوم: تولد یا دوران نوزادی (روزهای اول)

مرحله چهارم: طفولیت (ماه های اول)

مرحله پنجم: سیادت (۷ سال اول - کودکی)

مرحله ششم: اطاعت (۷ سال دوم - نوجوانی)

مرحله هفتم: وزارت (۷ سال سوم - جوانی)

مرحله هشتم: مسئول و مسئولیت (۷ سال چهارم)

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶ - هداية الامه الی احکام الائمه علیهم السلام، ج ۷، ص ۳۳۴ - بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص ۹۵ - سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۸۰ - جامع احادیث الشیعه (للبروجردی)، ج ۲۶، ص ۸۴۸.

۲. خطوط کلی «مراحل تربیت»

۲-۱. خودسازی و تعلیم و تربیت

۲-۱-۱. تعریف خودسازی

خودسازی این است که فراگیر آگاهانه و بر مبنای اهداف مشخص، طبق برنامه‌ای منظم، خود را تحت تعلیم و تربیت اسلامی (نه غربی نه شرقی) قرار دهد.

۲-۱-۲. اهمیت خودسازی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند، بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌سازد.»

۲-۱-۲-۱. خودسازی اوجب واجبات است.

در شریعت اسلام اموری هستند که عمل به آنها واجب و رعایت آنها لازم شمرده می‌شوند (اعم از فرایض و ...)، مانند اقامه نماز، روزه، رعایت حق خداوند، حق همسایه، احترام به استاد، والدین، خدمت به خلق و ... از بین واجبات، کدام یک در اولویت قرار دارند و یا به عبارتی دیگر اوجب واجبات چیست؟

می‌توان گفت، اوجب واجبات امری است که از آن به خودسازی تعبیر می‌شود، یعنی ساخته شدن و ساختن. ساختن خود و سازندگی دیگران. خودسازی از اعمال واجب تلقی می‌شود که اگر انجام ندهیم عقوبت دارد.

بخش اعظم علم اخلاق اسلامی به این مهم می‌پردازد.^۲

۱. مائده/۱۰۵

۲. در اهمیت آن همین بس که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ «من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.» کنز العمال / ج ۳ / ص ۱۶ / ش ۵۲۱۷۵ و در فرمایشات ائمه (س) هم به این مهم سفارشات زیادی شده است.

۲-۱-۲-۲. خودسازی غایت تعلیم و تربیت است.

خودسازی، که محصول تعلیم و تربیت است، یعنی مراقبت انسان از خود بر آنچه می‌گوید، آنچه می‌شنود و آنچه می‌بیند و آنچه انجام می‌دهد. رسیدن به خودسازی یعنی رسیدن به اهداف خلقت (یکی از اهداف خلقت، تربیت است).

۲-۱-۲-۳. خودسازی شرط رسیدن به ایمان حقیقی است.

اهمیت خودسازی تا بدانجاست که گفته می‌شود بدون خودسازی ایمان به وجود نخواهد آمد و اگر ایمان نباشد بسیاری از چیزهای دیگر نخواهند بود.

۲-۱-۲-۴. خودسازی چه موقع و در کجا انجام‌پذیر است؟

خودسازی از معدود وظایفی است که در هیچ موقعیت مکانی و زمانی و در هیچ شرایطی از انسان ساقط نمی‌شود. در سفر یا در حضر، خواه فرد یک دانشجو، معلم، مربی، همسر و یا یک فردی عادی باشد، ضروری است همه به این واجب پردازند. روزه، سالی یکماه است و نماز، روزی ۵ مرتبه، ولی خودسازی در هر لحظه (ثانیه به ثانیه) و در هر مکان (قدم به قدم) باید انجام شود.

...اللَّهُمَّ وَلَا تَكُنْ لِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا...^۱ «... خدای من، مرا به اندازه یک چشم پرهم زدن به

خود وامگذار ...»

۲-۱-۲-۵. خودسازی وسیله به فعلیت رسیدن استعدادهاست.

در این مورد می‌توان گفت هر انسانی دارای نیازها و استعدادهایی است که در صورت بالفعل شدن استعدادها به توانایی‌ها و تبدیل نیازها به خواسته‌ها بطور صحیح و اصولی، خودسازی وی حاصل شده است.

و این مسلم است هنگامی فرد به خودسازی نائل می‌شود که به خوددانی و خودیابی رسیده و همچنین خود را شناخته و بر محور جهان‌بینی، استعدادها، توانایی‌ها و نهادهای درونی، خود را به

رشد و تکامل برساند و در نهایت موضوع زیست او بر محور جهان بینی توحیدی باشد (موضوعات زیست نظیر؛ خواستگاری، جهیزیه، مراسم‌های عروسی، جشن عقد و ...)

در مجموع همانگونه که قبلاً بیان شد، غایت تعلیم و تربیت همان خودسازی است و از آن در تعلیم و تربیت به اوجب واجبات تعبیر شده است و از اهم وظایف نسبت به خویش است و باید نیروهای درونی و تمامیت وجود خود را متوجه این امر نمود و تا آخرین لحظات عمر این وظیفه از هیچ فرد ساقط نمی‌گردد و چنانچه انسان به این مرحله برسد و به ساختن خویش در ابعاد مختلف پردازد آنگاه می‌توان گفت به اهداف خلقت (= تربیت شدن) خویش هم نائل گشته است.

در این بخش آدمی در ابعاد مختلف به خود، تعالی و تکامل بخشیده و استعدادهای بالقوه خود را که در مرحله خودشناسی ادراک نموده، به صورت بالفعل درمی‌آورد. در حقیقت منظور از تربیت و غایت تربیت و تعلیم همان رسیدن به این مرحله خودسازی است. انسان تربیت شده کسی است که خود را ساخته و به تکامل رسیده است.

۳-۱-۲. کاربرد و نقش خودسازی در تعلیم و تربیت فراگیر

کسی که در این بخش قرار دارد چگونه فردی است؟ و از چه صفات و ویژگی‌ها برخوردار است؟

او شخصی است که: ۱- قدر لحظات گرانبهای عمر و استعدادها و امکانات خود را به خوبی می‌داند. ۲- از پوچی و بیهوده‌بودن می‌پرهیزد. ۳- زندگی او از ارزش‌های والایی برخوردار می‌باشد ۴- اهدافش متعالی است و مقدس. ۵- زیست او همواره در جهت اصلاح و تعالی خود است ۶- دارای زندگی با نشاط و ارزشمندی می‌باشد. ۷- نور توحید سراسر وجودش را فراگرفته و هر چه می‌بیند اوست و آنچه انجام می‌دهد برای او و در راه اوست.^۱

۸- تمام تلاش و محور فعالیت‌هایش در جهت کسب رضای او می‌باشد، اعمالش هم اصلاح

۱. قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ «بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من،

همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.» (انعام/۱۶۲)

است و همواره مشتاق لقای دوست.

... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا... ﴿١٠٠﴾

«هر کس به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد.» (کهف/۱۱۰)

۹- او کسی است که از ایمان و اراده قوی، علم سرشار و آگاهی به زمان برخوردار می‌باشد و بر تمام اعضاء و جوارح خود مسلط است. مرگ و زندگی خود را برای این می‌داند که در مقام عمل نیکوکردارتر باشد.

احسن عملاً = خودسازی

۱۰- می‌داند که از اوست و بازگشتش هم به سوی او.^۲

۴-۱-۲. نقش مربی در خودسازی فراگیر

در تعلیم و تربیت اسلامی لازم است مربی فراگیر را به خود توجه داده، به خودیابی و خودشناسی برساند و سپس به شناخت خداوند و عبادتش هدایت نماید و با تشکیل دیدگاه، عقیده، ایمان و علم لازم، خودسازی یا تعلیم و تربیت فرد را توسط خودش به جریان اندازد. در این بخش لازم است مربی فرد را در مدار خودسازی قرار دهد. مدار خودسازی از توجه به وجود خود آغاز شده و در ادامه به شناخت نیروهای درونی می‌رسد و سپس به معرفت خداوند نائل می‌گردد. معرفت الهی لازم است به ارتباطی قوی، خاضعانه، خاشعانه و عاشقانه به خدای خویش منتهی گردد. حاصل این ارتباط ایجاد جو و روحیه معنویت است، بدینگونه که فرد در درون خود نور ایمان را حس نموده و سراسر وجودش مملو از نور توحید می‌گردد؛ ایمان منشأ اصلاح رفتارهای ناهنجار و ایجاد اعمال هنجار است. با حصول ایمان و رسیدن فراگیر به این مرحله، اهداف

۱. الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَتْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٢٠٠﴾ «آن کس که مرگ و حیات را

آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است.» (ملک/۲)

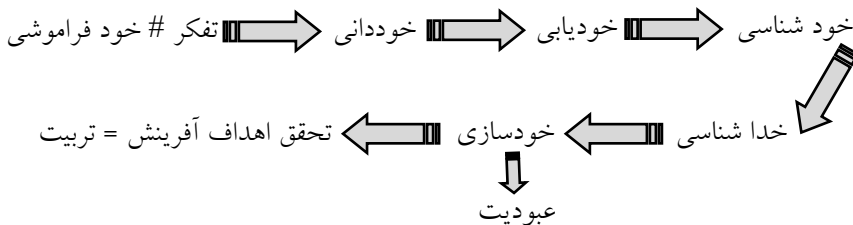
۲. ... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٠٦﴾ «ما از آن خداییم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم.» (بقره/۱۵۶)

تربیت حاصل شده است، پس از نیل به مرحله ایمان بایستی فرد به مرحله زندگی با ایمان نائل شود و آن اطاعت از دستورات الهی که خود نوعی تربیت است (= تدین، دین باوری). در این مرحله تنها انجام فرایض دینی مانند نماز، روزه و ... شرط نیست بلکه تدین ارتکاب اعمال و رفتار بر اساس دستورات قرآن و عترت است نه بر اساس افکار شخصی و یا نظرات دیگران (عوامل خارجی، نهادهای اجتماعی، محیط پیرامون و ... به صورت القایی و ناآگاهانه) و خودسازی یعنی اینکه فرد مجموعه رفتارهای خود را بر طبق الگوهایی که مکتب عرضه می نماید، قرار دهد.

هنگامی مربی قادر است فرد را به مرحله والای تربیت برساند که خود در مدار خودسازی قرار داشته، اهل عمل بوده و مفاهیم آن برای او تحقق یافته باشد. در این صورت شاکله فکری و انگیزه های مربی این است که فراگیران خود را نیز در مدار خودسازی قرار دهد و هدف وی تنها کسب دانش و تعلیم علوم ... نباشد.

وجود انگیزه های مطلوب درونی در مربی باعث می شود فراگیران به طور صحیح در مسیر خودسازی قرار گیرند، بنابر این سخن گفتن مربی باید عاملی باشد که فراگیران به آن مسیر هدایت شوند و لذا مربی بایستی از بدر رفتاری با فراگیر پرهیز نماید چرا که هدف، تربیت است.

با این هدف، فراگیر نیز از انگیزه لازم برای خودسازی برخوردار خواهد گردید تا از خود مواظبت نموده و هر نوع رفتاری را مرتکب نشود و مجموعه رفتار و گفتارش بر برنامه ای استوار باشد که قرآن و عترت برای هر یک از انسان ها قرار داده است.



۵-۱-۲. ملاک و معیار خودسازی

معیار: اصل و عاملی است که با آن چیزهای دیگر سنجیده، تطبیق و مقایسه، ارزیابی، همانندسازی (الگوبرداری) می‌شود. مانند:

۱. برای سنجش: الف) موارد کمی: کیلو (ترازو عامل معیار و سنجش است.) و متر،
ب) موارد کیفی: زیاد، کم، متوسط (برای خوبی و بدی) عالی، بسیار خوب، خوب، متوسط،
ضعیف، بد (برای ارزیابی‌های رفتاری و مهارت‌های عملی مانند رانندگی، سخنرانی و ...)
۲. برای تطبیق و مقایسه: ابتدا شاخص مورد قبولی مبنا می‌شود و سپس بر اساس آن مبنا،
رفتارها و گفتارها و مشابه، بر آن مبنا، تطبیق داده می‌شوند. آنچه اضافه است، حذف، و آنچه کم
است، افزوده می‌شود.

۳. همانندسازی (الگوبرداری) و ارزیابی: ابتدا اصل و عامل و شاخص مورد قبول، مبنا می‌شود
سپس رفتار، گفتار یا افکار بر اساس آن مبنا ایجاد و یا شکل‌گیری می‌شود و یا رفتاری که موجود
است، از نظر نوع و شکل و حد، با مبنا، ارزیابی می‌شود که اگر شکل عمل، مطلوب نیست، به مثل
مبنا، تغییر می‌یابد.

خودسازی (که از مجموعه‌ای از افکار و گفتار و رفتارها تشکیل می‌شود) نیاز به ملاک و معیار
و برنامه دارد، بهترین و عالی‌ترین ملاک و معیار، برای ساخت رفتارها و گفتارها (خودسازی)
قرآن و دستورات پیامبر ﷺ و دستورات ائمه علیهم‌السلام (قرآن و عترت) می‌باشد.

در حدیثی آمده است: **أَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ^۱**

مانند اینکه آیه‌ای از قرآن و یا حدیثی، مبنا شده، بطور مثال: «قولوا للناس حسنا»، که
خوب‌سخن گفتن مبناست، لذا نوع سخن گفتن به این آیه عرضه شده چنانچه با دیگران خوب‌سخن
گفته نمی‌شود، تغییر داده شود، اگر به این آیه، کم عمل می‌شود، «بیشتر» عمل شود و اگر عمل

۱. تحفه العقول، ص ۲۸۴

نمی‌شود، «بشود»، خودسازی در اینجا همان «بیشتر» و «بشود» است.

۶-۱-۲. برنامه خودسازی (برنامه تربیتی یا حداقل‌های خودسازی)

برنامه خودسازی که به آن برنامه تربیتی نیز گفته می‌شود و در ادامه تحت عنوان «برنامه تربیتی» آمده است و لازم است در اینجا به مبحث «واجبات خودسازی در تعلیم و تربیت اسلامی (حداقل‌های خودسازی)» پرداخته شود.

* واجبات خودسازی (حداقل‌هایی که در برنامه خودسازی فرد قرار دارد):^۱

بہتر است در سنین و سالهای اولیه کودکی (از ۵ سالگی به بعد)، فرد را به این امورات عادت داد و با افزایش سن، نسبت به آنها معرفت یابد.

دستوراتی که توسط ائمه اطهار علیہم‌السلام و همچنین دیگر بزرگان دین، جهت واجبات خودسازی سفارش شده، برای زمان‌های مختلفی است، که می‌توان موارد ذیل را توصیه نمود:

۱. مواردی که مربوط به ساعات انسان است (در طول شبانه‌روز باید انجام شده و از آن غفلت نشود):

توجه، ذکر و یاد دائمی خداوند. در این راستا لازم است این موارد انجام شود:

(الف) وضوی دائمی (ب) قبل و در آغاز هر کار و در همه حال، با ذکر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امورات را انجام دادن (ج) روبه قبله بودن (حتی المقدور و در همه جا به جز دستشویی و آمیزش) و احتراز از پشت به قبله بودن. (د) در مناسبت‌های مختلف روزانه، فرستادن ذکر صلوات (کامل یعنی با و عجل فرجهم و اهلک اعدائهم). (ه) نمازهای یومیه را با حضور قلب و در اول وقت بجا آوردن.

۲. مواردی که مربوط به یک روز انسان است (در یک شبانه‌روز حداقل یکبار انجام شود):

۲-۱. روز را با اذکار هفتگانه ارکان ایمان شروع نمودن، که آنان عبارتند از:

لا حول ولا قوة الا بالله...

۱. این موارد توسط نگارنده از متون مختلف گردآوری شده است.

ما شاء الله

فالله خير حافظاً «وهو ارحم الراحمين»

حسبى الله «هم عالم است و هم قادر»

توكلت على الله

افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد

رضى بقضاء الله

۲-۲. در شبانه روز تلاوت قرآن، با دقت در معانی آیات (هر چند کم تلاوت شود)

۲-۳. سپردن مایملک خود (ایمان، سلامتی، اموال، بستگان و ...) به یکی از چهارده

معصوم سأله العجمي

۲-۴. زیارت امام حسین علیه السلام و لو با عبارت کوتاه (ترجیحاً زیارت عاشورا و یا زیارت وارث)

۲-۵. سلام دادن به امام زمان علیه السلام ولو با عبارت کوتاه (ترجیحاً زیارت آل یاسین)

۲-۶. در پایان روز، محاسبه اعمال و گفتار و ... را نمودن (لیس منا من لم يحاسب نفسه كل يوم)

۲-۷. جاری نمودن ذکر و دعای توبه (استغفرالله الذى لا اله ...)

۱. مواردی که مربوط به یک هفته انسان است (حداقل هفته ای یکبار انجام شود):

۳-۱. دعای کمیل (شبهای جمعه)

۳-۲. دعای توسل (سنت شبهای چهارشنبه است)

۳-۳. روزه های مستحبی.

۲. مواردی که مربوط به یک ماه انسان است (حداقل در ماه یکبار انجام شود):

۴-۱. زیارت جامعه کبیره.

۴-۲. مناجات شعبانیه.

۴-۳. دعای عرفه.

۳. مواردی که مربوط به یکسال انسان است (حداقل یکبار در سال انجام شود):

۵-۱. دادن خمس (که از واجبات دین است، رسیدگی به ضرر و زیان می‌دهد و در انسان: «۱»)

هم فکر اقتصادی داده، «۲» و هم ایجاد برنامه اقتصادی می‌کند.

۵-۲. رفتن به زیارت ائمه (س) و اگر مقدور نشد امامزادگان مجرب (حضرت معصومه «س»)،

عبدالعظیم «س» و بزرگان از علماء دین (مانند: علامه مجلسی)

۵-۳. استحلال (حلالیت طلبیدن از اطرافیان)

۲-۲. برنامه تربیتی (برنامه خودسازی)

۲-۲-۱. تعریف:

برنامه تربیتی، «مجموعه اعمال و اقداماتی است منظم، با هدف که والدین، مربی، دیگر عوامل

اثرگذار بر فراگیر و خود برای تغییر، ساخت، رشد و نهایتاً تربیت فرد با هم‌آهنگی هم انجام

می‌دهند.»

۲-۲-۲. فواید، لزوم و اهمیت

فواید:

- می‌توان گفت سرنوشت هر فرد بستگی به وجود برنامه تربیتی، نوع و کارایی آن دارد.

- در تمام طول زندگی، فرد را اداره می‌نماید.

- در شکل‌یابی تفکر صحیح نقش مهمی را ایفا می‌کند.

- فرد را در برابر آلودگی‌ها، مفسدات و انحرافات فکری محافظت می‌کند.

- تمام ابعاد زندگی فرد اعم از اقتصادی، شخصیتی، اخلاقی، فکری، عقیدتی، روحی و روانی

را در برمی‌گیرد و برای هر یک از ابعاد دستورالعمل‌ها و بایدها و نبایدهایی را به همراه دارد.

لزوم:

۱. طریقه و راه تبدیل نیازها به خواسته‌ها، استعدادها به توانایی‌ها را تعیین و ترسیم می‌نماید.

۲. مانع صرف وقت، هزینه و منابع انسانی و مالی بیش از حد خواهد شد و در سنین بالاتر، از تنش‌ها و برخوردها جلوگیری می‌نماید.

اهمیت:

۱. برنامه تربیتی، تعیین راهبردهایی است برای پیاده‌نمودن نظام تربیتی، لذا باعث به حرکت افتادن آن است.
۲. عامل و ابزار تحقق اهداف آفرینش است.

۳-۲-۲. ویژگیهای برنامه تربیتی

۱. لازم است مفاد برنامه تربیتی برگرفته از متن قرآن و دستورات ائمه اطهار (س) و توصیه‌های علوم مختلف نظیر کلام، فقه، زیست‌شناسی، پزشکی، روانشناسی و ... باشد.
۲. **اولین بخش** از برنامه تربیتی توسط والدین، **دومین بخش** آن توسط دیگر عوامل تربیتی نظیر رهبران فکری، رهبران جامعه، مربیان و ... و **بخش سوم** برنامه تربیتی را خود فرد و با کمک بخش‌های دیگر تهیه و اجرا می‌نماید. (دقت شود) مبحث برنامه خودسازی که در فصل دوم ذکر گردید، مربوط به همین قسمت است و موضوع مهم اینکه، علم اخلاق اسلامی بطور مبسوط به این مهم می‌پردازد.
۳. **توافق والدین** در تهیه و تنظیم و اجرای آن عامل مهمی در ایجاد انگیزه برای عمل و تداوم بخشیدن به آن می‌باشد. از آنجا که بخش‌های دوم و سوم برنامه تربیتی به نحوه اجرای بخش اول آن بستگی دارد، توافق والدین در تهیه و اجرای آن از اهمیت زیادی برخوردار بوده و نقش سرنوشت‌سازی را دارا می‌باشد.

* مهم‌ترین موضوع در برنامه تربیتی توافق و همکاری والدین است.

۴-۲-۲. مراحل برنامه تربیتی: (کاربرد برنامه تربیتی در مراحل مختلف زندگی)

۴-۲-۴-۱. مرحله اول: انتخاب همسر (ازدواج والدین)

برخلاف نظریه برخی مکاتب و اکثریت جامعه، از ائمه اطهار علیهم السلام احادیث و روایات زیادی در مورد شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیات و دقت نمودن در انتخاب همسر وجود دارد. در حدیثی تصریح شده است به هنگام انتخاب همسر، مادر مناسب برای فرزندان انتخاب نمایید و این یعنی دقت و توجه به برنامه تربیتی و اهمیت دادن کافی به آن (= آینده‌نگری). لذا اولین مرحله در برنامه تربیتی به انتخاب همسر اختصاص می‌یابد و در حقیقت این اولین گام و نقطه شروع زندگی است. (خشت اول را نهد...) لذا افراد لازم است نسبت به این مهم توجه گردند و در این راستا ملاک‌های انتخاب همسر، صحیح و اصولی باشد.

ملاک‌های انتخاب همسر:

- نزدیکی نگرش

- نزدیکی عقیده دو فرد نسبت به مبدأ، معاد، زندگی و دنیا

- تشابه در خلق و خوی و خصلت‌ها، ایمان، تفکر صحیح و تشابه در هدفگذاری و

ارزشگذاری‌ها

حاصل تشابهات؛ آسان تأمین شدن نیازها و خواسته‌ها و سریع حاصل شدن توافقات، گذشت و عدم بروز اختلافات، تعارضات و مقابله‌ها و در مجموع حاصل شدن زندگی ارزشی و مطلوب است.

۴-۲-۴-۲. مرحله دوم: قبل از انعقاد نطفه

لازم است همسران در این مرحله به موارد ذیل عمل نمایند:

۱. از نظر حالات روحی، روانی و عاطفی در شرایط مطلوب باشند، لذا لازم است والدین مدتی

روح ایمان و معنویت را با ذکر، دعا (ارتباط دائمی و قوی با خداوند)، نمازهای مستحبی، نماز شب،

نوافل و بویژه خواندن نماز واقعی، روزه، تفکر در مظاهر خلقت و... بسیار تقویت نمایند.

آرامش روحی و روانی مهم‌ترین اقدام در این مرحله می‌باشد (ضمن و یا پس از سفر حج، کربلا و نجف اشرف، مشهد، پایان ماه مبارک رمضان و اوایل شوال و ... زمان خوبی برای انعقاد نطفه است).

۲. از لحاظ فعل و انفعالات و حالات اخلاقی بر خود کاملاً مسلط شوند و صفات و حالات خوب اخلاقی باید ملکه گردیده، بر اثر تمرین و تکرار درونی شوند.

۳. از تهییج عصبی و تشنج اعصاب، تنش و اختلافات شدیداً اجتناب گردد. (حتی تا دوران شیردهی)

۴. توجه به رزق حلال، بسیار واجب است و تا پایان دوران زندگی، بویژه تا پایان دوران شیردهی لازم است به این موضوع توجه زیادی نموده و از خوردن غذاهای حرام و شبه‌ناک و از شرکت در مراکز یا منازل مشکوک شدیداً دوری گردد.

در روز عاشورا بی‌اثرماندن اتمام حجت امام حسین علیه السلام و به شهادت‌رساندن آن حضرت به خاطر دادن رزق حرام بنی‌امیه بود.

۵. طرفین از شرایط جسمانی مطلوبی برخوردار باشند، بیماری و یا خستگی‌های دایم رفع و قدرت جسمانی تقویت شده و از تفریح و استراحت لازم برای مدتی برخوردار باشند.

تذکر: رعایت موارد فوق برای انعقاد نطفه سالم و خوب کاملاً ضروری است.

۳-۴-۲. مرحله سوم: انعقاد نطفه (کوتاه‌ترین مرحله، ولی بسیار مهم)

اقدامات مرحله سوم برای همسران:^۱

- با وضو بودن

- خواندن دو رکعت نماز و خواندن دعاهای وارد شده، قبل از نماز و حالت تضرع بعد از نماز

- رعایت قبله

۱. در کتب حدیثی مربوطه و منابعی از قبیل: حلیه‌المتقین بطور مبسوط ذکر شده است.

- ذکر بسم الله الرحمن الرحيم^۱

- ذکر فراوان الله اکبر که در احادیث فراوانی توصیه شده است.

موارد فوق در حقیقت ایجاد شرایط و فضای مطلوب را می نمایند. (که در فصل قبل به آن

اشاره شد.)

۴-۴-۲۴. مرحله چهارم: پس از انعقاد نطفه

اقدامات مرحله چهارم:

رسالت مهم پدر آماده سازی شرایط و فضای لازم برای باروری نطفه در زمینه موارد پنج گانه ای که در مرحله دوم مشخص گردید، می باشد. رعایت توصیه های پزشکی، توجه دایمی و اهمیت دادن به موارد پنج گانه (مرحله دوم) و تقویت و ادامه رعایت آنها و مد نظر قراردادن دستورات ائمه علیهم السلام و موارد دیگری که در تعلیم و تربیت و روانشناسی توصیه شده است وظیفه مادر می باشد.

۴-۴-۲. مرحله پنجم: تولد و نوزادی (ایجاد شخصیت فردی)

اقدامات مرحله پنجم:

۱. نام نیکو: معمولاً لازم است نام نیکو که هویت ارزشمندی به فرد ببخشد انتخاب شده (قبل از انعقاد نطفه) و طی مراسمی و توسط فردی معنوی همراه با اذان، اقامه و ... فرزند نامگذاری گردد.

۲. امام صادق علیه السلام شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان فرموده و بسیار عظیم شمردند، لذا فرمودند: هرگاه اراده آمیزش داشته باشی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم. الذی لا اله الا هو بدیع السماوات و الارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیله خلیفه فلا تجعل للشیطان فیه شرکاً و لا نصیباً و لا حظاً و اجعله مؤمناً مخلصاً مصفی من الشیطان و رزقه جل ثناؤک . حضرت علی علیه السلام بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و جنب الشیطان ما رزقتنی. امام باقر علیه السلام اللهم ارزقنی ولداً واجعله تقیاً زکیاً لیس فی خلقه زیاده و لا نقصان و اجعل عاقبتہ الی خیر. امام صادق علیه السلام فرمودند در سجده نماز، این آیات خوانده شود: رب هب لی من لدنک ذریه طیبه انک سمیع الدعاء . رب لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین. امام سجاد علیه السلام رب لا تذرنی و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیوتی و یتغفر لی بعد موتی و اجعله خلقاً سوياً و لا تجعل للشیطان فیه نصیباً اللهم انی استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم.

۲. عقیقہ

۳. ولیمہ

موارد فوق در حقیقت تعیین جایگاہ پذیرش و اہمیت دادن بہ فرزند بہ عنوان یک عضو رسمی می باشد یعنی ایجاد شخصیت فردی برای فرزند و ایجاد نگاہ مطلوب بہ فرزند بہ عنوان یک وجود مہم و ارزشمند، برای والدین.

۵-۴-۲. مرحلہ ششم: دوران کودکی

۷ سال اول زندگی (دوران طفولیت، خردسالی، کودکی یا دوران سیادت)

اقدامات لازم در این مرحلہ شامل ۱۰ مورد می باشد:

در طبقہ اول:

۱. توجہ

۲. تغذیہ صحیح

۳. تحرک و بازی

در طبقہ دوم:

۴. محبت

۵. امنیت

۶. ایجاد روحیہ نشاط

در طبقہ سوم:

۷. برقراری ارتباط عاطفی

۸. ایجاد جو عاطفی در فضای عمومی خانوادہ

۹. ایجاد جو حسن و قبح

۱۰. مقدمات تشکیل نگرش و دیدگاہ

۶-۴-۲. مرحله هفتم: پایان دوران کودکی، نوجوانی، دوره اطاعت، ۷ تا ۱۴ سالگی

اقدامات مرحله هفتم:

لازم است اقدامات دهگانه مرحله ششم در این دوره نیز تداوم یافته علاوه بر آنان:

۱. در این دوره لازم است مقدمات تشکیل نگرش نوجوان، به ایجاد تشکیل نگرش تبدیل شده و دیدگاه‌های وی نسبت به خود، جهان هستی، خداوند، مرگ و پس از مرگ شکل‌یابی گردد. از آنجا که تلقی صحیح نوجوان از خود، زیربنای اصلی نگرش وی در دوره‌های بعد می‌باشد، لازم است فرد نسبت به خود و هدفمند بودن خود، تصویر مطلوبی داشته و خود را با ارزش بداند.

تذکر: در این دوران لازم است روحیه توحید در فرد بطور خوشایندی ایجاد گردد.

۲. مقدمات تشکیل عقیده

۳. ایجاد تفکر صحیح:

اگر نگرش فرد در این مرحله به خوبی شکل‌یابی شده باشد، حاصل آن، ایجاد تفکر صحیح خواهد بود. تفکر صحیح در این مرحله در این زمینه‌ها عامل تعیین‌کننده است:

الف) نحوه زیست و نوع رفتار

ب) عدم گرایش به آلودگی‌ها و پلیدی‌ها و زشتی‌ها

ج) حفظ و تقویت نیت پاک درونی

۷-۴-۲. مرحله هشتم: دوران بلوغ - دوران وزارت یا تولد ثانی یا دوران تحولات درونی

ترشحات هورمونی در این دوره باعث رشد سریع و تحولات جنسی و جسمی شده، همچنین بر اثر تحولات روحی و روانی بوجود آمده نوعی عدم تعادل روی می‌دهد. او حساس و زودرنج و گاهی طوفانی شده، و قصد دوباره‌سازی باورها و یافته‌های گذشته را دارد. شک، عامل مهمی در جهت تزلزل و برهم خوردن ثبات او در این دوران است. در مجموع، فرد نامتعادل می‌شود که این

عدم تعادل خود مقدمه‌ای برای ثبات جدید می‌باشد. در عده‌ای شخصیت و هویتی جدید شکل می‌گیرد. در ابتدا برای اطرافیان، فرد غیرقابل تحملی می‌شود ولی تذکر این نکته لازم است که وی را باید درک کرده و نیازهایش را تأمین نمود. این دوران سهم عمده و زیادی در تشکیل عقیده او ایفا می‌نماید.

اقدامات مرحله هشتم:

۱. به کلیه موارد مرحله ششم و هفتم (بویژه مرحله هفتم) در حد لازم توجه شده و این توجه و سرمایه‌گذاری لازم است متناسب با سن وی انجام و افزایش یابد.
۲. در این مرحله و تا اواخر این دوره، لازم است نهایتاً عقیده فراگیر - فرزند، شکل‌یابی و تثبیت شود. همه مراحل قبلی در حقیقت مقدمه‌اند برای این مهم. برای تشکیل نگرش و عقیده فرد، باید سرمایه‌گذاری وسیعی انجام گیرد. این موضوع مهم‌ترین اقدام در مراحل برنامه تربیتی یک انسان است.

۹-۴-۲. مرحله نهم: پس از دوران بلوغ و تا پایان عمر

از این مرحله به بعد و تا پایان عمر، معمولاً خود فرد، برنامه تربیتی خویش (برنامه خودسازی) را تنظیم و اجرا می‌نماید. همانگونه که در قسمت ویژگی‌های برنامه تربیتی مطرح گردیده، اجرای مطلوب بخش‌های اول و دوم برنامه تربیتی در مراحل هشت‌گانه، مبنای اجرای بخش سوم برنامه تربیتی توسط خود فرد خواهد شد. در غیر اینصورت امکان القای یک برنامه تربیتی نادرست به فرد، زیاد است.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه.ش.
۳. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه جعفری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ ه.ش.
۴. دشتی، محمد، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۹ ه.ش.
۵. دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، مترجمان یوسف کریمی... «ودیگران»، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه دکتر سیدغلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
۷. سالاری فر، محمدرضا، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ه.ش.
۸. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پژوهشی (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰ ه.ش.
۹. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت اسلامی و مراحل آن، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۰. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، تهران، چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۱. صفوی، امان الله، کلیات روشها و فنون تدریس (متن کامل)، تهران، انتشارات معاصر، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه استاد ناصر مکارم شیرازی، بی جا، بنیاد علمی وفکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۳. طبرسی، ابوالفضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی، ۱۳۸۰ه.ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۷ه.ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بارالانوار الجامعة لدرراخبار ائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، لمکتبة الاسلامیه، ۱۳۹۷ه.ش.
۱۶. _____، حلیة المتقین، اصفهان، شهید فهمیده، ۱۳۸۹ه.ش.
۱۷. مکارم شیرازی دام‌ظله، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ه.ش.
۱۸. _____، پیام قرآن، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ه.ش.
۱۹. _____، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ه.ش.
۲۰. _____، کلیات مفاتیح نوین، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ه.ش.
۲۱. زراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، قم، طوبای محبت، ۱۳۸۵ه.ش.
۲۲. انواع کتب روان‌شناسی از قبیل: روانشناسی رشد، روانشناسی یادگیری، روانشناسی شخصیت، و